

# راه وصال امام زمان



عرض غلامی  
حسین عبدالمهدی

کثیر



ماہرویا، روی پنہان می کنی  
دل بپردی غارتِ جان می کنی

عبدالمهدی. حسین.  
راه وصال امام زمان روحی فداه / عرض غلامی حسین  
عبدالمهدی.  
- تهران: مهتاب، ۱۳۷۸.  
۲۰۰ ص.

شابک: ۹۶۴ - ۶۱۶۲ - ۸۹ - ۴  
ISBN: 964 - 6162 - 89 - 4

۱. محمد بن حسن. امام دوازدهم. ۲۵۶ ق. - رویت. آفتاب. عنوان.  
BP ۲۲۴  
۲۹۷/۴۶۲  
۲ ر ۴۲  
۳۸۶ ر  
۱۳۷۸  
۱۳۷۸

- 
- نام کتاب : راه وصال امام زمان  
 عرض ادب : حسین عبدالنهدی  
 قطع : رقعی  
 تیراژ : ۴۴۰۰ نسخه  
 نوبت چاپ : دوم ۱۳۸۰  
 چاپ : آفتاب  
 ناشر : مهتاب
- 

مرکز پخش: پخش گلستان، انقلاب، خ شهدای زاندارمیری، بن بست گرانفر پلاک ۱۹۳، تلفن ۶۴۰۶۵۷۴

شابک: ۹۶۴ - ۶۱۶۲ - ۸۹ - ۴ ISBN: 964 - 6162 - 89 - 4

# راه وصال امام زمان «عج»

روحی فداه

عرض ادب:

حسین عبدالمهدی

## بنام خدا

به عنایت و توجهات حضرت بقیة خدا حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداء مورد الطاف خفیه الهی قرار گرفته با اتمام پنجهزار و نهصد نسخه چاپ اول رساله شریفه راه وصال امام زمان ارواحنا فداء که به میمنت عدد نام مبارک «مهدی» بود به اتمام رسید.

حال که توفیق و سعادت تجدید چاپ نصیب گردیده است از استاد علی رضا علوی طباطبائی بروجردی که رساله ما را ویرایش نمودند و جناب آقای محمد بهشتی و جناب دکتر عباس غفاری اسلام که زحمت غلط گیری را تحمل کردند سپاسگزارم.

امیدمان اینست به دعای شیفتگان قائم آل محمد که دامنی پر گل از فیوضات و جانی مست افاضات دارند از دارالرحمه ولایت توفیقات بیشتری نصیب داشته باشیم.

ناشر

تابستان ۱۳۸۰

اهداء

با کمالِ خضوع و

تواضع ثوابِ این عرضِ ادب

به ساحتِ اقدس

حضرت

تجلیِ اعظم

سلیمان مُلک وجود

یوسفِ فاطمه زهرا علیها السلام را به تربیت

مادرِ بزرگوارم معصومه کاکوئی و خاله عارفه ام

اعظم کاکوئی دو بانوی دین باور که به لطف

خدا تار و پود وجودشان از عشق

و دلباختگی به اهل بیت عصمت

و طهارت علیهم السلام تنیده

شده بود

هدیه

می نمایم تا سپاسی

از آن همه جانفشانی

باشد و دعایشان

بدرقه

راه

## فهرست مطالب

<p>۵۴ ..... نشاطِ هوای وصل</p> <p>۶۴ ..... تمنایِ وصال بعد از مراسم عزاداری</p> <p>۶۶ ..... گدائی دولتسرای دوست</p> <p>۶۸ ..... جوششِ چشمهٔ جود</p> <p>۷۲ ..... احضار کریمانه</p> <p>۷۴ ..... شاهد بر خلق</p> <p>۷۶ ..... دعایِ مُحرمِ عشق</p> <p>۸۰ ..... تجدید بیعت با امیرِ مُلک و جود</p> <p>۸۲ ..... زیارتِ بهترین محبوب</p> <p>۸۳ ..... زیارت آل یاسین</p> <p>۹۱ ..... هدیه به ماهِ جهان آرا</p> <p>۹۲ ..... هدیه صلوات</p> <p>۹۲ ..... هدیه قرآن</p> <p>۹۳ ..... هدیه ثواب نماز</p> <p>..... پرده دار حریم کبریا</p> <p>۹۴ ..... مهمان دارِ سفرهٔ جود خدا</p> <p>۹۸ ..... خود آزمایی، در طلبِ ظهور</p> <p>۱۰۱ ..... وظیفهٔ ایامِ غیبت</p> <p>۱۰۳ ..... مفتاح کارهای بسته نام اوست</p> <p>۱۱۶ ..... عریضه به حضور فریادرس</p> <p>۱۲۰ ..... فیض ملاقات</p> <p>۱۲۳ ..... شرف دیدار، حضرت دلدار</p>	<p>۱۱ ..... جانِ تنِ آفرینش</p> <p>۱۲ ..... توسل</p> <p>۱۴ ..... رحمت در غیبت</p> <p>۱۷ ..... نعمت در غیبت</p> <p>۱۹ ..... ادعای صوفیه</p> <p>۲۲ ..... حجتِ امام در غیبتِ امام</p> <p>۲۴ ..... اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب‌ها</p> <p>۲۶ ..... بی فیض او، مرگ را چه حاجتست؟</p> <p>۲۸ ..... انتظار ظهور</p> <p>۳۰ ..... شوقِ دیدار</p> <p>۳۱ ..... درد فراق</p> <p>۳۳ ..... اولین شرط قبولی عبادات توئی</p> <p>۳۳ ..... زان که بر هر عملی روز جزا معیاری</p> <p>۳۵ ..... نشر محبت</p> <p>۳۶ ..... دریافتی عارفانه</p> <p>۴۰ ..... نعمتِ شفاعت</p> <p>۴۰ ..... از جمله رحمت امام زمان <small>عج</small></p> <p>۴۱ ..... توسلِ کادل در ارادت کامل است</p> <p>۴۳ ..... در دوران غم بار غیبتش</p> <p>۴۷ ..... به لب دارم از عشقِ تو زمزمه</p> <p>۴۹ ..... صلوات بر دلبر مه لقا که جان قربانش</p> <p>۵۱ ..... اذن قیام حضرت او را رقم بزن</p>
--	---

دستور پنجم: ..... ۱۵۹	تقاضای فیض دیدار ..... ۱۲۵
دستور ششم: ..... ۱۶۰	یقین به دیدار ..... ۱۲۵
دستور هفتم: ..... ۱۶۰	راه رسیدن به امام زمان ..... ۱۲۶
محبت، راز بزرگ تشرفات ..... ۱۶۰	مرحله اول: ..... ۱۲۷
نشانه‌های مُحب بودن ..... ۱۶۳	مرحله دوم: ..... ۱۳۲
محبت ..... ۱۶۴	مرحله سوم: ..... ۱۳۲
ناشر محبت است ..... ۱۶۴	مرحله چهارم: ..... ۱۳۳
دوستی دنیا: ..... ۱۶۶	راه آسان ..... ۱۳۴
محبت غیر: ..... ۱۶۶	راهی که امام نشان داده‌اند ..... ۱۳۴
شب‌زنده‌داری: ..... ۱۶۷	تذکر شوق‌انگیز ..... ۱۳۵
محبت با محبوب مخاصمه نمی‌کند: ..... ۱۶۷	شرط اول قدم آنست که طاهر باشی ... ۱۳۷
محبت بادشمن محبوب سازگاری ندارد: ۱۶۸	فریادرسی که به فریاد می‌رسد ..... ۱۴۱
فنای خواستهٔ محبت در ارادهٔ محبوب: ... ۱۶۹	شاید که نظر افکند او را شناسی ..... ۱۴۲
نشانهٔ دوستداری: ..... ۱۶۹	شکوه ظهور ..... ۱۴۴
صدقه محبت: ..... ۱۷۲	نشان راه وصال در کلام امام ..... ۱۴۶
عصارهٔ همه کلمات ..... ۱۷۶	دستور یکم: ..... ۱۴۷
چه روزها به شب آورد جان منتظرم ... ۱۷۸	دستور دوم: ..... ۱۴۸
به بوی آن که شبی با تو روزگردانم ... ۱۷۸	دستور سوم: ..... ۱۵۱
	دستور چهارم: ..... ۱۵۹

\*\*\*



## هوالمحبوب

حمد خدای را که بابِ نعمتِ رحمتِ حضرتِ رحمة للعالمین و رحمتِ نعماتِ ولایتِ حضرتِ امیرالمؤمنین علیه السلام و فیوضاتِ فیضِ پاداشِ زحماتِ خدیجه ام‌المؤمنین، روح کالبِدِ قرآن، مام پدر و امامان، فاطمه زهرا، قائمه هستی را به وجود قدیسانِ آسمانی که نازنینانِ کبریائی‌اند، همیشه مفتوح و به حجتِ دوران، صاحبِ عصر و زمان الی یوم‌الظهور به روی خاک و خاکیان گشوده شده نگاه داشت و «صلوات» را که بهترین شکر این سعادتِ آسمانی و عنایتِ بی‌علتِ ربانی است، به مستانِ فیضِ آن هیاکلِ رحمانی و مظاهرِ سبحانی تعلیم فرمود تا «بکنند آنچه مسیحا می‌کرد».

مدتها بود در صدرِ صفةِ دل که شاه‌نشین رونق آب و گل است آرزوئی می‌نشست که بیهوشان بادهٔ سادۀ جسمانی و مدهوشان جرعهٔ هیولائی خواسته، دُر و گوهرش را از اصداف لیل و نهار، بحار زخار روزگار بیرون آرند، آن را قلادهٔ گردنِ حسناتِ اعمال و درةالتاج ناموس و اقبال و گوشوارهٔ نوعروسِ حصولِ آمال سازند.

در رسیدن به این منزلت، خرد خرده دان، که صرافِ بازار مملکت امکان است، سئوالم کرد «وَلَا تَحْمِلُنَا مَا لِأَطَاقَةِ لَنَا» فطیر این خیال خام را به کدام دلگرمی بر تنور تابهٔ سینه بندی؟! معتکفان مسجد اقصای سعادت، مجاوران قبهٔ صخرهٔ کمالِ براعت، سرعجز و استطابت بر سجادهٔ استفادت داشته‌اند، دست ثنا و دعا سوی آسمان

افاضت و عطا مرفوع، تا اشعه فیض عنایت بی علتِ کوکبِ ختم  
خلافت و نور افتتاح ظهور ولایت بر روضه نشینان طلب زند، در جمع  
خوشحالان به زمزمه دلربایشان مترنم شدم.

دست از طلب ندارم نا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

به اسعاد عنایت ازلی و امداد حمایت لم یزلی که در سپیده دم  
صبح نیمه شعبان ۱۴۱۸ در روضه مطهره مبارکه حرم جمکران به  
التجاء نشسته بودم تا نسیم عنایتش جانم را طراوت بخشد، گویا به  
سعادت رسیده‌ای که به فیض توجه حضرت بقیه‌الاعظم - ارواحنا  
فداه - منبع فیض شده بود، نظرم افکند، آتش توفیق عالم سوز بر من  
انداخت و غبار بی‌همتی از ساحت صدر به صد مرحله دور ساخت.

این چه روزیست که مرا روی نمود

صبح بر طالع این روز دعا خواند و دمید

نماز صبح را که در حرم کریمه اهل بیت فاطمه معصومه  
- سلام الله علیها - گزاردم، در سجده شکر، عاجزانه رفاقت چنین توفیقی  
را استدعا نمودم که شکر نعمت کرده باشم. تا اذان صبح روز یکشنبه  
پنجم جمادی‌الثانی سنه ۱۴۱۹ که نیم قرن سالروز ظهور جسمانی بقیه  
خدا امام زمان - روحی فداه - را درک کرده بودم، سعادت از در سخا  
درآمد که چه خوش درآمد. توفیق چنین سعادت آسمانی را رفیق  
نمود تا این درمانده و امانده به مدد حضرت «تجلی اعظم» هم بکند  
آنچه مسیحا می‌کرد.

خاک پای شیعیان  
حسین عبدالمهدی

## جانِ تنِ آفرینش

خسته دلان که آرزو دارند، شامِ فراق به سرآید در صبح وصال  
نایل به دیدار شوند، دیده و دل را به جمال تنها صاحب جمال روشن  
کنند، داد از غم تنهایی سر داده و گفته اند و می گویند:

جان بی تو به لب آمد

وقت است که بازآئی

به این یقین رسیده اند، دل به حضرتش بستن از جمله نعمت  
قرآن است که علی امیرالمؤمنین سلام الله علیه فرموده اند: «ما آن  
نعمت هستیم که خداوند بر بندگانش عنایت کرد و به سبب ما رستگار  
شوند، آنان که رستگار می شوند»<sup>(۱)</sup> این نعمت در تن آفرینش روان  
گردیده و در میان جان تمام خلایق چون خداوند هستی عیان. «همین  
است، نعمتی که به فرموده امام صادق علیه السلام قطع نمی شود»<sup>(۲)</sup> و به  
اعتبار کریمه «وَ أَسْبَعَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةٌ وَ بَاطِنَةٌ»<sup>(۳)</sup> به ظاهر و باطن  
تقسیم می گردد زیرا امام موسی کاظم - سلام الله علیه - در تفسیر کریمه  
فوق فرموده اند: «نعمت ظاهر، امام ظاهر و نعمت باطن امام غائب  
است»<sup>(۴)</sup> و این را به شرحها توان شناخت و شناساند، گاهی امام ناطق  
نعمت ظاهر، امام صامت، نعمت غائب است و گاهی چون عصر ما

۱- اصول کافی، ج ۱ ص ۲۱۷.

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰ ص ۵۳۵.

۳- سوره لقمان: ۲۰.

۴- کمال الدین، ج ۲ ص ۳۶۸، کفایة الاثر ص ۳۲۳.

که دورهٔ مجد و عظمت اسلام است. حضرت صاحب الامر و العصر و الزمان حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - امام غائب است و ولی فقیه امام ظاهر و هم توان گفت او که امام الارض است و مقتدای امت می باشد نعمتِ ظاهر به شمار می رود و عشقِ امام ظاهر - معصوم - که در تن روان است و غایب. امام جانست.

## توسل

استمداد از وسیله‌ای آسمانی برای نیل به مراتب روحانی و حتی رسیدن به آرزوهای دنیائی یکی از قوانین آفرینش است، چنان که فرزندان به غم مبتلای یعقوب در هجر یوسف نالان برای استغفار از آنچه در حق برادر نموده بودند به پدرشان توسل می جویند و او را در پیشگاه حضرت باری واسطه قرار داده، می گویند: «یا اَبَانَا اسْتَغْفِر لَنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»<sup>(۱)</sup> «ای پدر مهربان برای ما طلب غفران نما».

حضرت قرآن نیز به آنان که ایمان آورده اند و قصد جهاد با نفس را نموده تا به جایگاه قدس قرب رسند، می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>(۲)</sup> در جایی دیگر به آن عده از جهادگرانِ نفس یا امیدواران که رهائی از غم و اندوهی را می طلبند و وسیله‌ای را نیز می جویند، بشارت می دهد که می یابند «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ

يَرْجُونَ رَحْمَةً»<sup>(۱)</sup> به طوری که علامه طبرسی فرموده است<sup>(۲)</sup> وسیله همان رشته ارتباط و قربت است که بنا بر گفته علی بن ابراهیم قمی باید «به وسیله امام به او تقرب جویند»<sup>(۳)</sup> و لذا می بینیم که حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «ما وسیله بسوی خدا هستیم»<sup>(۴)</sup> و مولی الموالی علی امیرالمؤمنین هم در معنای آیه فرموده اند: «من وسیله او هستم»<sup>(۵)</sup> و طارق بن شهاب نیز این معنی را بسط داده می گوید: امامان از آل محمد وسیله بسوی خداوند و رشته اتصال به عفو او هستند»<sup>(۶)</sup>. خلاصه در دعای ندبه می خوانیم که امامان مایه رسیدن به قرب و رضوان هستند.

به واقعهای برخورد کردم که نقل آن در این جایگاه ضروری است: هر چند بصورت حدیثی معنعن نقل نشده، لکن علاوه بر این که با آنچه در رابطه حاجت خواهی از معصومین - علیهم السلام - متابعت می کند، محدثی چون علامه مجلسی - رحمه الله علیه - نقل نموده است که در ماجرای گرفتاری ابوالوفاء شیرازی به دست «ابن الیاس» متوسل به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه می شود. حضرت در واقعه به او چنین می فرمایند: «در هیچ کدام از رویدادهای دنیا به من و دخترم و فرزندانم (فرزندم) متوسل مشو، بلکه برای آخرت و آنچه از ثواب می خواهی به ما متوسل شو؛ اما برادرم ابوالحسن برای تو انتقام می گیرد از کسی که به تو ظلم می کرده و امام علی بن الحسین

۱- اسراء: ۵۹.

۲- تفسیر مجمع البیان ج ۳ ص ۱۱۹.

۳- تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۶۸.

۴- مرآت الانوار ص ۳۳۱.

۵- تفسیر برهان ج ۱ ص ۴۶۹.

۶- مرآت الانوار ص ۳۳۱.



زین العابدین برای نجات از چنگال پادشهان و سلاطین و مفسده شیاطین و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد برای آخرت و اما موسی بن جعفر عاقبت را از او بخواه و اما علی بن موسی برای در امان بودن در سفرهای دریا و خشکی به او متوسل شو و اما محمد بن علی روزی را به وسیله او از درگاه خداوند بخواه و اما علی بن محمد برای انجام دادن مستحبات و نیکی به برادران ایمانی و امام حسن بن علی برای آخرت و اما حضرت حجت هنگامی که شمشیر دم حلققت رسید، در این هنگام حضرت به گلوی خود اشاره کرد، پس به او استغاثه کن و پناهنده شو که او به فریادت می رسد و او پناهگاه است برای کسی که به او پناهنده شود»<sup>(۱)</sup>.

## رحمت در غیبت

آن دوره از روزگار که امت، شرافت درک حضور نور رب العالمین، رحمت دلیل المتحیرین نصیبشان بوده است، فیض یا غیث المستغیثین را به توجه سجاده نشینان عشق صلوات الله علیهم اجمعین لمس می کردند و از دوزخ غمها به رضوان آرامشها می رسیدند. خلفای خدا، ائمه هدا که تربیت شدگان صدق را به افاضه ای از شر خودی خود نجات داده اند، به ایامی که زمان از نعمت ظاهری وجودشان محروم است، دردمندان مشتاق آسایش را به آرامش توسل حمایت می فرمایند. چنانکه درباره مرد ناامید شده از

حمایت عثمان بن عفان می‌نویسند به دلالت عثمان بن حنیف و ضو ساخته به مسجد رفت، دو رکعت نماز خواند و عرضه داشت خدایا تو را می‌خوانم و بسوی تو روی آوردم بوسیله پیغمبرمان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیغمبر رحمت، ای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ من به وسیله تو روی به خدا آوردم، حاجتم را برآور و می‌نویسند حاجتش برآورده شد<sup>(۱)</sup> یا آن زمان که قحطی دامن اهل مدینه را گرفت، عایشه گفت: از قبر پیامبر روزنه‌ای بر آسمان باز کنید به طوری که حایلی میان قبر و آسمان نباشد این کار انجام شد و باران بارید و گیاهان رویدند و شتران به چرا پرداختند و فرجه شدند<sup>(۲)</sup> در این صورت باید بدانیم رو به تربت امامان ایستادن و حاجت طلبیدن را تعلیم داده‌اند. چنان که می‌نویسند، منصور خلیفه عباسی کیفیت زیارت و دعا نمودن را از مالک بن انس رئیس فرقه مالکی پرسید که «رو به قبله نمایم و دعا کنم یا روبه پیامبر؟ مالک گفت: چرا از او رو برگردانی حال آن که او وسیله تو و وسیله پدر تو، آدم در روز رستاخیز است<sup>(۳)</sup>».

یا حتی به نزدیکان امامان و پیامبران متوسل شدن سنت بوده است می‌نویسند، عمر بن خطاب در سال قحطی به وسیله عباس از خداوند طلب باران کرد و گفت خدایا ما به پیامبرمان متوسل می‌شدیم و تو ما را سیراب می‌کردی و اکنون به وسیله عموی پیامبر به تو متوسل می‌شویم پس ما را سیراب کن و سیراب هم شدند<sup>(۴)</sup>.

۱- دلائل النبوه ج ۶ ص ۱۶۷، تفسیر روح المعانی، ج ۶ ص ۱۲۶.

۲- الوفاء بأحوال المصطفی ص ۸۱۷.

۳- المواهب اللدنیه ج ۲ ص ۳۹۰ و فالوفاج ۲ ص ۱۳۷۶.

۴- دلائل النبوه بیهقی ج ۳ ص ۳۵۲ صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۲۴ و ج ۲ ص ۲۰۰.

و حسن بن ابراهیم اباعلی الهمدانی می گوید: «هیچ کار دشواری مرا نگران نمی کرد، مگر آن که به زیارت قبر امام موسی بن جعفر می رفتم و به او متوسل می شدم و خداوند کارم را آسان می کرد»<sup>(۱)</sup>.

و این رحمت در عصر غیبت امام زمان روحی فداء نیز از جمله سنت های مقدس در جمع شیعیان است که به لحاظ های معنوی یا مادی دست التجاء به سوی عرشیان خاک نشین دراز نموده، از آن ذوات مقدسه می طلبند تا در درجات عالی مقامات معنوی قرار گیرند و یا به عنایت و توجه ایشان از چنگال مشکلاتی که موجبات ناراحتی شده اند رهائی یابند.

مهم این که به نتیجه هم می رسند و بطور حتم هر کس ماجرائی را دیده یا شنیده است که ملتجی به ساحت قدس پیشوایان آسمانی و امام زادگان و حتی عارفان به حق آنان به مقصود رسیده اند.

عزیزالوجودی که شاعر اهل بیت عصمت و طهارت -علیهم السلام- می باشد، جناب دکتر عباس غفاری، مبتلا به غده سرطان گردیده بود که شبی به علی امیرالمؤمنین علیه السلام توسل پیدا می کند، فردای آن شب هیچ گونه اثری از مرض در او دیده نمی شود. یا در ایام عزاداری خامس آل عبا حضرت سیدالشهداء علیه السلام در اخبار صدا و سیمای جمهوری اسلامی در ایران شنیدیم و دیدیم که کودک فلج متوسل به حلقه سینه زنان حسینی شفا می یابد. کسی که قادر به راه رفتن نبوده، می تواند به خوبی راه برود و ناظر بودم که روز عاشورا نورچشمی عزیزالوجودم فرید سلسبیلی چهار ساله در تب شدید

می سوخت، پرچم سبزی را که به السلام علیک یا قاسم بن الحسن مزین بود بر روی سرش انداخته، به ساعتی نکشید شفا یافته و راه می رفت.

یا پدرم حاج حسن آقا که خدا عمرش را به بلندای آفتاب فرماید سخته مغزی نمود. چشم راست بطور کلی فلج شد؛ اطباء دستور عمل جراحی دادند، حقیر از ایشان خواستم تربتی را که بر آن سجده می کردند به چشم گذارند و نام مبارک حضرت اباعبدالله الحسین و قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیهما السلام را ببرند؛ بدون این که یک قرص مصرف کنند شفای کامل یافتند و خلاصه هزاران مورد دیگر که نقل آن صدها جلد کتاب خواهد شد.

## نعمتِ در غیبت

به هنگام بُروز ناملایمات و پدیدار شدنِ مشکلات که حوادثِ واقعه زندگی می باشند و در واقع نشانِ زنده بودن و خواص زندگی کردنست، والیان عرصه مُلک و ملکوت، راهنمایان لاهوت و جبروت برای چنین اوقاتی که برحسب ظاهر دسترسی به ایشان امکان ندارد مانند ایام غیبت کبرایِ امام زمان - روحی فداء - مردم را به نعمتی که هم دوشِ رحمتِ توسل است، دلالت نموده اند.

اگر توسل از جمله رحمت هائی به شمار می رود که در طول حیاتِ بشر بهترین پشتوانه زندگی محسوب می شده است و به ایام ظهور جسمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نیز ادامه همان یاری

طلبی دوران گذشته، در امت اسلامی نیز به صورت یک سنت مقدس، همیشه مورد توجه بوده و هست و مسلماً خواهد بود و با همین توسل توانسته‌اند مشکلات محال زندگی خود را که چون معضلی لاینحل، غصه‌آفرینی می‌کرده است، از سر راه ادامه عمر بردارند. به هنگام حوادث واقعه نیز نعمت وجود آنان که به مرتبت نیابت امام زمان روحی فداء رسیده‌اند، می‌تواند حل معضل نموده، آدمی را از مشکلی غصه‌آور و دردآفرین رهائی بخشد.

اسحاق بن یعقوب کلینی می‌فرماید: پاره‌ای مسائل مشکل را که برایش رخ داده سؤال می‌کند. محمد بن عثمان عمری نمایندۀ آن حضرت، نامه را به شرف عرض می‌رساند، جواب عریضه به خط مبارک چنین شرف صدور می‌یابد:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»<sup>(۱)</sup> یعنی «در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم».

و مسلماً منظور از «حوادث واقعه» مسائل و احکام شرعیه نیست که برای ما رخ می‌دهد؛ زیرا در چنین مواقعی به نص صریح روایاتی که در متون اسلامی موجود است، می‌باید به فقهاء رجوع نمود<sup>(۲)</sup> بلکه منظور از حوادث، پیشامدهای اجتماعی و گرفتاریهایی

۱- کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ جواهر، ج ۴۰، ص ۱۸، یوم‌الخلاص، ص ۱۹۲.

۲- برای نمونه در مسائل الشیعه ابراب صفات القاضی باب ۱۱ با الفاظ مختلف وارد است.



بوده که برای مردم و مسلمین روی می‌داده است. و می‌باید بر حسب امر مطاع امام علیه السلام به روایات احادیث رجوع نمود و به برکت نعمت وجود این ذوات مقدّسه در ایام غیبت از غم‌آفرینی حوادث و پیشامدها رهائی یافت.

## ادّعی صوفیه

از جمله انحرافات که در مسیر شناخت روایات احادیث همان حجّت‌های - نواب عامه - حضرت حجة‌ابن‌الحسن العسکری - روحی فداء - صلی الله علیه و آله و سلم فراهم آمد و بقول مولانا جلال‌الدین محمد مولوی زمینه‌ساز به مقتدائی رسیدن «ابلیسان آدم رو» شده است. خط ترسیمی صوفیه می‌باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با تعبیر «... انهم علی طریقتی بل هم اضل من الکفار و هم اهل النار»<sup>(۱)</sup> یعنی «گمان دارند که آنان بر روش من می‌باشند بلکه آنها از کفار گمراه‌ترند و اهل آتش باشند» یا به ابازر غفاری فرموده‌اند:

«أولئک تلعنهم مלאئکة السّموات و الأرض»<sup>(۲)</sup> یعنی «آنان را فرشتگان آسمان و زمین لعنت می‌کنند». به فتنه بودن آنها هشدار داده‌اند.

رؤسای اینان که به زمان ائمه طاهرین می‌زیسته‌اند، امثال معروف کرخی، داود طائی، حسن بصری، جنید بغدادی، سفیان ثوری و ... مذهب غیر اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم‌السلام - را داشته‌اند

۱- سفینه البحار ج ۲ ص ۵۸

۲- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۹۱

یعنی با وجود نازنین امامان شیعه، پشت به خلفای خدا و اوصیای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نموده، روی به دشمنان کرده بودند<sup>(۱)</sup>. از قرن سیزدهم هجری رؤسای فرقه‌های صوفیه برای این که خط انحرافی ظلمانی خود را در کنار صراط نور روایات احادیث که امام فرموده‌اند و باید در ایام غیبت سالک مسالک آنان بود و به آن ذوات مقدسه که حجت امام زمان روحی فداه می‌باشند رجوع کرد قرار داده، خویش را هم‌شان و هم‌سنگ و هم‌رتبه با روایات احادیث بنمایانند. ناگزیر طرح اسلام را ظاهر و باطنی است ریختند تا بتوانند عالمان اسلامی را نیز به علماء علوم ظاهر و باطن تقسیم‌بندی کنند و در کنار اجازه روایت، اذن در «درایت» را هم مطرح نمایند و با این ادعای بی‌پایه و اساس همان گونه که مشایخ روائی به معصوم - علیهم‌السلام - اتصال می‌یابند، به واسطه اهل سنت که امامت معصوم را نپذیرفته‌اند، مانند «شاه نعمت‌الله ولی» و «احمد غزالی» و «عبدالله یافعی» و «ابوالقاسم گرگانی» و نظیر اینها که تاریخ و نوشته‌هایشان گواه سنی بودنشان می‌باشد، خویش را به جنید بغدادی تابع مذهب سفیان ثوری که فقه شافعی را تدریس می‌کرده است، رسانیدند. خلاصه تحت شعار شیعه بودن و به امامت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اعتقاد داشتن بر خلاف امر صریح امام به غیر روایات احادیث رجوع کردند و شایع ساختند که جنید بغدادی<sup>(۲)</sup> از نواب امام زمان - سلام‌الله‌علیه و عجل‌الله‌تعالی

۱- به تذکرة الاولیاء، نشحات الانس و طبقات الصوفیه رجوع کنید.

۲- کتاب از کوی صوفیان تا حضور عارفان تألیف عارف محقق آقای واحدی و پیدایش نصوف در میان شیعیان تألیف آقای دناود الهامی را بخوانید.

فرجه الشریف - بوده و از حضرتش اجازه ارشاد دارد و امروزه به همین اعتبار زیر گوش مردمان عامی می خوانند که ما نیز نایب خاص حضرتیم، در صورتی که حضرتش به آخرین نماینده خویش که واسط بین امت و آن وجود نازنین بوده است، می فرمایند:

«مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الشَّاهِدَةَ إِلَّا فَمِنْ أَدْعَى الشَّاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ.» یعنی: «از شیعیان من آن کسانی ادعای دیدن و مشاهده کنند، هان کسانی اگر پیش از بیرون آمدن سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کنند دروغگو و مفتری هستند»<sup>(۱)</sup>. پس می باید دقیق بود که مبادا ما را به هزاران حيله از باب ولی نعمتمان دور سازند و به بندگی خود بگمارند به برکت توجه حضرتش همیشه به این مترنم باشیم.

مدعی خواست مرا از تو جدا بنماید

غافل از این که تو آمیخته با جان منی

دل و دین را به یکی جلوه ربودی از من

نسپر دم به کسی دل که تو جانان منی

لحظه ای از تو جدائی به خدا هست محال

چون تو روح من و دین من و ایمان منی

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱، وح ۵۲، ص ۱۵۱، و یوم الخلاص ص ۱۹۵.

## حجتِ امام در غیبتِ امام

گفتیم که حضرت ولی الله الاعظم بقیه خدا - روحی فداه - در ایام غیبت کبری که دوران فراق ظاهری است، شیعیان را به نعمتی سرافراز فرموده‌اند تا با چنین عنایتی به هنگام «حوادث واقعه» که پیشامدهای تلخ و شیرین زندگی است، ملجأ و پناهی برای امت محروم از فیض شرف حضور معین نموده‌اند. پس شناخت روایت حدیث، شناختن حجت‌های حضرت صاحب‌العصر و الزمان علیه السلام است که فقهای امامیه می‌باشند و روایت حدیث معرفی شده‌اند. زیرا حدیث را با چند و چون آن به خوبی می‌شناسند. یعنی خاصه و عامه بودن، محکم و متشابه بودن، صحیح و خطا بودن، واحد و متواتر بودن و غیره را می‌دانند. گذشته از آن، اینان کسانی هستند که نحوه تمیز و تفکیک روایات را از جهت صریح یا دخیل بودن، اصیل و غیر اصیل بودن را آموخته دارند.

اینان به ایامی که حضرت ولی الله الاعظم - روحی فداه - پرده‌نشین غیبت هستند، تنها کسانی می‌باشند که حکمشان حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام خواهد بود به استناد و کلام مبارک حضرت امام صادق علیه السلام : «وَعَرَفَ أَحْكَامِنَا فَأَرْضُوا بِهِ حَاكِمًا فَانِي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمٍ فَلَمْ يَقْبَلْ بِهِ فَإِنَّهُ بِحُكْمِ اللَّهِ اسْتَخَفَ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ

و الرادُّ عَلَيْنَا كَافِرٌ رَادٌ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ مَنْ أُشْرِكَ بِاللَّهِ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«... آشناگشته با احکام ما پس به حکم او راضی باشید که او را حاکم بر شما قرار دادم پس هرگاه براساس حکم خدا حکمی کرد بر آن کس که از آن سرباز زندگوئی به حکم خدا استخفاف کرده و ما را انکار کرده است و هرکس ما را انکار کند کافر است و حکم او چنان است که کسی به خدا شریک قائل شده باشد».

در اینصورت همانطور که علی بن ابیطالب - سلام اله علیهما - فرموده‌اند: «مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى يَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءُ عَلَى خَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ»<sup>(۲)</sup> یعنی: «مجارى امور و احکام الهی به دست علمای بالله است که ایشان امینان خدا نسبت به حلال و حرام او هستند.» در صورتی که نسبت به صوفیان، حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةَ وَ لَمْ يَنْكِرْهُمْ لِللسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ» یعنی:

«در نزد هر کس یاد از صوفیان شود و به زبان و دل انکارشان نکنند از ما نیست و هر کس انکارشان کند همچنانست که در پیشگاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با کفار جنگیده است.»<sup>(۳)</sup>

پس در ایام غیبت نعمت وجود فقهاء که روایت حدیث هستند تنها مرجع و ملجاء به شمار می‌روند و لاغیر.

۱- المرجعية الدينية و مراجع الامامة ص ۱۶

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۵۷.

۳- همان.



## اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالبها

جان جهان که جهان اهل معرفت است، هر روز صبح از جایگاه حضرت غیب‌الغیوب، از فراز کائنات تابیدن آغاز کرده، نشاط و زندگی را به جان زمین می‌ریزد. فیض این افاضه همان قوه و نیروی جاذبه الهی است که از پس پرده غیبت، کائنات را نظام و سکون، قرار و بقاء می‌بخشد.

لبخند مظهر حضرت غیب‌الغیوب آنگاه که از سراپرده افلاک می‌گذرد، عرشیان را حیاتست و چون در سینه ویرانه ما نزول اجلال نماید آرامش است. راز و نیاز حضرت غیب با غیب الغیوب چون به آسمان ابری دلهای ما اصابت کند، باران شور و اشتیاق است که غبار هر غم را می‌شوید و عشق به خدا را در وجودها می‌ریزد چه افتخاری است در عصر زعامت و امامت و مرجعیت و خلافت حضرتش زیستن و چه فیضانگیز است یاد او را پیوسته در سر داشتن و با خیالش زندگی کردن، با پیامبر رحمت و امامان زیستن است، آبشخور پرفضیلتی می‌باشد که ریشه در آغاز و انجام تاریخ دوانیده است.

جلوه شکوه و عظمت حضرت بقیه الله الاعظم که جلوه خداست با شیفته دیدار همان کند که در طور موسی علیه السلام را به مرتبه «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرُّ مُوسَى صَعِقًا» رسانید و هرگاه سالک عارف در

محاذات آن نازنین وجود قرار گرفته، جلوه صمدی از مظهر احدی اعنی حضرت حجة ابن الحسن العسگری علیه السلام بر او اصابت کند، به مرتبت فنا فی الله که صوفیان گفته‌اند و نرسیده‌اند و عارفان لب فرو بسته و رسیده‌اند، بل مزه آن شده‌اند نائل آمده، از هستی موهوم می‌رهد. اگر فیض رسانی جلوه سرمدی از آخرین وصی احمدی، یازدهمین جانشین علوی که دل‌بند فاطمی است تجلی ننماید، زمین اهل خویش را هلاک می‌کند که خواجه کائنات<sup>(۱)</sup> حضرت سیدالشهداء علیه السلام<sup>(۲)</sup> و امام باقر علیه السلام<sup>(۳)</sup> و امام صادق علیه السلام<sup>(۴)</sup> و امام کاظم علیه السلام<sup>(۵)</sup> و امام رضا علیه السلام<sup>(۶)</sup> با تعبیری اشاره فرموده‌اند: «لَوْ بَغِيَتْ الْأَرْضُ بِقِيَّتِ إِمَامٍ سَاعَةً سَاخَتْ» یعنی: «اگر زمین ساعتی بدون امام باقی بماند اهلش را هلاک می‌کند».

آری به هر دوری از ادوار زمان، چنان که حضرت سیدالساجدین زین العابدین علیه السلام فرموده‌اند: «بِهْ طَفِيلٍ وَجُودٍ مَا بَارَانَ مِی بَارِدٍ وَ رَحْمَتٍ پَرَاكِنْدَه مِی شُود، بَرَكَاتِ زَمِیْنِ بیرون مِی آید»<sup>(۷)</sup>. به نعمت وجود نازنین حجت‌های خدا که «امان اهل زمین» هستند فیض حیات جاری است که اگر نازی کرد در هم فرو ریزند قالبها، چنان که در قسمتی از «دعای عدیله» می‌خوانیم:

«تُمْ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بِبَقَائِهِ بَقِيَّتِ

۱- اصول کافی مترجم ج ۱ ص ۵۳۴ ۲- کمال‌الدین و تمام‌النعمه ص ۳۰۵.

۳- کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۳۱۱ و ۳۱۰ يوم الخلاص، ص ۵۵.

۴- کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ص ۳۰۹ ۵- کمال‌الدین و تمام‌النعمه ص ۳۱۰.

۶- کمال‌الدین و تمام‌النعمه ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۷- همان، ص ۳۱۴.

الدُّنْيَا وَبِئْسَ رِزْقَ أَلُورَى وَبِوَجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ ...»<sup>(۱)</sup> یعنی:  
 «گواهی می‌دهم که آخرین امام و جانشین پیامبر  
 حضرت «حجت»، «خلف»، «قائم»، «منتظر» و «مُرَجی»  
 است که به بقای او، جهان باقی و پایدار ماند و به برکت  
 آن حضرت، به مردم روزی رسد و به خاطر وجود آن  
 بزرگوار زمین و آسمان استوار باشد و بوسیله او، خداوند  
 سبحان، زمین را سرشار از قسط و عدل نماید».

## بی فیض او، مرگ را چه حاجتست؟

او که به عشق و ورزی زنده نیست، و نسیم دم مسیحائی حضرت  
 یار پرده‌نشین، دل مرده‌اش را حیات نبخشیده است، پادشه عرش  
 مکان، همای ملاء قدس، حُمام جبروت که رخس قبله توحید است و  
 نمی‌شناسد، منشی دفتر انشاء و ناظم عالم امکان را نشناخته «بر او چو  
 مرده به فتوای من نماز کنید».

امام حسین بن علی - صلوات الله و سلام علیهما - فرموده‌اند: بر  
 اثر طولانی شدن ایام غیبت «برخی گویند مُرده است و بعضی گویند  
 کشته شده و بعضی گویند رفته است»<sup>(۲)</sup> اینجاست که سست ایمانان  
 گوش به وسواس الخناس داد، به بلای انکار مبتلا می‌گردند و  
 به فرموده خواجه کائنات، اول مخلوقات «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ

۱- دعای عدیله.

۲- عقد الدرر، ص ۱۳۴.

غَيْبِهِ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>(۱)</sup>. «کسی که قائم (عج) از فرزندان مرا در ایام غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت خواهد مرد». و به اعتبار کلام ختمی مرتبت «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي»<sup>(۲)</sup> رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را انکار کرده است. در حقیقت چنین کسی کافر می‌باشد؛ زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ» یعنی: «کسی که مهدی (عج) را تکذیب کند کافر است»<sup>(۳)</sup>.

پس چون در ایام غیبت قرار گرفته‌ایم، باید از هر انحرافی بیم داشته باشیم و این حاصل نشود مگر این که بدون کوچکترین شک و تردیدی به دین تمسک نموده، به آنچه از موالیان رسیده است معتقد باشیم که امام صادق - سلام‌اله علیه - نیز به این سفارش فرموده‌اند: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ» یعنی: «صاحب این امر عَلَيْهِ السَّلَام غیبی دارد باید بنده از خدا بترسد و به دین خود متمسک باشد»<sup>(۴)</sup> و انشاءالله همه معتقدان به امامان اثنی عشر در زمره آنان باشند که در ایام غیبت بر ایمان و پیمان و اعتقاد ثابت مانده‌اند. چنان که حضرت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «لَهُ (أَيُّ لِلْمَهْدِيِّ) غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنَ الْقَتْلِ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ آخَرُونَ» یعنی: «برای مهدی (عج) غیبی است که مدت آن طولانی باشد به ترس کشته شدن که قومی مرتد و گروهی ثابت می‌مانند»<sup>(۵)</sup>.

۱- بیوم‌الخلاص: ۴۹.

۲- یعنی «کسی که قائم (عج) از فرزندان مرا انکار کند محققاً مرا انکار کرده است».

۳- تفسیر الجواهر ج ۱۱، ف اللطنطوی.

۴- انبیا الهدایة ج ۳، ص ۴۱۳.

۵- بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۴۵.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷ بیوم‌الخلاص: ۱۲۳.

## انتظار ظهور

باد فتنه که بهر عصری جهان را به هم می‌زند، چراغ چشم را در انتظار حضرت دوست که یادش مانند حضورش مأمِن امن و امان است، نگاه داشتن بهترین عبادت است: زیرا خواجه کائنات فرمود: «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ عِبَادَةً»<sup>(۱)</sup> انتظار فرج عبادت می‌باشد و چون چشم از انتظار بسوخت و گوئی عمر روزگار گذشت باید یقین نمود که بزرگترین عمل را نصب‌العین قرار داده، زیرا حضرت علی بن حسین -سلام الله علیهما- فرموده‌اند: «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْعَمَلِ»<sup>(۲)</sup>، انتظار فرج از بزرگترین عمل است. بلکه باید منتظر قدوم مبارکش بداند که به لحاظ انجام برترین کارها گشایشها برایش خواهد بود. چون حضرت جواد الائمه علیه السلام فرموده‌اند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فَرَّجَ عَنْهُ بِإِنْتِظَارِهِ»<sup>(۳)</sup> یعنی: «برترین کارهای شیعیان ما انتظار فرج است هرکس این امر را بشناسد خدا به سبب انتظارش گشایش می‌دهد». از جمله نعمت انتظار ظهور فرج در زندگی است که امام رضا علیه السلام در جواب محمدبن فضل فرموده‌اند: «أَوْلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْعَرَجِ»<sup>(۴)</sup>.

این زمانست که آدمی را فتنه‌ها احاطه کرده، عیار ایمان و ایقان

۱- یوم الخلاص: ۲۲۰.

۲- یوم الخلاص: ۲۳۲.

۳- همان: ۲۴۸.

۴- تفسیر المیزان ج ۱، ص ۳۹۴.



هر مدعی معین می‌گردد تا او که آنچه باید باشد نیست، از غربال آزمایش بیرون افتد و از حریم ایمان خارج شود. جابر جعفی می‌گوید به امام باقر سلام الله علیه عرض کردم فرج شما چه وقت خواهد بود؟ فرمود: «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدَرُ وَ يَبْقَى الصُّوْفُ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «هرگز فرج ما صورت نخواهد پذیرفت، تا غربال شوید، و این نکته را سه بار فرمود تا کدورت و تیرگی برود و صفا باقی ماند» و در جای دیگر به شکل این غربال شدن اشاره نموده و فرموده‌اند: «همچنان که دانه‌های غیرگندم از گندم در موقع غربال کردن جدا می‌گردد»<sup>(۲)</sup>، به همین لحاظ می‌باید در ایام غیبت بر دین خود یعنی اعتقاداتی که از پدران و مادران به ما رسیده و مورد تأیید عالمان دین هم می‌باشد، ثابت باشیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: (طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي هِي ذَلِكِ الزَّمَانِ) یعنی: «ای خوشا حال آنان که در امر ما در آن زمان ثابت مانند»<sup>(۳)</sup>، حضرت کاظم علیه السلام نیز فرموده‌اند: «قَالَ اللَّهُ فَإِنَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزَيِّتُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ»<sup>(۴)</sup> یعنی: «پس خدا را، خدا را درباره دین شما، کسی شما را از دین نلغزاند»، که بنا بر فرموده ابو محمد حسن بن علی امام عسگری علیه السلام در زمان غیبت کسی هلاک نمی‌شود که خداوند عزوجل او را بر اعتقاد بر امامت حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام ثابت بدارد<sup>(۵)</sup> پس ثبات در دین همان عقیده داشتن به

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۳۶۹، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۸.

۲- يوم الخلاص: ۲۳۷ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۸۷.

۳- اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۶۹. ۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۳.

۵- کمال الدین: ج ۲ ص ۳۸۴.

اعتقادات امامیه است.

## شوق دیدار

از آن لحظه که امامان در پس سراپرده اراده الهی بر سریر زعامت جلوس فرمود و زمان غیبت برای مدتی طولانی و نامعلوم آغاز شد، جز متصدی امرش - نواب اربعه - که کارهای حضرتش را انجام می داد<sup>(۱)</sup> هیچ کس از جایگاه امیر دلها آگاه نبوده و نیست و مسلماً نخواهد بود. به فرموده حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شیعیان مانند گوسفندان برای جستن چراگاه هستند. آنان نیز برای شرفیابی حضور امام خود در تکاپو باشند و او را نمی یابند، مگر کسی که بر دین خود ثابت ماند<sup>(۲)</sup>. چنین عاشقی که بر دین خود ثابت است سینه‌ای پر از اشتیاق دیدار دارد. احمد بن ابراهیم می گوید: به جناب ابوجعفر محمد بن عثمان اشتیاقم را به دیدار مولایمان بیان کردم. به من فرمود: «با وجود اشتیاق مایل هستی او را بینی؟ گفتم: آری، فرمود: خداوند پاداش شوق تو را عنایت فرماید و دیدن رویش را به آسانی و عافیت به تو روزی کند»<sup>(۳)</sup>.

پس اگر خطاب الهی به کلیم الهی که فرمود: «ای موسی یاد من در هر حال خوب است»<sup>(۴)</sup> به مقتضای «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ». حب او که حب خدا است، نیز در هر حالی خوبست و بدون تردید به

۱- یوم الخلاص: ۱۴۰.

۲- منتخب الاثر: ص ۲۶۹ و یوم الخلاص: ۱۲۴.

۳- بحار الانوار: ج ۱۰۲ ص ۹۷ باب ۷. ۴- اصول کافی: ج ۲، ص ۴۹۷.

مرتب کریمه «قُلْ لَا أُسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>(۱)</sup> است.

## درد فراق

مروارید شوق دیدار را صدف درد فراق در خویش می پروراند و از هر آسیب و گزند مصونش می دارد که اگر نبود درد دوری و غم مهجوری از شوق دیدار، خبری یافت نمی شد. به نظر می آید سروده منسوب به قطب المعصومین، امام العارفین علی امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - را جای نقل همین جا باشد که فرموده است:

وَمِنَ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مَنْ شَوْقِهِ      مِثْلَ السَّقِيمِ وَ فِي الْفُؤَادِ غَلَائِلُ  
وَمِنَ الدَّلَائِلِ أَنْ يُرَى مَنْ أُنْسِهِ      مُسْتَوْحِشًا مِنْ كُلِّ مَا هَوَّشَا غِلُّ  
وَمِنَ الدَّلَائِلِ ضِحْكُهُ بَيْنَ الْوَرَى      وَ الْقَلْبُ مَحْزُونٌ كَقَلْبِ الشَّاكِلِ

یعنی: «و از نشانه‌ها اینست که از شدت شوقش دیده شود،

همچون بیماری، دلش از شدت درد می جوشد.

و از نشانه‌ها اینست که از فرط انس گرفتن با محبوب دیده شود که از هر چه او را از آن مشغول می دارد وحشت کند.

و از نشانه‌ها خندیدنش در میان مردم است، در حالی که دلش مالا مال از اندوه است همچون زن جوان از دست داده».

حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرموده‌اند: «چه بسیار زنان جگر سوخته مؤمنند، و چه بسیار مردان مؤمن اسفناک جگر سوخته

۱- یعنی بگو (ای پیامبر) که از شما چیزی سؤال نمی‌کنم بر آن (رسالت) مگر مودت دوستی

فانم، اشیری (۲۳).

خواهد بود، آنگاه که ماء معین مفقود و غایب گردد»<sup>(۱)</sup>.  
 و او که دردِ فراق را تحمل نماید و به لحاظ مصلحتی که بر خود  
 او فراهم آمده است که در حیات، شرافت دیدار نصیبش نشود حتماً  
 «هنگام مرگش دیدار کند، خوشحال خواهد شد به طوری که آن  
 خوشحالی و سرور پیوسته در دلش باقی خواهد ماند تا این که در کنار  
 حوض کوثر بر ما وارد گردد»<sup>(۲)</sup>.

۱- کمال الدین شیخ صدوق: ج ۲ ص ۳۷۱.  
 ۲- بحار الانوار ج ۸ ص ۲۲ باب ۲ ذیل حدیث ۱۷.

## اولین شرط قبولی عبادات توئی زان که بر هر عملی روز جزا معیاری

به اعتبار کلام حضرت ختمی مرتبت - صلوات اله علیه و آله - شرط قبولی اعمال و پذیرش عبادات محبت و ولایت علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - و اولاد طاهرین حضرتش که امامان شیعه‌اند می‌باشد و به زمان ما ولایت و محبت، ولایت حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - و اجداد طاهرین آن بزرگوار شرط قبولی طاعات و عبادات می‌باشد و بدون آن هیچ عبادتی از احدی پذیرفته نخواهد شد و هر کس به این نعمت متنعم نباشد، قطعاً جهنمی است. به آخرت در ردیف کفار بوده، خداوند او را به آتش دوزخ می‌افکند و از اعضاء و جوارح او هیزم آتش‌زای جهنم را فراهم می‌آورد. در روایات وارد است اگر شخصی تمام مدت عمرش را به نماز و روزه گذرانده، همه اموالش را صدقه داده باشد، بین صفا و مروه مظلوم کشته شود بدون ولایت و محبت فایده‌ای نخواهد داشت. چنان که شیخ طوسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌نماید فرموده‌اند: در شب معراج به من وحی شد «ای محمد به تحقیق علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان را از یک نور آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر فرشتگان ارائه نمودم، هر که پذیرفت از نزدیکان شد و هر کس آن را انکار کرد از کافران گردید. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من آنقدر مرا عبادت کند که خرد شود و اعضایش قطعه قطعه شود، آنگاه بمیرد در حالی که

منکر ولایت آنان باشد او را به آتش دوزخ افکنم»<sup>(۱)</sup>.

در این مرتبت و منزلت است که به عظمت امام زمان علیه السلام پی برده، متوجه می‌شویم، قربش به ذات اقدس حق تا چه حد است که عبادت بی ولا و مهر او یک ذره ارزش ندارد و هرکس معرفت و محبت و ولایت آن حضرت علیه السلام را نداشته باشد، چون به مرگ جاهلیت مرده است، هم جهنمی است و هم آتش جهنم می‌شود. در زیارت حضرت می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَ تُزَكَّى الْأَفْعَالُ وَ تُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَ تُمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَ اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ، قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَ تَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَ مُحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَ جَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يَقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ...» یعنی:

«گواهی می‌دهم به درستی که به واسطه ولایت تو.

اعمال بندگان مورد پذیرش قرار می‌گیرد و رفتار و کردار

خلق تزکیه و پاک می‌گردد و کارهای نیک، چندین برابر

می‌شود و گناهان آمرزیده و محو می‌گردد، پس هر که با

ولایت و محبت تو و اعتراف و ایمان به امامت، محشور

گردد عبادت و اعمالش پذیرفته گردد و گفتارش مورد

تصدیق قرار گیرد و کارهای نیکش چندین برابر شود و

گناهانش بخشیده و محو شود و هر که از ولایت و امامت تو

برگردد و نسبت به معرفت و مقامت جاهل باشد و تو را

نشناسد و غیر تو را به جای تو گزینند. خداوند او را باصورت در آتش دوزخ افکند و هیچ عملی را از او نپذیرد و در میزان روز قیامت، اعمالش را وزنی نباشد، یعنی بی حساب و کتاب به جهنم خواهد رفت.»

## نشر محبت

به مقتضای کلام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ»<sup>(۱)</sup> آنجا که خدای تعالی، موسی عَلَيْهِ السَّلَام را شرافت می‌بخشد، مأموریتش می‌دهد که «مرا در میان آفریدگانم محبوب ساز» یعنی می‌باید محبت حضرت و قبله‌ای را که دوستیش عیناً دوست داشتن خداست، در عالم پراکنده نمود. جان مردمان را سبوی باده شیرین محبت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آل طاهرینش نمود.

چنان که حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه‌توزی آنان قرار ندهد»<sup>(۲)</sup>.

جای دیگر نیز فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آنچه می‌شناسند با آنان سخن بگوید»<sup>(۳)</sup> از این مستفیض می‌شویم که عاشق دیدار، می‌باید محبت معشوق بزرگوارش را که ماده‌البقاء می‌باشد به جان ریزد و بکوشد

۲- روضه کافی ج ۸، ص ۲۲۹ ح ۲۹۳.

۱- حواصن المحرقه ص ۱۲۳.

۳- محاسن شیخ صدوق ص ۶۱.

جملگی خلق را محب و شیفته و بیقرار مولای خویش گرداند.

## دریافتی عارفانه

آنجا که معصومین - علیهم السلام - درباره ظهور بقیه خدا پس از غیبتی طولانی مطالبی فرموده‌اند، متفقاً به این رحمت اشاره داشته‌اند که «زمین را لبریز از قسط و عدل فرماید، همچنانکه پر از ظلم و ستم بود»<sup>(۱)</sup>.

سالک الی الله باید مستفیض شود، وقتی به وجود نازنین حضرتش ظلمها و ستمهای رنج کشیدگان و ستمدیده‌ها مرهم عدل گذاشته می‌شود. او که مصادق عینی «إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي»<sup>(۲)</sup> است، بل در ظلم و جور کردن بر نفس خویش به اسراف عمل کرده است<sup>(۳)</sup> ارض وجودش را ظلم و جور که از معاصی برخاسته فرا گرفته؛ می‌باید دست به کاری زند که غصه سرآید. او که در پی تجلی نور عنایت به مرتبت یقظه رسیده باشد و به این یقین بارور شده باشد، اگر ظهور جسمانی حضرت رحمت محض خدای، زمین را پر از عدل می‌نماید و بر

۱- عقد الدرر ص ۱۶ به نقل از مسند احمد جنل و اعیان الشیعه ج ۶ ص ۵۲، البیان فی اخبار صاحب الزمان ص ۹۶، اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۹۳، کشف الغمه ج ۲ ص ۴۷۰، مجمع الزوائد ج ۷ ص ۳۱۷، صواعق المحرقة ص ۹۸، غیبت طوسی ص ۱۷۹، الکنی و الاسماء ج ۱ ص ۱۰۷، بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۸۲، ۲- نمل: ۴۴.

۳- در دعای مبارک کمیل می‌خوانیم: «یا اِلهی بَعْدَ تَقْصِیری وَ اِشْرَاقی عَلَی نَفْسی مُعْتَذِراً نَادِماً».



بدنهای رنج ظلم و ستم تحمل کرده مرهم به شمار می‌رود، بدون هیچ تردیدی توسل به ساحت قدس حضرت مظهراللهی که به تعبیر دلنشین «لَقَدْ جَمَعْتُ فِيهِ الْمُحَاسِنُ كُلَّهَا»<sup>(۱)</sup> منبع برکات و فیوضات و نعمات خصوصیات ولایت خاصه تمامی معصومین عليهم السلام هستند، آثار هرگونه گناه را که ظلم و ستم به نفس گردیده برطرف می‌سازد. چنان که در تفسیر امام عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت شده است: «سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت که اگر مردی از پیروان ما گناهان و خطاهائی دارد که از کوههای احد و از زمین و آسمان چندین برابر بزرگتر است، به مجرد این که توبه کند و برخوردش ولایت ما را تجدید می‌نماید، مگر این که گناهانش به زمین زده می‌شود، شدیدتر از کوبیدن بنا و ساختمان این صخره بر زمین است»<sup>(۲)</sup>.

حضرت امام محمد باقر عليه السلام درباره آیه مبارکه «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>(۳)</sup> می‌فرمایند: «خداوند عزوجل به وسیله قائم عليه السلام زمین را بعد از مرگش زنده گرداند» منظور از مرگ آن، کفر اهل آن باشد که کافر در حقیقت مُرده است»<sup>(۴)</sup> و حضرت ابراهیم موسی بن جعفر عليه السلام هم فرموده‌اند: «به وسیله باران احیا نمی‌کند، بلکه خداوند مردانی برمی‌انگیزد که عدالت را زنده می‌کنند و زمین به خاطر احیای عدالت زنده می‌شود»<sup>(۵)</sup>.

۱- یعنی: «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری».

۳- روم: ۱۹.

۲- مکیال المکارم ج ۱ ص ۴۲۹.

۵- وسائل الشیعه ج ۱۱، ص ۳۰۸.

۴- بحار الانوار ج ۵۱، ص ۵۴.

در اینصورت سالک در سفر عبودیت، بعد از بیداری می‌تواند با توجه و توسل و تمسک به ذیل عنایت حضرت ولی الله الاعظم صاحب العصر والزمان علیه السلام که بقیه خداست، به آنچه بر اثر ارتکاب به معاصی مُرده است، حیاتِ ایمان بخشد و به برکت عنایات حضرتش بر بی‌عدالتی‌های درون که به وسیله تعلقات نفسانی و شیطنت‌های ابلیسی فراهم آمده خاتمه دهد. در وجود خویش همان را فراهم آورد که با ظهور حضرت حجة ابن الحسن العسکری - روحی له الفداء - در زمین پدید می‌آید و اگر این بندگی و فیض‌گیری استمرار داشته باشد، نه تنها نیازی به پیران جاهل و شیخان گمراه صوفیه ندارد، بلکه حق تعالی بین او و هر اشتباهی حائل شود. چنان که در عدة الداعی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت گردیده، خداوند سبحان فرمود: «هرگاه بدانم که اشتغال به من بر بندهام غالب است شهوتش را در سؤال و مناجات خودم قرار می‌دهم و هر گاه بندهام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند، بین او و اشتباه کردن حائل شوم، حقا که آنان اولیاء من هستند، حقا که آنان قهرماناناند» و به عصر ما چنین سعادت نصیب آنانی خواهد بود که لحظه‌ای از چاکری بر آستان ابی‌الوقت مولی الزمان - ارواحنا فداء - غافل نباشند. زیرا همانطور که فرموده‌اند: «هرگاه حضرت قائم آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم به پا خیزد، زمین به نور پروردگارش درخشان گردد و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز شوند، ظلمات برطرف گردد»<sup>(۱)</sup>. اگر نور امام بر اثر توسل به امام در باطن سالک تجلی کند، به فرموده حضرت امام صادق علیه السلام او را اکتفا

می‌کند»<sup>(۱)</sup> و نیازی ندارد به مدعیان ارشاد و هدایت، فرقه‌داران صوفیه یا دجالان غیر صوفی رجوع نموده، دچار بلیه غولان راه‌گردد و اگر شیخان گمراه و پیران جاهل و دکه‌داران پیرو دجال بگویند، واسطه‌ای در فیض‌گیری نیاز داریم تا همانطور که امام - سلام الله علیه - مجرای فیض الهی است او نیز مجرای فیض امام باشد همان یاسخ را می‌گوئیم که حضرت صادق علیه السلام در جواب سلیمان بن میران فرمودند. او سؤال می‌کند، چگونه از امام غائب بهره‌مند می‌شوند؟ می‌فرمایند: «همانطوری که به آفتاب در پشت ابر بهره‌مند می‌شوند»<sup>(۲)</sup> در اینصورت باید دانست، دزدان کمین کرده در مسیر راه عبودیت که به لحاظ عوام‌فریبی به ظاهر خویش را مطیع و منقاد صاحب‌الامر و الزمان می‌دانند، همان مدعیان مهدویت نوعیه‌اند که سالک الی الله را از صراط‌المستقیم قرآن که ولایت است منحرف نموده، به تبعیت خویش وا می‌دارند. چنان که از حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه نقل شده است: «طَلَبُ الْمَعَارِفِ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مَسَارِقٌ مَسَاوِقٌ لِأَنْطَارِنَا»<sup>(۳)</sup> دنبال معارف رفتن از غیر راه ما اهل بیت، برابر با انکار نمودن است.

۱- تفسیر قمی، ج ۲ ص ۲۵۳. ۲- کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۶، امالی ص ۱۱۲.

۳- فرازهایی از تجلیات امام عصر (عج)، ص ۵۶.

## نعمتِ شفاعت

### از جمله رحمت امام زمان علیه السلام

یکی از حساسترین موضوعاتی که می‌باید مورد توجه و بحث قرار گیرد و همیشه مطرح شود، مسئله شفاعت است که حق تعالی فرموده‌اند: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ» یعنی: «شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن که خدا پسندد»<sup>(۱)</sup> حضرت امام کاظم و حضرت امام رضا علیهما السلام فرموده‌اند: «شفاعت نکنند مگر برای او که خداوند دینش را پسندیده باشد»<sup>(۲)</sup> و حال، دین چه کسانی مقبول الهی است؟ امام صادق سلام الله علیه می‌فرمایند «شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که نزد خدا پیمانی بسته باشد» که حضرتش این پیمان را همان ولایت امیرالمؤمنین علی و امامان - علیهم السلام - می‌دانند<sup>(۳)</sup> پس همانطور که اعتقاد به امام زمان صاحب ولایت مطلقه اللهیه در دوره غیبت دین پسندیده نزد خداست، پیوند متصل به ائمه طاهرین بعد از پیامبر اکرم نیز می‌باشد که توسل و تمسک و خاکساری به وجود نازنین آن حضرت، سبب خرسندی اهل‌البیت - علیهم السلام - نیز می‌شود.

۱- انبیاء: ۲۸.

۲- تفسیر برهان: ج ۳ ص ۵۳.

۳- تفسیر نورالثقلین: ج ۳ ص ۳۶۱.

## توسلِ کامل در ارادت کامل است

این مسلم است آدمی می‌تواند عیار محبت را بشناسد و بداند دوست داشتن مراتب و مراحل دارد که به آن می‌توان طی منازل ایمان نمود. بوده‌اند کسانی که «تولا» داشته‌اند، امامان شیعه، دوازده امیر از قریش<sup>(۱)</sup> را که برای امت خلیفه‌اند<sup>(۲)</sup> دوست داشته‌اند، لکن به نعمتِ «تبرا» - بیزاری - از دشمنان و دوستانِ دشمنان آن ذوات مقدسه بارور نبوده‌اند. یا بعضاً چهار و هفت امیر<sup>(۳)</sup> را که امام خلیفه هستند، قبول داشته‌اند. بدون تردید چنین کسانی ایمان کامل ندارند؛ زیرا در ارادت و اعتقاد کامل نیستند. پس زمانی آدمی دارای ایمانی بی‌غش می‌باشد که پیرو اسلام ناب محمدی بوده، یعنی دوازده خلیفه بعد از حضرتش را که بر مؤمنین و مؤمنات امیر می‌باشند، قبول داشته باشد و موقعی محبتش نسبت به امام زمانش تمام عیار است، یعنی شایسته بزم قرب‌الله می‌گردد که نه تنها پیوند قلبی با ولایت آن نازنین وجود داشته باشد بل به زبان و دل، حضرتش را دوست بدارد. زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «من برای چهار گروه شفاعت می‌کنم هر چند که با گناهان اهل دنیا بیایند: مردی که ذریه‌ام را یاری

۱- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «لَيَكُونَنَّ مِنْ بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ أَمِيرًا كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» البته پس از من دوازده امیر همه از قریش بودند (منتخب‌الآثر ص ۲۳).

۲- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «يَكُنُّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً» برای این امت دوازده خلیفه خواهد بود (بوم‌الخلاص: ۴۸ مسنداحمد جنیل ج ۵ ص ۱۰۶).

۳- چهار یا هفت امامی هستند.

کرده باشد، مردی که مال خودش را هنگام سختی به ذریه‌ام بذل نماید، مردی که ذریه مرا با زبان و دل دوست بدارد و مردی که در نیازهای ذریه‌ام اهتمام ورزد»<sup>(۱)</sup>. در جائی دیگر یکی از این چهار شرف را اینطور شرح داده‌اند که «... دوست دارنده آنها به دل و زبانش و مدافع از آنها با دست خود»<sup>(۲)</sup> است.

در اینصورت محبت را که علاقه کامل به امام و بیزاری از دشمنان و دوستان دشمنان می‌باشد، به دل و زبان دارا بوده و برای اهتمام در نیازهای آن ذوات مقدسه این محبت را که تولا و تبراست انتشار دهد زیرا حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در عرض دشمنی و کینه‌توزی آنان قرار ندهد»<sup>(۳)</sup> این توسل و تمسک به ساحت اقدس حضرت ولی الله الاعظم علیه السلام چون کامل است، می‌تواند دارای فیوضات و برکات باشد؛ ذلیل را عزیز، فقیر را غنی نموده، غم‌ها را از دلها بزداید، بر لب خنده فراهم آورد. در قیامت سعادت رفاقت رسول الله و آل بیت علیهم السلام را نصیب نماید چنان که ختمی مرتبت فرموده‌اند: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک نماید در حالی که پیش از قیامت به او اقتدا کرده باشد، دوست او را دوست بدارد و از دشمنش بیزاری جوید و ولایت امامان هدایت کننده پیش از او را داشته باشد، آنها رفقای من و اهل دوستی و مودت من و گرامیترین افراد امتم به من هستند»<sup>(۴)</sup>

۱- المنتهی: ج ۱ ص ۵۴۴.

۲- خصال شیخ صدوق: ج ۱ ص ۱۹۶ و بصورتی دیگر بحارالانوار ج ۸ ص ۴۹.

۳- روضه کافی ج ۸ ص ۲۲۹ ح ۲۹۳. ۴- بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۹.

هر شب دل پر خونم بر خاک درت افتد  
تا بو که چو روز آید بر وی گذرت افتد  
کار دو جهان من جاوید نکو گردد  
گر بر من سرگردان یک دم نظرت افتد  
از دست چو من عاشق دانی که چه برخیزد  
کاید به سرکویت بر خاکِ درت افتد  
گر عاشق روی خود سرگشته همی خواهی  
حقا که اگر از من سرگشته‌ترت افتد  
این است گناه من کت دوست همی دارم  
خطی به گناه من درکش اگرت افتد  
«فریدالدین عطار نیشابوری»

**در دوران غم‌بار غیبتش**

باید برای شناختِ ضوابط و قواعدِ به‌کارگرفتن ادعیه و اوراد، اذکار و زیارات به فیضی که از آنچه به ما رسیده است، از آن مستفیض شده‌ایم و ذیلاً متذکر می‌شویم توجه نمائیم چون در به‌ظهور نشستن فوائد و برکاتِ ذکر و دعا، ورد و ثنا بسیار مؤثر می‌باشد؛ زیرا آنچه را یافته‌ام احکام و آداب و سنن ذکر و دعا به‌شمار می‌رود که در تأثیر بخشی نقش مهم و حساسی دارد و متأسفانه کمتر به آن توجه شده است.

**الف:** زمان و مکان برای ذکر دعا یا زیارت مشخص شده است. مانند ادعیه‌ای که می‌باید به شبی معین در مکانی خاص خوانده شود؛ بسان آنچه در شبهای چهارشنبه و جمعه در مسجد کوفه، سهله، جمکران معین نموده‌اند که هم مکان مشخص گردیده و هم ادعیه و اذکار و اوراد.

**ب:** زمان مشخص است لکن مکان را معین نکرده‌اند. مانند دعای کمیل که می‌باید در شب نیمه شعبان و شبهای جمعه خواند و از این دعای خضریه فیض یافت.

**ج:** زمان و مکان مشخص نیست، مانند دعای عدیله که بر بالین محتضر خوانده می‌شود. زیرا مشخص نیست در چه مکان یا چه زمانی می‌باید تسلیم شد.



د: مکان مشخص است و زمان معین ندارد، اغلب ادعیه و زیاراتی که برای مشاهده مشرفه نقل شده است، چون بر اثر امکانات زمان سفر در حال تغییر و تحول می شود برای آنها زمان معین نمی توان شناخت.

با این مختصر فهم می کنیم، توسل و تمسک به ذیل عنایات خاصه حضرت حجة ابن الحسن العسکری - ارواحنا فداء - را نیز می باید با توجه داشتن به آنچه نقل کردیم، انجام دهیم تا به نتیجه ای مطلوب که ظهور فیض توسل و تمسک و ارادت به حضرت قائم آل محمد علیه السلام است، نائل آئیم و این مسکین حسین بن حسن بن هادی بن مهدی بن پیرحیدر که امید به دعای خلوات شما با حضرتش دارم، با توجه به آنچه مختصراً بطور فشرده به قید تحریر در آمده، به امید این که شایستگان لایق، مستعدان شائق که طالبان صادق و شیفتگان عاشق آن ذات نازنین هستند با به کارگیری آنچه در متون اسلامی شیعی جهت دیدار چهره تابناکش بیان نموده اند، به فیض و شرافت دیدار حضرتش نائل آیند، این مجموعه را ادامه می دهیم، باشد آنان که به انتظار تجلی عنایتش راه توسل و صراط تمسک را پیش گرفته اند به آرزو رسند و بهره ها گیرند.

چه آنکه در طول تاریخ غیبت، تعداد چنین افراد عاشق صادق و شائق لایق کم نبوده و چه بسیار بوده اند مردان و زنان شایسته ای که امام زمانشان را زیارت نموده و احیاناً به شرافت سخن گفتن با حضرتش نایل آمده و حوادث و رویدادهای غیبت را «کسانی که در زمان غیبت سعادت تشریف نصیبشان گردیده» به خود اختصاص

داده‌اند. علاوه بر آنچه در این زمینه فراهم آمده، به خاطرهای اشاره کنم.

به ایام جوانی که هنوز دل در گرو این و آنی نبود، چهل شب جمعه سعادت داشتم به آنچه که فرا گرفته بودم، مانوس باشم؛ شاید مورد لطف قرار گیرم. آخرین لیلۀ جمعه که بسیار خسته و کوفتۀ کارهای روزانه شده بودم، انجام وظائف سنگینی می نمود، به خود گفتم ای کاش نوشیدنی خنک داشتم که خواب و خستگی را می برد و می توانستم آخرین شب جمعه را خلوت داشته باشم. در حالی که به پشتی تکیه داده بودم خوابم برد که ناگهان دستی بر شانۀ احساس کردم، تکانم می داد و صدائی می شنیدم که می فرمود: بلند شو، نوشیدنی خنک را بنوش و نمازت را بخوان، بلند شدم در مقابل پنجره‌ای که همیشه مسدود بود نوشیدنی خنکی آماده دیدم، نوشیدنی را نوشیدم، آمدم اقامه نماز کنم چشمم به جمال عکس منسوب به حضرتش افتاد دیدم داخل قاب حرکت دارد ...

### به لب دارم از عشق تو زمره

پیشوایان دین، امامان هم‌سنگ قرآن مبین، چون خواسته‌اند شیعیان، مهر و تولای قائم بزرگوارشان را به همه سلطنت ارض و سما ندهند، نور عشق آن فیض بخش جهانیان قس سینه‌شان باشد و فکر دیدار یوسف فاطمه - سلام الله علیها - یک لحظه هم از سر وجودشان محو نشود و همه جا صورت ماه حضرتش قبلۀ راز و نیازشان باشد.

ساغر دلِ اهلِ غدیر، ز میِ تنها و آخرین وارثِ غدیر لبریز شود در  
همه حال زیر لب زمزمه کنند.

مرا شوق دیدار تو دلبراست

هوای ملاقات تو در سراسر است

شود با تو گردم دمی رو برو؟

کنم با تو بی واسطه گفتگو

شود بار یابم به درگاه تو؟

شوم محو آن چهره ماه تو

وظائف روزانه‌ای را معین نموده‌اند تا جسم بی‌جان‌شان بر اثرِ  
توسل و تمسک با نفحه‌ی جان پرورِ امیرِ عوالم از موج بلا و خطر ایمن  
گردد زیرا عشق و دلباختن به روح قرآن و اصل ایمان، بهترین کشتی  
نجات است که خواجه کائنات فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ  
مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجِيَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «حکایت خاندان من  
چون کشتی نوح است هر که در آن نشست برست و هر که از آن بازماند  
غرق شد».

۱- کنز العمال ج ۱۲ ص ۹۴ حدیث ۳۴۱۴۴ و ص ۹۵ حدیث ۳۴۱۵۱ و ص ۹۸ حدیث  
۳۴۱۶۹ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۳ ج ۳۱۸ معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۳۸ و ۳۹۹ ح  
۲۶۲۶ و ۲۶۲۸ ج ۱۲ ص ۳۴ ح ۱۲۳۸۸ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۸ حلیة الاولیاء ج ۴ ص  
۳۰۶ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۹۱ با اندکی اختلاف البته در مساینه شیعه نیز وارد است.

## صلوات بر

### دلبر مهلقا که جان قربانش

دربارهٔ صلوات و برکات و فیوضات درودی که خالق هستی دربارهٔ محمد بن عبدالله (ص) امیر همهٔ ملک وجود از ازل تا یوم الموعود دستور فرموده، این پای تا سر معیوب و غفلت‌زدهٔ محجوب در «هدیهٔ خدا» مطالبی را به قید تحریر درآورده‌ام که برای رفع غم از قلب هر پریشانی صلواتی را بیان فرموده‌اند و اشتغال آن پرفیض است و در این جایگاه به صلوات بر ولی خالق سبحان، وصی ختم رسولان، آخرین جانشین مظهر رحمان، امید عترت و قرآن، فروغ چشمهٔ ایمان بقیهٔ حضرت یزدان، خدیو عالم امکان حضرت امام زمان - ارواحنا فداء - روزانه یا در هفته تقدیم می‌شود تا آنان که شرار هجر سراپایشان را سوزانده و زمزمه دارند، چرا زمان هجر به پایان نمی‌آید؟ نوش دارو نوشند و با این عرض ادب، بندهٔ درگاه، هم کار خدایی کند اعنی با عنایتهای حضرت خیر<sup>(۱)</sup> مشکل‌گشایی نماید. کمترین تأثیر صلوات بر محمد و آل طاهرین حضرتش، تبدیل تلخی بی‌ایمانی به شیرینی ایمان است. زیرا حاج میرزا علی اکبر نهاوندی نقل کرده است: زنبور عسلی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده عرض کرد، در فلان جا عسلی فراهم آورده‌ام برای شما و عم بزرگوارتان،

۱- حضرت قرآن می‌فرماید «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ» (هود: ۸۶) و در زیارت جامعهٔ کبیره می‌خوانیم «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَغْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ».

علی علیه السلام را بفرستید تا بیاورد. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - غسل را به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورد، حضرت انگشتی به دهان علی علیه السلام گذاشته و انگشتی هم خود میل کردند و علت شیرینی غسل را از زنبور سؤال کردند. عرض نمود: وقتی از میان گلهاشیره گل را برمی دارم به صلوات ملهم می شوم از برکت صلوات تلخی ها شیرین می شوند. صلوات بر یدِ پرتوان خدا که انشاء الله می آید و می گیرد از دشمن علی و فاطمه سلام الله علیهما انتقام روزانه ۵۹ = مهدی یا ۱۵۱ = محمد مهدی یا ۱۰۰ مرتبه با توجه به این فقره از دعای شریف افتتاح وارد است و مداومت به آن را دستور داده اند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ»

و به همین تعداد می توان روزانه متذکر بود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوَلَانَا وَ سَيِّدِنَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»<sup>(۱)</sup>

و هر روز بعد از نماز صبح و نماز ظهر ۱۰۰ مرتبه گفته شود<sup>(۲)</sup>

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ»

و یا لا اقل یک بار آنچه را مولایمان حضرت حسن بن علی

عسکری - علیهما السلام - فرموده اند بخوانید. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ وَ

أَبْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ

الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ وَ أَنْصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ أَنْصِرْ بِهِ

أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ

طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَأَخْرُسُهُ وَآمَنَعُهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَأَحْفَظُ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأُظْهِرُ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرُ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلُ خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمَلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَأَمْلَأُ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا وَأُظْهِرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَأَجْعَلِنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأُرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ.»<sup>(۱)</sup> هر چند هزار مرتبه صلوات در روز پنجشنبه مستحب است. لکن ۱۰۰ مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ. عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» را فرموده‌اند فضیلت بسیار دارد<sup>(۲)</sup> البته از جمله آداب شب جمعه هم دانسته‌اند<sup>(۳)</sup>.

و در روز جمعه در تمام ساعتهای آن بطور عموم و به خصوص بعد از نماز صبح و هنگام ظهر و زمان رفتن به مسجد بعد از نماز عصر در قنوت نماز ظهر یا در قنوت نماز جمعه و در خطبه نماز جمعه و در آخرین ساعت روز جمعه صلوات فرستادن سفارش شده است.

## اذن قیام حضرت او را

### رقم بزن

برای این که شام فراقِ حجتِ رب مجید، سحر گردد و صبح

۱- شیخ طوسی در مختصر المصباح کمتر را هم دستور داده‌اند.

۲- جمال الأسبوع سید بن طاووس: ۴۵۰. ۳- بحار الانوار ج ۸۹ ص ۲۸۹.

وصالِ جمالِ حق جلوه‌گر شود، آنان که می‌دانند حضرت او چون خداوند هستی عیان<sup>(۱)</sup> است و در تن آفرینش روان، پیوسته مترنمند:

الهی کی شود بینم جمال دلربایش را

نمایم توتیای دیده خود خاک پایش را

طلبِ فرج به زبان فارسی یا عربی یا به هر زبان دیگر روزانه به هر تعدادی که ممکنست از جمله بهترین عبادات است. بگوئیم: **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ** یعنی: بار خدایا فرج مولای ما صاحب‌الزمان را زودتر برسان.

و هرگاه نام مبارک مرآت حق‌نما، مجموعه کمال، مظهر جمال و جلال خدا، یوسفِ نهانی حضرت خیرالنساء را بر زبان می‌آورد یا می‌شنود فوراً زیر لب زمزمه نماید «عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ ظُهُورَهُ» یعنی: «خدای تعالی فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرماید».

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: از جمله حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از فریضه دست بر چانه بگیرد و سه مرتبه بگوید: «يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمْ لِاِنْبِيَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»<sup>(۲)</sup> یعنی: «ای پروردگار محمد! فرج آل محمد را زودتر گردان، ای پروردگار محمد پنهانی محمد (امام زمان) را حفظ کن، ای پروردگار محمد برای دختر محمد انتقام بگیر».

و فرموده‌اند که در قنوت نماز بعد از کلمات فرج «لا اله الا الله الحليم الكريم» بخوانیم<sup>(۳)</sup>: «اللَّهُمَّ اِلَيْكَ شَخِصَتِ الْاَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ

۱- از جمله القاب امام علیه السلام عین‌الله الناظره است. چشم بینای خدا در خلق.

۲- جمال‌الصالحین تعقیبات مشترکه. ۳- مستدرک محدث نوری: ج ۱ ص ۳۱۹.

الْأَقْدَامُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ مُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ أَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ وَ إِلَيْكَ  
سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ  
الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتْنَا وَ غَيَّبْتَ إِمَامِنَا وَ قَلَّتْ عَدَدِنَا وَ كَثُرَتْ  
أَعْدَائِنَا وَ تَظَاهَرَتِ الْأَعْدَاءُ عَلَيْنَا وَ وَقُوعِ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ  
تُظْهِرُهُ وَ إِمَامٍ حَقٍّ نَعْرِفُهُ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.»

وی گفته: و به من رسیده که امام صادق علیه السلام شیعیان را امر  
می کرد این دعا را در قنوت نماز بعد از کلمات فرج «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ ...» بخوانند.  
ترجمه دعا:

خدایا دیده ها به سوی تو [به منظور عفو و رحمت]  
باز مانده، و گامها به جانب تو برداشته شده، و دستها بلند  
گردیده، و گردنها کشیده شده، و تو به زبان خواننده شدی و  
سِرّ و پنهانی بندگان نزد تو [آشکار است] که چه می کنند،  
پروردگارا! بین ما و قوممان به حق حکم فرمای که تو بهترین  
حکم کنندگانی، بار خدایا راستی که ما به تو شکایت  
می کنیم فقدان پیامبران و غایب بودن امامان و کمی  
افرادمان و بسیاری دشمنانمان و دست به هم دادنشان را بر  
ما و افتادن فتنه ها در میان ما، پس ای پروردگارا! گشایش  
اینها را با عدالتی که آشکارسازی و امام برحقّی که  
می شناسیم فراهم گردان، ای خدای حق اجابت فرما.

و در سجده شکر که نزدیکترین حالات به حضرت قاضی الحاجات



است، فرموده‌اند: خدای تعالی از چنین حالتِ بنده‌اش به جهت توجه داشتن و ملتفت بودن به این که نعمت بخشیده شده‌الهی به برکت وجود نازنین مولایمان صاحب‌الزمان است. به عرشیان فخر و مباهات می‌نماید و از مهمترین اقسام شکر است به فرموده حضرت شیخ مفید رحمته الله بهتر است شکر را با تقاضای فرج حضرتش توأم نمائیم و بگوئیم:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَيْكَ كَلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَمْ يُهَمَّنِي وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ تَنَاوُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«پروردگارا! روی به سوی تو آوردم و به تو پیوستم و بر تو تکیه و اعتماد کردم، پروردگارا! تو پناه و امید منی، پس کفایت کن آنچه مرا اندوهگین ساخته و آنچه اندوهگین نساخته و آنچه تو بهتر از من آن را می‌دانی، پناهنده تو عزت یافت و ثنای تو والا است و هیچ خدایی جز تو نیست بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایش امر آنها را زودتر برسان.»

## نشاطِ هوای وصال

بیت و رکن، مشعر و منی، عرفات و زمزم آنگاه لذت بخش است و فرح آور که با یاد و عشقِ یوسف فاطمه (س) باشد، هوای وصال به جای تمنای مدداز عالم و آدم، زمانی وجود را پُر می‌کند که پیوسته

دیده بر راه غیب دوخته داریم و در حالی که هر جلوه شوق و اشتیاقمان هزاران یعقوب کنعانی به ظهور می آورد، انتظار قدوم یوسف آل الرسول علیهم السلام را بکشیم.

فکر دیدارِ دلبرِ دلبران که اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب‌ها، در شائق جنه‌اللقاء همان دل بستگی خاص او به دعاست که همیشه در سر وجودمان دیده می شود و همه جا صورت ماه معشوقِ علی الاطلاق را منظر دیدگانمان می کند، و هر کس از کنار چنین دلدادۀ شیدائی گذر کند، به گوش جان زمزمه درون او را می شنود که با تمام وجود زمزمه می کند:

از آن زمان که بسته‌ام دل به کمند موی تو

حسرت دیدن رخت مانده به قلب زار من

عزیزِ روحِ جان من، نگارِ مهربان من

چه می شود که بنگرم نشسته‌ای کنار من

عمر اگر بسر رسد، بیک اجل ز در رسد

بیا کنار بستم لحظه احتضار من

بیا که جان خسته را به پای تو بیفکنم

اگر فتد به روی تو دیده اشکبار من

این زمزمه عاشقانه آنگاه که به قالب راز و نیازِ عارفانه درآید همان فقرات دعائی است که از معصوم علیه السلام به ما رسیده و می باید خویش را هم به آن تسکین دهیم و هم بر کوره شوق دیدارش بدمیم تا شعله عشقِ قائم آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - آتشکده

وجودمان را به نار عشق او از یخ‌زدگی‌های زندگی‌های خاکی در امان بدارد. زراره صحابه شایسته اسرار، آنگاه که وصف امام قائم - ارواحنا فداء - را از مولایمان حضرت صادق علیه السلام می‌شنود، سؤال می‌کند اگر آن زمان فراق را درک کردم چه عملی انجام دهم؟ می‌فرمایند: اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَفَنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفَنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ  
اللَّهُمَّ عَرَفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَزِمْتَ تَعْرِفَنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ  
اللَّهُمَّ عَرَفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفَنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>(۱)</sup>  
یعنی:

«پروردگارا! تو مرا به خود شناساکن که اگر خودت را  
به من شناسانی، پیغمبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا!  
تو رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من  
شناسانی، حجتت را نخواهم شناخت. پروردگارا! حجت  
خودت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی  
از دین خود گمراه خواهم شد.»

و این مسکین از عنفوان نوجوانی که به جماعت مرحوم حضرت  
آیه‌اله العظمی حاج سید ابراهیم میلانی قدس سره می‌رفتم با این دعا که  
تأکید کرده بودند در تعقیبات نمازهایشان خوانده شود، آشنائی پیدا  
کردم؛ عزیزالوجودی به نام حاج علی آقا ناظم‌زاده که از تجار مؤمن به  
غیبت و مشتاق دیدار امام زمان - روحی فداء - بود، با صدائی

سوزناک و دلنشین، خواص این دعا را به جان نمازگزاران می ریخت.

شیخ صدوق - قدس الله روحه العزیز - نیز از حضرت جواد عجل الله فرجه

روایت کرده اند<sup>(۱)</sup> که هرگاه از نماز واجب فراغت یافتی بگو:

«رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَ بِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ وَ لِيٍّ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أُمَّةً.

اللّٰهُمَّ وَلِيَّتِكَ الْحُجَّةُ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ أَمُدُّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ أَجْعَلُهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ الْمُنْتَصِرَ لِدِيْنِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ تَقْرِبْهُ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَزْهِمُ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقْرِبْهُ عَيْنُهُ وَ أَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

خلاصه ترجمه دعا چنین است:

«خداوند را به پروردگاری پذیرفتم و اسلام را به

عنوان دین و قرآن را کتاب آسمانی و محمد صلی الله علیه و آله را

پیغمبر، و علی را ولی خود [ایمان آوردم] و حسن و حسین

و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و

موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن

محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن بن علی علیهم السلام را

به امامت پذیرفتم.

پروردگارا! ولی تو حضرت حجت علیه السلام است پس او را حفظ کن از پیش رویش و از پشت سر و از سمت راست و سمت چپ و از بالا و پائین. و عمرش را امتداد بخش و او را قائم به امر خویش قرار ده که برای دینت یاری طلبد و آنچه دوست می دارد و دیده اش به آن روشن گردد. نسبت به خودش و خاندانش و نوادگانش و دارائش و پیروانش و نسبت به دشمنش به او بنمایان و دشمنانش را به آنچه هراس دارند [از نابودیشان به دست او] دچار گردان و بدین وسیله درد سینه های ما و سینه های مؤمنین را شفا بخشای.

سید اجل علی بن طاووس - قدس الله روحه العزیز - می فرمایند از مهمات در تعقیب نماز ظهر اقتداء کردن به امام صادق علیه السلام است. در دعای برای حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که بعد از نماز ظهر دستهایش را به سمت آسمان بلند کرده، می فرمود: <sup>(۱)</sup>

«أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ أَيْ جَامِعٍ كُلِّ فَوْتٍ أَيْ بَارِيَّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ أَيْ بَاعِثُ أَيْ وَاوْرِثُ أَيْ سَيِّدَ السَّادَةِ أَيْ إِلَهَ الْإِلَهَةِ أَيْ جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ أَيْ مَالِكَ (مَلِكَ خ ل) الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَيْ رَبَّ الْأَرْبَابِ أَيْ مَلِكَ الْمُلُوكِ أَيْ بَطَّاشُ أَيْ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَيْ فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ أَيْ مُحْصِيَ عَدَدَ الْأَنْفَاسِ وَ نَقَلَ الْأَقْدَامِ أَيْ مِنَ السَّرِّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةً أَيْ مُبْدِيٌّ أَيْ مُعِيدٌ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

**اللَّهُمَّ** وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْجِزْ لَوْلِيكَ  
 وَ ابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ أَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ وَ عَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ  
 وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ وَ عِدَّةُكَ، اللَّهُمَّ أَيَّدُهُ  
 بِنَصْرِكَ وَ أَنْصُرْ عَبْدَكَ وَ قَوِّ أَصْحَابَهُ وَ صَبِّرْهُمْ وَ أَفْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ  
 سُلْطَانًا نَصِيرًا وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

«ای شنونده هر صدا، ای جمع کننده هر از دست  
 رفته، ای برآورنده هر جنبنده پس از مرگ، ای برانگیزنده،  
 ای وارث، ای آقای آقایان، ای خدای خداوندگاران، ای  
 درهم شکننده جباران، ای مالک (پادشاه) دنیا و آخرت،  
 ای پروردگار پروردگاران، ای پادشاه پادشاهان، ای سخت  
 کوبنده، ای بشدت مؤاخذه کننده، ای آنکه هر چه  
 بخواهد انجام دهد، ای شمارنده نفسهای خلق و گام زدنها،  
 ای کسی که سِرّ نزد او آشکار است، ای پدیدآورنده  
 موجودات، ای بازگرداننده آنها، از تو می خواهم بحق  
 خودت بر برگزیدگان خَلَقْت و به حتی که برای آنان بر  
 خودت واجب شمرده‌ای که بر محمد و آل محمد  
 خاندانش درود فرستی و همین حالا بر من منت نهی و گردنم  
 از آتش رها گردد و وعده ولی خود و فرزند پیامبرت دعوت  
 کننده به سویت و به اجازات و آمین تو در خلائق و چشم  
 تو در بندگانت و حجت تو بر خلقت که درود و برکاتت بر

او باد؛ وعده‌ای که به او داده‌ای وفا کن، بار الها به نصرت  
تأییدش کن و بندهات را یاری فرما و یارانش را نیرو بخش و  
شکیبایشان گردان و برای آنان از جانب خود حاجتی فرارده  
که همیشه یارشان باشد و فرجش را تعجیل کند.»

و می‌دانیم که طول روز را به دوازده قسمت تقسیم نموده‌اند و هر  
قسمت را که یک ساعت خوانده می‌شود، منسوب به وجود نازنین  
امامی دانسته‌اند؛ به جهت توسل و عرض حاجت به آن بزرگوار دعائی  
مخصوص نقل کرده‌اند. ساعت آخر به امام عصر و پیشوای غایب از  
نظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اختصاص دارد و این دعا را برای  
آن ذکر فرموده‌اند:

«يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ يَا مَنْ غَنَىٰ عَنِ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ، يَا مَنْ عَرَفَ  
نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتِهِ، يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ  
عَلَىٰ شُكْرِهِ، يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ، وَ لَطَفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ  
الْخَلْفِ الصَّالِحِ بَقِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُسْتَقِيمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ  
رَسُولِكَ، وَ بَقِيَّةِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ «مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ» وَ اتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ وَ  
أَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَ رَغْبَتِي إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَنْ تُدْرِكَنِي، وَ تُنَجِّنِي مِمَّا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ، وَ أَلْبِسَنِي بِهِ  
عَافِيَتَكَ وَ عَفْوَكَ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ كُنْ لَهُ وَ لِيْنَا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا، وَ  
قَائِدًا وَ كَالِئًا، وَ سَاتِرًا، حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا يَا

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أُولَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ، وَ ذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمُودَتِهِمْ، وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ، وَ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

«ای آنکه به خود یگانه است از خلقش. ای بی نیاز از خلق خود به صنعش. ای آنکه از روی لطف خود را به خلقش شناسانید. ای آنکه اهل طاعتش را به راهی که رضای اوست بُرد. ای آنکه اهل محبتش را بر شکرش یاری فرموده. ای کسی که بر آنها با فرستادن دینش منت نهاد. و با بخشندگیش به آنان لطف کرد. از تو می خواهم به حق ولایت خَلَفِ صَالِحِ بازمانده تودر زمینت و منتقم برای تو از دشمنانت و دشمنان فرستادهات و سایر پدران صالحش. - محمد بن الحسن - و به سوی تو به او زاری می نمایم و او را در پیشگاه تو برای درخواست حوایج و خواسته هایم پیش می آورم اینکه بر محمد و آل محمد درود فرستی و با من چنین و چنان نمائی و مرا دریابی و از آنچه می ترسم و دوری می جویم نجات دهی. به حق او جامه عافیت و گذشتت را در دنیا و آخرت بر من بیوشانی و او را ولی و نگهدار و یار و پیشوا و حمایت کننده و پوشاننده باش تا [وقتی که] او را در زمینت با طوع و رغبت سکونت (حکومت) دهی و مدتی طولانی او را در زمین بهره مند سازی، ای مهربان ترین مهربانان و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به خدای بزرگ با عظمت پس خداوند از [شر و اذیت] آنها



[دشمنان] شما را در امان می‌دارد که او شنوای داناست. خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد. والیان امرت که دستور داده‌ای اطاعت شوند و اهل رَجِم (خویشاوندان نزدیک) که امر فرموده‌ای [مردم] پیوندشان را حفظ کنند و ذوی القربی - نزدیکان و خاصان - که حکم کرده‌ای به مودتشان و آقایی که دستور داده‌ای حقشان شناخته شود و اهل بیت که یلیدی را از آنان دور ساخته‌ای و آنها را کاملاً پاک نموده‌ای [از تو می‌خواهم] این که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی.

ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: حضرت امام باقر علیه السلام فرموده‌اند در جمعه و دو عید فطر و قربان هرگاه آماده بیرون رفتن برای نماز شدید، بخوانید:

«اللَّهُمَّ مَنْ مَهَيَّا فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِيَوْمِ فَادَةِ إِلَى مَخْلُوقِ رَجَاءِ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ وَ فَادَتِي وَ تَهَيَّيْتُ وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءِ رَفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ وَ نَوَافِلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِكَ وَ صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى أئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ صَاحِبِ الرِّمَانِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ أَنْصُرْهُ نَصراً عَزِيزاً اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْأَسْلَامُ وَ أَهْلُهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ وَ مَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ وَ

تَدْعُوا اللَّهَ تَعَالَى إِلَيْهِ وَ عَلَى عَدُوِّهِ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ وَ يَكُونُ آخِرَ كَلَامِكَ:  
اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تُذَكِّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ.»

«بارخدا یا! هر کس در چنین روزی مهیا و یا آماده شد یا خود را مستعد کرد برای ورود بر مخلوقی به امید بخشش و جایزه و عطا های او پس ای آقای! من توجه و ورود و آمادگی و انتظارم به امید بخششها و جایزه ها و عنایت های تو است. خداوندا! بر محمد بنده و فرستاده و برگزیده از خلقت درود بفرست و نیز بر امیر مؤمنان و جانشین فرستاده ات [درود فرست] و ای پروردگارا! بر امامان مؤمنین حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و صاحب الزمان - علیهم السلام - درود فرست. خدایا فتحی به آسانی برایش قرار ده و او را با عزت پیروز گردان. بار خدایا! به او دین و سنت رسالت را آشکار ساز تا دیگر چیزی از حق را از بیم احدی از خلق پنهان ننماید. خداوندا! ما به سویت زاری می کنیم در جهت خواهش دولتی گرامی که در آن اسلام و اهل آن را عزیز گردانی و به آن نفاق و اهل آن را خوار سازی و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و راهبران به سمت راحت قرار دهی و به آن گرامیداشت دنیا و آخرت را به ما روزی فرمای. خداوندا! آنچه از حق ندانسته ایم به ما بشناسان و به آنچه از آن قصور داشته ایم برسان و برای آن حضرت دعا و بر دشمنانش نفرین کن و حاجتت را

بخواه و آخرین سخنت این باشد که: خدایا دعای ما را به اجابت برسان. خدایا ما را از کسانی قرار ده که در این روز به یادت بودند و به یاد خواهند بود.»

و خلاصه دعاهائی به لحاظ روزهای خاص وارد شده است که عزیزان مشتاق می توانند دعای مخصوص روز عرفه<sup>(۱)</sup> عید نوروز<sup>(۲)</sup>، شب و روز نیمه شعبان<sup>(۳)</sup> شبهای ماه رمضان<sup>(۴)</sup> شب ششم و روز هشتم<sup>(۵)</sup> و شب دوازدهم<sup>(۶)</sup> و روز سیزدهم<sup>(۷)</sup> و روز هیجدهم و شب نوزدهم و روز بیست و یکم<sup>(۸)</sup> و یوم الغدیر را که عید الله الاکبر است<sup>(۹)</sup> از جایگاهائی که به آن سند داده شده، استفاده کنند.

## تمنای وصال

### بعد از مراسم عزاداری

این همیشه سنت بوده است در پی نمازهای یومیه و ختم مجالس سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بعد از سلام ثلاثه که نام مبارک آخرین امامان حضرت صاحب الزمان علیه السلام برده می شود و دست بر فرق گذاشته، تقاضای تعجیل در فرج می نمایند و مسلماً

۱- اقبال الاعمال ج ۱ ص ۳۵.

۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۸ زاد المعاد ص ۵۲۳.

۳- مکیار النکارم ص ۶۴.

۴- همان ص ۶۷.

۵- اقبال الاعمال ج ۱ ص ۱۴۰.

۶- همان ج ۱ ص ۱۴۱.

۷- همان ج ۱ ص ۱۴۴.

۸- همان.

۹- همان ج ۱ ص ۴۹۲. زاد المعاد ص ۳۴۲.

تکرار چنین عرض ادب اگر به فرج کلی که زمانش نزد حضرت احدیت معلوم می‌باشد به مصلحت الهی ختم نشود، بدون تردید او که چنین سنت و سیره‌ای را تعقیب می‌کند، به آرزو خواهد رسید و مورد عنایت قرار می‌گیرد. جای دارد از نوکرانی که با اخلاص و ارادتمند به این سنت تأسی می‌نمودند و هرگاه آخرین ذاکر می‌بودند، دعای فرج را با شور و حالی می‌خواندند، چون مرحوم ملک آبادی و حاج سید جعفر شیرازی، حاج سید حسین کاشانی، حاج آقا سبحانی. حاج سید حامد طباطبائی، حاج آقا نور، مرشد اسماعیل، مرشد اصغر فلاحتیان اصفهانی، حاج شیخ محمود خطیب، حاج آقا محمودی، حاج سید محسن دربندی، حاجی مرشد فیرنی، حاج احمد شمشیری، ناجیان تبریزی، حاج ناظم قنات آبادی - قدس الله ارواحهم - که این مسکین درک مجالس روضه‌خوانی پرشور ایشان را نموده، فیض عزاداری امام حسین علیه السلام را به برکت نوای گرم ایشان اندوخته‌ام و عزیزالوجودانم آقای حاج سید محمد آقا ضیاء، آقای حاج سید عباس مجابی، آقای حاج حسن دولابی، آقای حاج محمد رحمانی تبریزی، آقای حاج سید محمود شیرازی و آقای حاج سید غلامحسین شیرازی<sup>(۱)</sup> یادی کرده، نامشان در این عرض ادب به خاک پای مبارک مولایمان به یادگار بماند تا خواننده‌ای به یادشان طلب مغفرت نموده، تربت نوکران حسینی را به حمد و سوره‌ای نور باران کند.

و دیگران از طایفه ذاکران که ناشر این اعتقاد بوده‌اند و توجه و دعا و تمنای تعجیل در فرج حضرت حجة‌بن

۱- حال که مشغول تجدید چاپ رساله شده‌ایم جناب ایشان روز هفدهم محرم ۱۴۲۲ مطابق ۲۳ فروردین ۱۳۸۵ در حال ذکر مصیبت ارباب کریمش دنیا و اهلش را وداع کردند دلمان را سوزاندند.

الحسن العسکری علیه السلام انتقام گیرنده خون سیدی و مولاتی ابا عبدالله الحسین علیه السلام فضیلتی است بر فضیلت عزاداری، چنانکه فرموده‌اند مولایمان حضرت قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در خواب به عبد صالحی فرموده بودند: «من برای مؤمنی که یادآور مصیبت جد شهیدم شود، سپس برای تعجیل فرج و تأیید من دعا کند. دعا می‌کنم»<sup>(۱)</sup>.

## گدائی دولتسرای دوست

حضرت سر ذات ازلی، واسطه بین غیب و شهود، که علم حق را دل او گنجینه است و وجه حق را رخ او آئینه، رحمت واسعه الهی که «وسعت کل شیئی» حیطة حکومت و شأن افاضه حضرتش بوده، اسرافیل را گدای باب فیضش و میکائیل را سائل درگهش، عزرائیل را فرمان‌بر و جبرئیل ریزه‌خوار سر خوانش خوانده‌اند<sup>(۲)</sup> هم‌بزم اهل معرفت با یادش شاهانه می‌شود و هم حاجت‌گرفتاران به کرشمه توجه‌اش روا می‌گردد.

در روایات می‌خوانیم به ایام غیبت کبری، مستمندان و حاجتمندان که در آتش گرفتاری می‌سوزند، به حضرتش ارجاع داده می‌شوند و امامان معصوم - علیهم السلام - متوسلین به خویش را به قائم خود حوالت داده‌اند. در توسل به عزیزالوجودی از دیار حبیب

۲. نوای فراف: ص ۴۱۴.

۱. مکیال المکارم ج ۲ ص ۷۵.

محمدی وقار و مرعشی تبار فرموده بودند «به ناصر ما» متوسل شوید. پس التجاء به ساحتِ قدس امامی که مورد توجه ائمه طاهرین صلوات‌اله علیهم اجمعین - است که هرگز هیچ امتی به آن متنعم نبوده‌اند؛ چنانکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «تُنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «امت متنعم می‌شوند در زمان مهدی (عج) به نعمتی که هرگز آنگونه متنعم نبودند» و این نعمت‌ها می‌توانند بلاها را از آدمی دور سازند؛ چنانکه «ابی‌نصر» خادم حضرتش از آن زمین کرده به تن مطهر و فلک کرده به جان منور روایت می‌کند. فرموده‌اند: «أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»<sup>(۲)</sup> یعنی: «من خاتم اوصیاء می‌باشم و خدا به وسیله من بلا را از کسان و شیعیانم برمی‌دارد».

حال این گدائی و تمسک را می‌باید همیشه در خویش زنده نگاه داشت، زیرا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَتِهِ قَائِمًا...»<sup>(۳)</sup> یعنی: «خوشا حال کسی که در غیبت قائم ما متمسک به امر ما باشد». و اگر شیعه او محسوب شویم هرگونه ترس از دلمان برداشته می‌شود؛ زیرا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَنْزِعُ الْخَوْفَ مِنْ قُلُوبِ شِيعَةٍ وَبُسْكِنُهُ فِي قُلُوبِ أَعْدَائِهِ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا...»<sup>(۴)</sup> یعنی: «همانا خدا ترس را از دلهای شیعیان مهدی (عج) برمی‌دارد و آن را در دل دشمنانش جای می‌دهد و چون قائم ما...»

۱- عقد الدرر: ص ۱۶۹.

۲- كشف الغمة: ج ۲ ص ۴۹۹

۳- اثبات الهداة: ج ۳ ص ۴۵۱

۴- بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶. بورد الحلاص: ۳۲۳

## جوشش چشمه جود

قبل از آن که اکسیر زندگی از خاک فیض بخش قدوم رحمتِ واسعة حق طلب فیض کند. چون واسطه فیض است به اقتضای «وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» می باید خلق را اگرچه از سرتاپا غرق گناهند به تقاضای مغفرت و توجه مشمول لطف خود که رحمتِ حضرت رحمان و رحیم است فرماید.

نظر مرحمت دوست اگر قطع شود

آنی و کمتر از آن، طعمه صدها خطریم

زیرا حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداء - در پاسخ عریضه ابی جعفر محمد بن عثمان مرقوم داشته اند: «وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ، إِجَاباً لِمَسْأَلَتِهِمْ وَاعْظَاماً لِحَقِّهِمْ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«ما ائمه - عليهم السلام - آنها از خداوند می خواهند تا بیافریند و رزق و روزی را سوال کند و خداوند هم خواسته شان را پاسخ می دهد و حقشان را عظیم و بزرگ می داند.»

همان سودی است که از ناحیه امام علیه السلام به عامه مردم می رسد و حضرت در مثالی برای اسحاق بن یعقوب که شرافت زیارت خط مبارکش را داشته زده اند، مرقوم فرموده اند:

«... وَ أَمَّا وَجْهُ الْأَنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَأ لَأَنْتِفَاعٍ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّخَابُ»<sup>(١)</sup> یعنی:

«و اما راه انتفاع و سود بردن از من در روزگار غیبتم همانند سود بردن مردم است از آفتاب. هنگامی که ابرها آن را از نظرها پنهان می سازد.»  
لذا در متون روایی اسلامی - شیعی با دستورالعملهایی برخورد می کنیم که از ناحیه حضرتش شرف صدور یافته است، دعای زیر را حضرت صاحب الامر علیه السلام به محبوسی تعلیم داده اند که به برکت آن از زندان خلاص می گردد.

«إِلهي عَظَمَ البلاءَ وَ بَرِحَ الخفاءَ وَ انكشَفَ الغطاءُ وَ انقطعَ الرجاءُ وَ ضاقتِ الأرضُ وَ مُنعتِ السماءُ وَ أنتَ المُستعانُ وَ إِلَيْكَ المُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ المَعْوَلُ فِي شِدَّةِ وَ الرِّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرجاً عاجِلاً قريبا كَلَّمَحِ البَصَرِ وَ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا ناصِرَانِ يَا مَوْلانا يَا صاحِبَ الزَّمانِ الغوثَ الغوثَ الغوثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ العَجَلَ العَجَلَ العَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ»<sup>(٢)</sup>

«خدا یا بزرگ شد گرفتاری و دور شد پنهانی و برداشته

پرده، بریده شد امید و تنگ شد پهنای زمین و دریغ کرد

آسمان و تویی یاری کننده و به سوی توست هر شکایتی و بر

توست اعتماد در گرفتاری در سختی و سستی، خدا یا درود

١- کتاب الغیبه ص ٢٩٠

٢- منافع الجنان.



فرست بر محمد و آل محمد و صاحبان امر که بر ما فرض و واجب کردی اطاعت آنها را و شناساندی بدین مقام آنها را پس گشایش ده بر ما به حق آن گشایش نزدیکی چون چشم بهم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا. زیرا شمائید کفایت کنندگان و یاریم کنید زیرا شمائید یاری کنندگان. ای مولای ما ای صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس به فریاد رس مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب هم اکنون هم اکنون با شتاب با شتاب با شتاب ای مهربان ترین مهربانان بحق محمد و آل پاکش.»

در توقیعی که شرافتش نصیب محمد حمیری بود فرموده‌اند هرگاه خواستید به واسطه ما به سوی خداوند متعال توجه کنید، بگوئید:

«الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِيِ الْمُعْصُومِ ابْنِ الْهُدَاةِ الْمُعْصُومِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأُئِمَّةِ الْحُجَّجِ الْمُعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِنَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَكَ مَا

وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا (و به کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند) فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَاماً مَحْمُوداً فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَ ارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي وَ كَشْفِ كُرْبَتِي.»

و بخواه هر چه خواهی که برآورده می شود انشاء الله تعالی.

مؤلف گوید که بهتر آنستکه در رکعت اول نماز این استغاثه، بعد از حمد، سوره انا فتحنا بخواند؛ در رکعت دوم، اذا جاء نصر الله، این دعا نیز از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته تا عموم مردم را در دعای خود سهیم سازیم:

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشَّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.»

و ادعیه ای دیگر که حضرت بقیة الله الاعظم به لحاظ هائی تعلیم داده و معین فرموده اند تا با این جوشش چشمه جود در حقیقت همان عنایت بی علت الهی از چنگال غم و اندوه رهایی یابیم.

## احضار کریمانه

او که به فعل و نیت هر ذره در جهان اشراف دارد و شاهد خلق می‌باشد امام عصر - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - است، همان روح روان در کالبد هستی که اگر نازی کند یعنی دیده از خلق بردارد، در هم فرو ریزند قالب‌ها. چون این گونه ناظر خلق است، از آنچه بر دلها می‌گذرد آگاهی کامل دارد. نظاره می‌کند که چطور و چگونه، خلق واله و حیران، شیدا و سرگردان به هرسو می‌نگرند و می‌روند، شاید او را نشانی یابند و خویش را به آن تشریف تسکین دهند، دردهایشان به توجه حضرتش به صحت و سلامتی رسد.

در چنین احوالاتی دیده شده، دولت توجه آن ذات اقدس نصیب شایستگی صادق و جویندگانی لایق که عاشقانه و عارفانه او را مجنون‌وار جستجو کردند و طالب دیدار هستند گردیده، در چنین حال و هوایی که آدمی در دو عالم جز او غمخواری ندارد، یعنی با غیر یوسف فاطمه - سلام الله علیها - سرو کاری ندارد، شام فراقش سحر شده، صبح وصالش می‌دمد؛ از پس پرده عیب، او را با صد نیاز به درون حرم می‌خوانند تا بر تمنای «الهی کی شود بینم جمال دلربایش را» پاسخی داده، بر زمزمه عاشقانه «عمری نمودم جستجو» لبخند زنند و بر «گشتم پی تو کوبه کو» نعمت «مولای من کریم است»

را لمس کنند. چنان که نوشته‌اند: «ابی سعید غانم هندی می‌گوید: برای رسیدن به ناحیه مقدسه و خبرگرفتن از حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- بیرون رفتم تا به عباسیه رسیدم و آماده نماز خواندن شدم. ایستاده در فکر و اندیشه مقصود و مطلوب خود بودم کسی آمد و گفت: «تو فلان کس هستی؟» - نام هندی مرا برد - گفتم: آری. فرمود: «مولای خود را اجابت کن» با او رفتم و پیوسته مرا از راهی به راهی می‌برد تا به خانه و بوستانی رسید.

حضرت مهدی علیه السلام را دیدم نشسته، به لغت هندی فرمودند: «خوش آمدی ای فلان، حالت چگونه است؟» و حال فلان و فلان و فلان تا چهل نفر را نام بردند، چگونه بود؟ و از حال یکایک پرسیدند و آنچه جریان کار ما بود، همه را با زبان هندی پرسیدند و سپس فرمودند: «می‌خواهی با اهل قم حج کنی؟» عرض کردم: آری ای سید و مولای من.

فرمود: «با آن حج مرو و امسال برگرد و سال آینده حج به جای آور» سپس کیسه‌ای که در خدمتش بود به سوی من افکند و فرمود: «آن را خرج کن و در بغداد نزد کسی - که نام برد - مرو و چیزی به اطلاع او مرسان، به نزد ما برگرد که اصحاب ما از گردنه برگشته‌اند و رفت به سوی خراسان و چون سال آینده شد حج به جای آورد»<sup>(۱)</sup> در اینصورت اگر هر جوینده که حقیقتاً طالب دیدار باشد یا خویش را تا سرحد استحقاق محبت حضرتش برساند، بدون تردید مورد لطف و محبت و عنایت حضرتش قرار خواهد گرفت و بطور حتم و یقین

حمزه و صالی را مأمور می‌نماید تا طالب دیدار خویش را به حریم ایشان دلالت کند.

## شاهد بر خلق

ای چشم پر فروغ خدا، هیچ بنده‌ای  
مانند تو به امر خلاق گواه نیست

اگر ژرف بنگریم و دقیق بیندیشیم که امام زمان کیست و دارای چه مقامی است، چون ذات پاک آن حضرت، آفریده خداست و تمام عالم ملک و ملکوت و همه مخلوقات از جن و انس و ملک و سایر موجودات، به خاطر او آفریده شده‌اند. اگر او و دودمان پاک ولایت نبودند، عالمی خلق نمی‌شد. دنیا و آخرتی وجود نداشت. بهشت و دوزخی در کار نبود و خلاصه ذره‌ئی از مخلوقات عوامل ملک و ملکوت، لباس هستی نمی‌پوشید و به فیض وجود نمی‌رسید. چنین وجود نازنین و مقدسی بر زمان و خلق آن اشراف دارد.

شیخ صدوق - رحمه الله علیه - از محمد بن عثمان العمری روایت می‌کند: «صاحب این امر مردم را می‌بیند، آنها را می‌شناسد و آنها او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند»<sup>(۱)</sup> چنان که می‌نویسند، حسین بن و جناء در زیر ناودان پس از نماز عشاء به حال دعا تضرع می‌کرد، به ناگاه محرکی او را حرکت می‌داد، و گفت: ای حسین بن و جناء برخیز؛ من برخاستم. دیدم کنیزی است زردگونه و لاغر، به نظرم چهل سال و

بیشتر داشت او از پیش روی من می‌رفت و من از او چیزی نمی‌پرسیدم تا مرا به خانه حضرت خدیجه علیها السلام رسانید و در آنجا اطاقی بود در وسط حیاط و پلکانی از چوب ساج داشت که از آن بالا می‌رفتند، کنیز از آن بالا رفت. نداء از درون اطاق رسید ای حسین بالا بیا، من به بالا رفتم و در کنار در ایستادم؛ حضرت صاحب‌الزمان -صلوات الله و سلام علیه- به من فرمود: «ای حسین آیا تصور می‌کنی که کارهایت بر من پنهان مانده، بخدا قسم هیچ در وقت حج تو نبود جز آن که من در آن وقت با تو بودم.» سپس امام تعداد اوقات را بر من شمرد، من بر در افتادم. احساس کردم که دستی بر من گذارده شد، برخاستم به من فرمود: «ای حسین در مدینه منوره در خانه جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله و سلم بمان و درباره خوراک و نوشیدنی و پوشیدنی نگران مباش...»<sup>(۱)</sup>

پس حضرتش شاهد بر خلق می‌باشند و هرگاه مصلحت افتد به نوعی آدمی را مورد لطف قرار داده، می‌فهمانند که به حال بنی‌اولاد آدم اشراف داشته، شاهد بر اعمال و رفتار و کردارمان می‌باشند.

علی بن سنان موصلی از پدرش نقل می‌کند که جمعی از قم و کوهستان با مالهای زیادی آمدند و چون به سامراء رسیدند منزل حضرت امام عسکری علیه السلام را پرسیدند، گفتند حضرت وفات کرده‌اند، وقتی از شهر بیرون رفتند تا به قم باز گردند خادم حضرت قائم آل محمد علیه السلام آن عده را به اسم خود و پدرشان خوانده، به نزد حضرت بردند و آن بزرگوار را با لباس بشر زیارت کرده، سلام

می کردند. حضرت فرمود: همه مالی که همراه دارید فلان دینار است فلانی این مقدار و فلانی این مقدار و ... فرستاده‌اند حتی اوصاف جامه‌ها و اسبابی که در سفر همراه داشتند و نشانه‌های مالهای همراهشان را بیان فرمود»<sup>(۱)</sup>

## دعای مُحَرَّمِ عَشِقِ

کوی خسروی که روح‌الامین غلام درگاه اوست، میقات عاشقان دلباخته شوریده واله‌ای است که آمده‌اند تا به پای حضرت جانان. جان فدا کنند و به فیض ملاقات برسند. اینان به یقین رسیده‌اند که یک دل خدا به بنده خود بیشتر نداده، آنهم محل نزول ولای حضرت دوست است. به دوستی آل محمد - علیهم‌السلام - چنگ زده‌اند و در ولایت ایشان ثابت و استوار می‌مانند یعنی از دشمنانشان برائت و بیزاری می‌جویند. امام کاظم - سلام‌الله‌علیه - فرموده‌اند: «طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً طُوبَى لَهُمْ: ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ! هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۲)</sup> یعنی:

«خوشا به حال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما

به دوستی ما چنگ می‌زنند و در ولایت ما ثابت و استوار

می‌مانند و از دشمنان ما برائت و بیزاری ابراز می‌کنند آنان

۱- انبیاء الهداء، ج ۳ ص ۶۱۳

۲- روزگار رهائی، ج ۱ ص ۳۱۱

از ما هستند و ما نیز از ایشانیم آنها ما را به امامت پذیرفته‌اند و ما ایشان را به عنوان شیعه پسندیده‌ایم خوشحال بر حال آنها! خوشحال بر آنها! به خدا سوگند در روز قیامت با ما و در ردیف ما هستند.»

اینان به این نعمت بارور شده‌اند که جز عشق حضرت مولای کریمان حجة ابن الحسن العسکری - ارواحنا فداء - راهی به سوی خدا نیست و فرموده‌اند: «دارم یقین که در سختم اشتباه نیست» صفای دل و نور جبین معتکفان کوی عشق به دعائی است که نوای گرم آن، دل را حیات می‌بخشد و فیض صحبتشان کمتر ز دم مسیحا نیست. این مُحَرَّمانِ عشق، آنگاه که احرامِ عشقِ می‌پوشیدند تا «قرار و قوامِ مشیتِ سبحان» را طواف کنند، چون به این رسیده‌اند که ولی کریم «مشیت حق بر عوالم امکان» است در دعای طواف خود می‌خواهند که از یاوران و انصار «مُقَسَّم رزق» و «مدبر هر امر» که «محل هبوط فرشتگان سماء» است باشند.

«يَا مَنْ فَضَّلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدَارِهِ وَ أَوْدَعَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلَبَيْتِهِ غَرَائِبَ أَشْرَارِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجْعَلْنِي مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَنْصَارِهِ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«ای کسی که ابراهیم و خاندان یعقوب را به اختیار



خود برتری داده و در ملکوت آسمانها و زمین عزت و اقتدار خویش را آشکار نموده و به محمد و اهل بیت او که درود خداوند بر همه آنان باد، اسرار شگفت‌انگیزش را سپرده است. بر محمد و آل او درود فرست و مرا از یاوران و انصار حجت بر بندگانت قرار ده.»

این طواف کنندگان که در همه عالم فقط یوسف فاطمه (س) را دارند از خدای تعالی تقاضا دارند: «يَا صَاحِبَ الْقَدْرِ وَالْأَقْدَارِ وَالْهِمَمِ وَالْمَهَامِّ عَجِّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«ای صاحب فرمان و اندازه‌ها و ای آن که تمام قصدها به سوی اوست و همه مهمات نزد او، فرج بسنده و ولیت و حجت پیا خاسته در آفریدگانت را زودتر برسان و در آن برای ما خیر را قرار ده.»

از اینان: در ایام فراق، نوائی شنیده می‌شود که حضرت خود به آن امر فرموده‌اند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَّفْتَنِي سَلَاةَكَ وَ عَرَّفْتَنِي نَبِيَّكَ وَ عَرَّفْتَنِي وِلَاةَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَلَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ أَهْدِنِي لِوِلَايَةِ مَنْ أَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ»<sup>(۲)</sup> یعنی:

بار خدایا تو خودت را به من شناسانیدی و

۱- مهج الدعوات.

۲- مهج الدعوات.

فرستاده‌ات را به من معرفی فرمودی و فرشتگان را به من شناسانیدی و پیغمبرت را به من شناسانیدی و والیان امرت را به من شناسانیدی. بارخدا یا من نمی‌گیرم جز آنچه تو عطا کنی و هیچ نگهداشتنی نیست مگر به نگهداشتن تو. بار خدا یا از منازل دوستانت مرا دور مدار و دلم را پس از آن که هدایت کرده‌ای منحرف مگردان. خداوند! به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته‌ای هدایت فرمای.»

این عاشقان آنگاه که فتنه‌ها و بلا یا از راه می‌رسند چون به این یقین بارورند که طالب خون شهید کرب و بلا، یار هر چه غمدیده و امید هر ستمدیده است «مولای انبیاء» همان یگانه منتقم آل مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را به دعائی که حضرتش به ابوالحسن محمد بن احمد ابی‌اللیث رضی الله عنه تعلیم داده‌اند متوسل شده، می‌خوانند:

«إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ وَ بَرِحِ الْخَفَاءِ وَ أَنْكَشَفِ الْغِطَاءِ وَ أَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي شِدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَوْلٰى الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذٰلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَلَيْنَا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيْبًا كَلَّمَحِ الْبَصْرِ وَ هُوَ اَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِيْ فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ اَنْصُرَانِيْ فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثُ الْغَوْثُ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِيْنَ<sup>(۱)</sup>»

«خدایا بزرگ شد گرفتاری و دور شد پنهانی و برداشته شد پرده. بریده شد امید و تنگ شد پهنای زمین و دریغ کرد آسمان و توثی یاری کننده و به سوی توست هر شکایتی و بر توست اعتماد در گرفتاری و سختی و سستی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و صاحبان امر که بر ما فرض و واجب کردی اطاعت آنها را و شناساندی بدین مقام آنها را. پس گشایش ده بر ما به حق آن گشایش نزدیکی چون چشم به هم زدن یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا. زیرا شمائید کفایت کنندگان و یاریم کنید. زیرا شمائید یاری کنندگان ای مولای ما ای صاحب الزمان به فریاد رس به فریاد رس به فریاد رس مرا در یاب مرا در یاب مرا در یاب هم اکنون هم اکنون با شتاب با شتاب با شتاب ای مهربان ترین مهربانان بحق محمد و آل پاکش.»

## تجدید بیعت با

## امیر مُلک وجود

چون شیعه را غیر از سرکوی حضرت صاحب الامر و العصر و الزمان قبله رازی نیست، اگر به وقت نماز تن را به سوی کعبه می داری دل جانب کوی او داشته که از ازل امیر همه ملوک موجود است تا صفا بخش بهشت عدن شود. به همین لحاظ در پی هر فریضه

روزانه و جمعه با مولای بزرگوارش تجدید بیعت می نماید که با جان و مال خود حضرتش را یاری کند و از هیچ چیزی که در اختیار اوست و به او تعلق دارد در راه یاری و نصرت او دریغ ننماید؛ زیرا به این یقین رسیده است که ختمی مرتبت - صلی الله علیه و آله - فرموده اند: «هرکس بمیرد در حالیکه نسبت به امام مسلمین بیعتی برگردن او نباشد به مرگ جاهلیت مرده است»<sup>(۱)</sup>.

سید اجل علی بن طاوس در کتاب مصباح الزائر و دیگر بزرگان علماء شیعه فرموده اند، مستحب است هر روز بعد از نمازهای یومیه<sup>(۲)</sup> یا صبح خوانده شود.

یعنی: «بارخدایا بر مولایم صاحب الزمان - صلوات اله علیه - از تمامی مؤمنین و مؤمنات که در مشرقها و مغربهای زمین و در خشکی و دریا و کوه و صحرای عالمند، زنده و مرده آنها و از والدین من و فرزندانم و از جانب خودم به وزن عرش الهی و به مقدار مداد کلمات او و به نهایت خشنودی خداوند و به شمار آنچه کتاب [آفرینش] او در برگرفته و علم او احاطه نموده است، درود و تحیتها فرست. خدایا من در این روز و در هر روز برای او تجدید می کنم؛ عهد و عقد و بیعتی را که برگردن گرفته ام. بارخدایا! هم چنان که مرا به این شرافت مشرف کردی و به این امتیاز برتری دادی و به این نعمت اختصاص بخشیدی، پس بر مولی و سید من صاحب الزمان درود فرست و مرا از شیعیان و یاوران و حامیان آن جناب قرار ده و

۱- صحیح مسلم، ج ۳ ح ۱۴۷۸.

۲- بحارالانوار، ج ۸۶ ص ۶۱ باب ۳۸ ح ۶۹.

مرا از شهید شدگان در رکاب حضرتش با کمال شوق بدون هیچ اکراه مقرر فرمای در آن صف لشکری که اهل آن را در کتاب خویش وصف کردی و فرمودید صفی هم چون سد آهنین هستند. در راه اطاعت تو و اطاعت رسول تو خاندان او - علیهم السلام - بارخدا یا این بیعت برای او در عهده من است تا روز قیامت» البته در بعضی از روایات آمده است که پس از اتمام دعا دست راست خود را بر دست چپ زند مثل دست زدن در بیعت<sup>(۱)</sup> و هر کس این بیعت را با امام العصر و الزمان بشکند. با دست بریده از دنیا برود؛ زیرا حضرت ابی عبدالله جعفر محمد علیه السلام فرموده اند: «هر کس از جماعت مسلمانان جدا شود و صفقه - بیعت - امام را بشکند. دست بریده به سوی خدای عزوجل رود<sup>(۲)</sup>».

## زیارتِ بهترین محبوب

توجه به پادشه خوبان و مراد اهل دل که از ازل تا ابد حلالِ مشکل‌ها بوده و هست. نام دلجویش در هر بلا. حرز ما و یادش سکینه قلب‌ها و روح دین و شرع است. در حقیقت حضرتش، اصل و احکام فرزند، غیر خدا را از دلها بیرون می‌کند و با این که عرش گوشه‌ای از خانه اوست و فرش نمی‌تواند خانه و کاشانه او باشد، و می‌دارد که ذره غبار کار آفتاب کند و گدای درگهش کار خدایی.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۱۱۰ باب ۷.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

زیارت بهترین توجه به حضرتش می باشد که خلوتِ آدمی را صفای بهستی می بخشد. مشام جان و دل را از عطر و بوی او خوشبو می کند. کام جان را نیز از شهد ولایتش شیرین می نماید و ما به نقل زیارت «آل یاسین» که از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته اکتفا می کنیم.

## زیارت آل یاسین

حضرت بقیة الله الأعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - فرمودند: «هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند تعالی و ما توجه کنید این جملات را بگویید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسْرٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّنَا آيَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِثْقَالَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمُنْصُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.»

«سلام بر آل محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ - سلام

بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و تربیت یافته

نشانه هایش. سلام بر تو ای باب رحمت خدا و فرمانروای

دینش. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش. سلام بر تو

ای حجت خدا و نشان اراده اش. سلام بر تو ای همتای

کتاب خدا و بازگوینده آن. سلام بر تو در همه لحظه های  
شب و روزت. سلام بر تو ای باقی نگهداشته خدا در زمین.  
سلام بر تو ای پرچم و نشانه افرشته و دانش ریزان و ای  
فریادرس و رحمت گسترده و ای وعده بی دروغ.»

«السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
حِينَ تَقْرَأُ وَ تَبِينُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنَتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ  
تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ  
وَ تَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُسِي. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا  
يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ  
أَيُّهَا الْمَقْدَمُ الْمَأْمُولُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.»

«سلام بر تو هنگامی که به پا می خیزی. سلام بر تو  
هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که می خوانی و  
بیان می کنی. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می کنی.  
سلام بر تو هنگامی که تهلیل و تکبیر می گوئی. سلام بر تو  
هنگامی که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که  
صبح و شام می نمائی. سلام بر تو در شب آنگاه که  
تاریکی اش فراگیر شود و در روز آنگاه که روشنایی اش  
آشکار گردد. سلام بر تو ای پیشوای امانتدار. سلام بر تو ای  
پیشرو آرزو شده. سلام بر تو: سلامهای همه جانبه.»

«أَشْهَدُكَ - يَا مَوْلَايَ - أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ  
وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ. وَأَشْهَدُكَ - يَا مَوْلَايَ -  
أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ

الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى بْنَ  
جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ  
حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.»

«ای مولایم، ترا گواه می گیرم به اینکه شهادت  
می دهم معبودی جز خداوند نیست؛ او یکتا است و شریکی  
ندارد و محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بنده و فرستاده  
اوست و محبوبی جز او و اهلش نیست و تو را گواه می گیرم  
- ای مولایم - که علی امیرمؤمنان حجت خداست و حسن  
حجت اوست و حسین حجت اوست و علی بن الحسین  
حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و جعفر بن  
محمد حجت اوست و موسی بن جعفر حجت اوست و  
علی بن موسی حجت اوست و محمد بن علی حجت  
اوست و علی بن محمد حجت اوست و حسن بن علی  
حجت اوست و شهادت می دهم که تو حجت خدایی.»

«أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا  
إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا. وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ  
نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ  
الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحِشْرَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ  
الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ.»

«شما اول و آخر هستید، و اینکه رجعت و بازگشت



شما (به دنیا) حقیقت دارد و تردیدی در آن نیست و این بازگشت در روزی است که گرویدن کسی که از پیش ایمان نیاورده یا خیری را در ایمانش کسب نکرده، سودی نخواهد داشت. و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و - آمدن دو فرشته - ناکر و نکیر حق است و از نو زنده شدن حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و کمینگاه حق است و میزان حق است و گردآوردن - خلاق - حق است و حساب حق است و بهشت و آتش حق است و وعده و تهدید به آن دو حق است.»

«یا مَوْلایِ، شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ وَ سَعِدَ مَنْ اطَاعَكَ. فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا اشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ اَنَا وَلِيٌّ لَكَ بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ. فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا اَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا اَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُوْلِهِ وَ بِاَمْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلایِ - اَوْلَكُمْ وَ اٰخِرِكُمْ وَ نَصْرَتِيْ مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِيْ خَالِصَةٌ لَكُمْ، اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ.»

«ای مولایم، آنکه با شما مخالفت کرد بدبخت شد و

آنکه شما را اطاعت نمود سعادت‌مند گشت. پس گواه باش بر آنچه تو را شاهد گرفتم و من دوست تو و از دشمنت بیزار هستم. حق همان است که شما از آن خورسندید و باطل آن است که شما از آن ناخورسند باشید و معروف و خوبی آن است که شما به آن فرمان دادید و منکر و زشتی آن است که شما از آن بازداشتید. جان و روانم مؤمن است به

خداوند یکتای بی شریک و به رسولش و امیرمؤمنان و به  
شما - ای مولایم - به اولین و آخرینتان. آماده یاری شمایم  
و محبتم خالصانه برای شماست. آمین آمین.»

«اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ  
أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَ عَزْمِي  
نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ  
عِنْدِكَ وَ بَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ مُحَمَّدٍ  
وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ قَدُوفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتُغَشِّيَنِي  
رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ.»

«خدا یا! از تو می خواهم که بر محمد - صلی الله علیه و  
آله و سلم - پیغامبر رحمت و کلمه نورت، درود فرستی و  
می خواهم که دلم را با نور یقین و سینه ام را با نور ایمان و  
اندیشه ام را با نور استقامت و تصمیم را با نور علم و نیرویم  
را با نور عمل و زبانم را با نور راستگوئی و دینم را با نور  
بصیرت و بینش از نزد تو و دیده ام را با نور و روشنائی و  
گوשמ را با نور حکمت و محبتم را با نور دوستی محمد و  
آلش - علیهم السلام - پراسازی تا در حالتی ملاقات کنم که  
به عهد و پیمان محکمت وفا کرده باشم. در نتیجه رحمت  
مرا فراگرفته ای سرپرست و ای ستوده!»

«اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ  
الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمَ بِأَمْرِكَ وَ الشَّائِرَ بِأَمْرِكَ وَ لِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ

الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدِّقِ وَ كَلِمَتِكَ  
التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَ عِلْمِ  
الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي  
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

«خدایا، درود فرست بر محمد (امام زمان علیه السلام)

حجت روی زمینت و جانشین در بلادت و دعوت کننده بر  
امت و قیام کننده به عدلت و انقلاب کننده به امرت،  
سرپرست مؤمنان و نابود کننده کافران و زداینده تاریکی و  
نوردهنده حق و گوینده حکمت و راستی و کلمه کاملت در  
زمین، منتظر ترسان و سرپرست دلسوز و پندآموز، کشتی  
نجات و نشان هدایت و نور دیده آفریدگان و بهترین کسی  
که پیراهن و عبا به بر کرده است و بر طرف کننده گمراهی،  
آنکه زمین را با عدل و قسط پر کند؛ چنان که با جور و ستم  
پر شده باشد. همانا - ای خدا - تو بر هر کاری توانائی.»

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ فَارَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَ  
أَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ، انصُرْهُ وَ  
انصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَّائِكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا  
مِنْهُمْ.»

«خدایا درود فرست بر دوستت و فرزند دوستانت؛

آنانکه پیرویشان را حتم کردی و حششان را واجب نمودی  
و زشتی و ناپاکی را از آنان زدودی و از هر پلیدی به طور

کامل پاکشان نمودی.

خدایا، یاریش کن و به وسیله او برای دینت انتقام بگیر و دوستانت و دوستانش و شیعیان و یارانش را به وسیله او یاری نما و ما را از آنان قرار ده.»

«اللَّهُمَّ، أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ اخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ اخْرُسْهُ وَ أَمْنَعْهُ مَنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ. وَ اظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ ائِدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ اَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ اظْهَرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. وَ اجْعَلْنِي - اللَّهُمَّ - مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ. إِلَهَ الْحَقِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

«خدایا، از شر هر ستمگر و متجاوز و از شر تمام

آفریدگانت پناهِش ده و از پیش رو و پشت سر و از راست و

چپ حفظش کن و نگهبانش باش و بازدار که بدی و آسیبی

به او رسانده شود و به وجود او رسالت و خاندان رسالت

را حفظ کن و به وسیله او عدالت را آشکار کن و با نصرت

خود تأییدش نما. یاورانش را یاری کن و روی گردانان از

یاریش را خوار نما و شکنندگانش را بشکن و گردنکشان

کفر را به سبب او هلاک کن و کافران و منافقان و همه

بی دینان را به وسیله او بکش؛ در هر کجا که باشند؛ در مشرق و مغرب زمین و در خشکی و دریا و به سبب او زمین را با عدل پر کن و دین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را آشکار فرما. مرا نیز - ای خدا - از یاوران و پشتیبانان و پیروان و شیعیان شبگردان و درباره آل محمد - علیهم السلام - آنچه را آرزو دارند و درباره دشمنانشان آنچه را از آن بیم دارند، نشانم بده. ای معبود به حق، مستجاب کن. ای صاحب عظمت و

اکرام، ای مهربان‌ترین مهربانان!

«اللَّهُمَّ، إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

«خداوندا ما از تو امید و اشتیاق داریم که دولت با کرامت آن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را به ظهور آوری و اسلام و اهلس را به آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی و ما را در آن دولت حق اهل دعوت به طاعتت و از پیشوایان راه هدایتت قرار دهی و به واسطه آن بزرگوار به ما عزت و کرامت دنیا و آخرت عطا فرمایی.  
آمین.»

## هدیه به ماه جهان آرا

هدیه به دلبری که بر همه دلبران سر است و در تمام دهر در دلبری نظیر ندارد. چون قدر و منزلتش را جز خدای نشناسد، حُسن او را نیز جز خدا نیست مشتری. باب رحمت را به روی ما گشوده، درد ما را مداوا می نماید و با چنین شرافتی کی حاضریم سعادت خویش را با حکومت کل جهان تعویض کنیم.

به راستی چه چیز می تواند سپاس از آنهمه عنایت و کرامت، رحمت و محبت باشد؟! ممکنست هر کس در پی سلیقه و دریافت باطنی خود، هدیه ای بیابد و نثار حضورش نماید و به راستی همان سزاوار باشد که عاشق دلباخته به عشق مولای کریم تشخیص داده است؛ لکن به نظر می آید سوخته مطیع شرع انور بودن، حرام خدا را حرام دانستن و از آن دوری نمودن، به واجبات توجه داشتن هر کدام را به زمان خودش نصب العین قرار دادن، به تولا و تبرّا خویش را مقید دانستن و آنچه حضرتش به آن سفارش فرموده اند؛ مانند احترام به والدین، فراموش نکردن بی وارث ها و بد وارث های از شیعیان، مداومت به زیارت عاشورا و جامعه کبیره، دعای برای تعجیل در فرج و ... بهترین هدیه به ساحت قدس حضرتش می باشد و سپس به آنچه که ذیلاً متذکر می شویم.

## هدیه صلوات:

به ساحت قدس حضرتش از جمله سنت‌های اهل دل و معتقدان به آن نازنین الوجود می‌باشد که در جایگاه خودش به آن اشاره کردیم.

## هدیه قرآن:

اهداء قرائت قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از جمله توفیقاتی است که حضرت ابوالحسن امام کاظم علیه السلام به آن دستور داده‌اند. علی بن المغیره می‌گوید: به حضرتش عرض کردم، پدرم از جد بزرگوارتان راجع به ختم کردن قرآن در هر شب پرسیده بود، جدتان فرموده بودند: در هر شب، پدرم عرضه داشته بود: در ماه رمضان نیز فرموده بود: در ماه رمضان هم، پدرم به جدتان عرضه داشته بود: آری تا هر قدر بتوانم. پس از آن پدرم قرآن را چهل بار در ماه رمضان ختم می‌کرد. سپس من بعد از پدرم آن را ختم می‌کردم: بسا که بر او می‌افزودم و یا کمتر از آن را ختم می‌کردم، به مقدار فراغت و اشتغال و نشاط و کسالت. پس هرگاه روز فطر شود برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک ختم و برای علی علیه السلام ختمی دیگر و برای فاطمه - علیها السلام - ختمی دیگر و سپس برای ائمه - علیهم السلام - تا به شما رسد قرار می‌دهم. از آن هنگام که در این حال بوده‌ام یک ختم قرآن برای شما قرار داده‌ام، به سبب این کار چه پاداشی برایم هست؟

امام کاظم علیه السلام فرمود، «پاداش تو آن است که روز قیامت با آن باشی. عرض کردم الله اکبر! چنین پاداشی برای من است؟ سه مرتبه فرمود: آری»<sup>(۱)</sup> و در توسل به امام زمان، نوعی ختم قرآن در جمکران را سفارش می‌کنیم و البته چه بهتر است اول هر ماه شخصی اجیر شود تا با پرداخت و اجرتی ختم قرآنی جهت هدیه به حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام بنماید که این عرض ارادت‌دارای اجر است؛ زیرا هم تلاوت قرآن است و هم کمک مادی به کسی که مستحق آن می‌باشد.

## هدیه ثواب نماز:

سیدبن طاوس که حقیر حسین بن حسن بن هادی بن مهدی بن پیر حیدر سمنانی مفتخرم. یکی از طرق اجازه‌روائی‌ام توسط عارف محقق، حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی - دامت برکاته - به حضرتش می‌رسد، در این زمینه روایتی نقل می‌کنند که معصوم علیه السلام فرموده‌اند: «هرکس ثواب نماز خود را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای بعد از آن حضرت علیهم السلام قرار دهد خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش می‌دهد که از شمارش آن نفس قطع می‌گردد و پیش از آن که روحش از بدنش برآید به او گفته می‌شود: ای فلان، هدیه تو به ما رسید پس امروز پاداش و تلافی کردن «نیکی‌های» تو است. دلت خوش و چشمت روشن باد به آنچه

۱- اصول کافی، ج ۲ ص ۶۱۸، ح ۴۴ باب فی کُم یقرء القرآن.



خداوند برایت مهیا فرموده و گوارایت باد آنچه را به آن رسیدی.<sup>(۱)</sup> این نماز را می توان دو رکعت دو رکعت خواند و به حضرتش هدیه نمود و هم فرموده اند دو رکعت نماز هدیه به آن بزرگوار گزارده، سپس بعد از سلام نماز این دعا خوانده شود:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَأَبْلِغُهُمْ أَفْضَلَ التَّحِيَةِ السَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَإِبْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَبْنِ وَوَلِيِّكَ سَبْطِ بَنِيكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.»<sup>(۲)</sup>

و البته اگر دلباخته های حضرتش که علم عشق بازی آموخته ندارند، ولی حال سربازی داشته و دارند، می خواهند نمازی تحفه حضرتش کنند، به همان سنت عشق عامل باشند که اگر نقص ما عیب ماست، حُسن کمال او دستگیرمان خواهد بود.

## پرده دار حریم کبریا

### مهمان دارِ سفره جود خدا

امام زمین و زمان که در تن آفرینش روان و در میان تمام خلایق چون خداوند هستی عیان است، باب المرادی می باشد که همه بی او در اضطرابند. هستی سرتا پا محتاج الطاف اوست. هر طلوع و غروب

۱- جمال الاسبرج، ص ۱۵.

۲- جمال الاسبرج، ص ۱۵.

تضرع و زاری و استمداد «افتاده‌ام از پای بیا دستم گیر» از همه اعضا و جوارح هستی شنیده می‌شود.

چنین صاحب رتبت و جلالت و شأنی «رحمت واسعة حق»<sup>(۱)</sup> است که بعد از حق، حاکم مطلق می‌باشد. ولی حیف و هزار حیف این «پادشه کون و مکان. هست در پرده غیب پنهان» و ای کاش رُخ پر نور او عیان می‌شد! زیرا «می‌رود یک سره ظلمت ز میان».

ظلمت که برود غم‌ها می‌رود، نور شادی‌ها از راه می‌رسد. پس جز دست «یداللهی» حضرتش گره‌گشائی نتواند کرد. به همین لحاظ شیعیان را جز درگاه حضرتش پناهی نیست. بلکه تمام مافیها بر سر راهش نشسته‌اند همچو گدا، تا به کرشمه‌نگاهی چاره‌درد بیچاره کند و سر و سامان هر آواره شود. در اینصورت چه ظرف دلها از عنصرها مالا مال باشد، چه لبخند شیرین بر لب‌ها و آرامش ملکوتی بر جانها، مهمان، می‌باید دست التجاء به سوی باب المراد، دراز نموده تا اگر غمی هست زوالش را و اگر شادی هست دوامش را خواست که سلمان فارسی می‌فرماید از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم خدای عزوجل می‌فرماید:

«ای بندگان من، آیا چنین نیست که هرکس حاجت‌های بزرگی از شما بخواهد آنها را برای او برآورده نمی‌سازید. مگر این که محبوبترین افراد را نزد شما واسطه بیاورد که آن حاجت را به گرمی داشت شفاعت کننده برای ایشان برآورد. توجه کنید و بدانید که گرمی‌ترین و

۱. چنان که در زیارت آل باسین می‌خوانیم: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ... الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ ...

برترین مخلوق نزد من. محمد و برادر او علی است و بعد امامانی که وسائل به سویم هستند. همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه زندگی بر او پدیدار شود که می خواهد خود آن از او دفع گردد. باید که مرا به [وسیله] محمد و خاندان معصوم او دعا کند که آن حاجت را برای او برخواهم آورد و بهترین گونه ای که کسی عزیزترین کسانش را نزد او شفیع می برید. آن را برمی آورد»<sup>(۱)</sup>.

مولای کریم و رئوفمان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام هم فرموده اند: «هرگاه سختی و گرفتاری بر شما وارد شود، به وسیله ما از خدای عز و جل کمک بخواهید و این است [معنی] فرموده خدای عز و جل «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»<sup>(۲)</sup> و در زیارت جامعه نیز می خوانیم «فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ» یعنی «هرکس به شما تمسک جست رستگار و پیروز شد و هرکس به شما پناه آورد [از کجروی و بدبختی هر دو سرای] ایمن گشت».

و در زیارتی که از حضرتش روایت گردیده، می خوانیم او دادرسی است که از او دادخواهی کند؛ چنان که در جریان «ابوالوفاء» آمده، «حصار محکم امت و فریادرس [هر] بیچاره در مانده و پناه گریختگان و نجات دهند؛ بیمناکان و نگهبان عصمت جویان است. اما چگونه توسل جوییم و حاجت بخواهیم، بر آن استناد

۱- عدة الداعی.

۲- بحار الانوار ج ۹۴ ص ۲۲ ح ۱۷.

می‌کنیم که سید اجل علی بن طاووس از شیخ اقدم محمد بن یعقوب کلینی - قدس الله روحه العزیز - نقل نموده به حضرت ابوالحسن علیه السلام نوشتیم:

«مردی دوست می‌دارد که نیازهای خود را به امام خود عرضه کند. آن چنان که دوست می‌دارد آن را به پروردگار خود عرض کند. او را چه باید؟» در پاسخ من نوشتند: «اگر نیازی داری لب‌های خود را حرکت ده که پاسخ تو خواهد رسید»<sup>(۱)</sup> و لذا در ماجرای ابوالوفا شیرازی که بدست «ابن الیاس» گرفتار بود، می‌خواست او را بر دار آویزد عرضه می‌دارد: «ای مولای من! ای صاحب زمان من! به تو پناهنده‌ام» ناگهان شخصی را می‌بیند از آسمان فرود آمد بر اسبی سوار و به دستش حربه‌ای بود، عرض می‌کند: «ای مولای من! شرکی که مرا اذیت می‌کند از من دفع فرما» می‌فرمایند: «دفع کردم: من درباره تو به درگاه خداوند عزوجل دعا نمودم و خداوند دعایم را مستجاب کرد» ابوالوفاء می‌گوید: چون صبح فرا رسید «ابن الیاس» مرا فرا خواند و زنجیر از من برداشت، خلعت عطا کرد و گفت به چه کسی توسل جستی؟ گفتم به کسی استغاثه کردم که پناه پناهندگان است<sup>(۲)</sup> در اینصورت، خوش است قبل از آن که به بلیه‌ای گرفتار آئیم و مولای فریادرسمان را طلب کنیم، بعد از نمازها یا به هر وقت و زمانی بخوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا أَعْنَيْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي وَ كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةَ كُلِّ مَوْذٍ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ أَعْنَيْتَنِي بِهِ

۱- ترجمه کشف المجذ ص ۲۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۴ ص ۳۵.

فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي وَ كَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوِّهِمْ وَ عَمَّ وَ دِينَ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعَ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي وَ مَنْ يَغِينِي أَمْرُهُ وَ خَاصَّتِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»<sup>(۱)</sup> یعنی:

«بارخدا یا! من از تو می خواهم به حق ولی و حجت

صاحب الزمان (عج) که مرا بر تمام امور یاریم کنی و به او

[امام زمان] شر هر گونه مودی و سرکش و ستمگری را از من

دور گردانی و به آن حضرت مرا یار کنی که تلاشم به آخر

رسیده و هر گونه دشمن و هم و غم و اندوه و قرض را از من

و فرزندانم و تمام خاندانم ر برادرانم و هر کس که کارش به

من مربوط می شود و بستگان نزدیکم. کفایت کنی، اجابت

فرمای پروردگار عالمیان!»

## خودآزمایی

### در طلبِ ظهور

غیبت مولای ما دوست و دشمن را شگفت زده کرده. طول غیبت آنان را که به ایمان حقیقتی بارور نبودند از صراط ایقان منحرف نموده. به شک و تردید مبتلایشان کرده است و مؤمنان به آنچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دربارهٔ ایام غیبت فرموده اند با حال و هوایی هزار چندان یعقوب کنعانی در انتظار قدوم مبارک حضرت یوسف فاطمه - سلام الله علیها - دقیقه شماری نموده، اغلب به او که تقرب بیشتری به امام خود دارد. می رسند، جویای زمان ظهورند و به هزاران همدل که

بر می خورند، خویش را به این تسکین و مژده می دهند «انشاء الله ظهور مولایمان نزدیک است».

لکن هزار طراری نفس که حیل‌های پنهانش می باشد اینجاست، چنان شیطنت می نماید و آدمی را رسوا نموده که بر خود لعن و نفرین فرستد. نمونه‌ای از آن را بدون مقدمه به واقعه‌ای می سپاریم که سید اجل بن طاووس در پندنامه‌ای به لحاظ فرزندشان می نویسد: «روزی به مردی که به ظاهر، دلبسته ظهور شریف آن بزرگوار است و به او دعوی وفاداری می کند و از غیبتش سوگوار و اندوهناک است، گفتم: اگر آن حضرت به تو بگوید که من از طریق پدران خود دانسته‌ام که اگر ظهور کنم به محض این که چشمت به من افتد در دم جان خواهی سپرد. اما اگر ظهور من تأخیر افتد، بیست سال دیگر با کمال خوشی با زن و فرزند و اهل و عیال خواهی زیست، آیا چند روزه زندگانی این جهان فانی را به تأخر ظهور من ترجیح نخواهی داد؟»

هم او می نویسد: «دیگر به کسی که در اظهار دوستی و مهر به آن حضرت مبالغه می کرد، گفتم اگر آن حضرت به تو ابلاغ کند که پادشاه کشور تو در ایام غیبت او روزی هزار دینار به تو می پردازد و آن مال بر تو حلال و پاکیزه است و مدتها نیز آن را دریافت خواهی داشت، پس آنگاه حضرت بزرگوار امام به تو ابلاغ فرماید که خدای تعالی اذن ظهور داده است و از این پس آن مبلغ بر تو حلال نیست، آیا تو ترجیح می دهی که غیبت به طول انجامد و آن مستمری را دریافت کنی یا حضرت او ظهور کند و مستمری قطع شود و آن را مستمری یکی از دشمنان تو قرار دهد که در رتبه از تو پائین است با این همه به

حساب و کتاب تو نیز رسیدگی نمایند؟ آیا کدام یکی از این دو را ترجیح می‌دهی؟ طول غیبت و اخذ روزی هزار دینار یا شتاب در ظهور امام و قطع آن مبلغ و پرداختن آن به دشمن تو؟<sup>(۱)</sup> پس اگر توان خود آزمائی در طلب ظهور را نداریم، لااقل در آنچه که نسبت به طلوع صبح ظهور می‌طلبیم کمی جانب احتیاط را نگاه داریم و ببینیم آیا آماده ظهور هستیم و پذیرای فیض مطلق می‌باشیم؟ یعنی حاضریم منافع شخصی ما با حضور در پیشگاه ظهور از بین برود یا خیر.

کار نگارش به این جا که رسید، داستانی در ذهن از بایگانی اندوخته‌ها نظر را به خود جلب نمود؛ نقل کرده‌اند به عصر زعامت و مرجعیت آیه الله العظمی اصطهباناتی - رحمه الله علیه - جوانی که دائماً ملتزم رکاب حضرتش می‌بود و از حال ظهور آن جناب مستفیض بوده، شبی از او می‌شنود که عرضه می‌دارد: خدایا ظهور مولایمان را به تأخیر انداز. جوان مشتاق ظهور، آشفته شده، راه ارادتمندی را مسدود داشته با حالی پریشان سر به بستر نهاد، در عالم واقعه زمان ظهور را درک کرده، به حضور مولای کریمان می‌رسد و از حضرت، تمنای خانه و درآمدی می‌کند. حضرت به ارادتمندی امر می‌نمایند که خانه و دکانی به این جوان بدهد، پس از فراهم آمدن این ضرورت لازمه زندگی، برای ازدواج اقدام نموده، حضرتش به ارادتمندی دیگر دستور می‌دهند که جوان را به دامادی بپذیرد، شب زفاف فرستاده حضرت، او را برای قیام دعوت می‌کند، می‌گوید بروید آمدم، دوباره

فرستاده می آید و می گوید فرموده‌اند: «منتظر تو هستیم برای قیام» جوان به قاصد حضرت می گوید: «برو کمی ایشان را سرگرم کن تا بیایم». سپس بار سوم قاصد می گوید. فرموده‌اند: «تا نیائی؟ یا در رکاب نخواهیم کرد.» جوان مشتاق ظهور عرض می کند: «امشب شب قیام بود؟!» از خواب بیدار می شود و به راز دعای مرجعی که شوق دیدار وجودش را پُر کرده بود می رسد. پس می باید در تقاضای ظهور و ابراز اشتیاق داشتن مراقب باشیم که صادقانه صورت شوق بر آستان حضرتش بسائیم.

## وظیفه ایام غیبت

بعضاً عده‌ای از روایات وارده استفاده‌های غیر صحیح نموده‌اند و به عده‌ای تفهیم کرده‌اند، وظیفه در ایام غیبت اینست که در مقابل انحرافات فکری و جنسی و سیاسی و اقتصادی و ... به وظائف اسلامی توجه ننموده، دو مهم امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنیم تا فساد به اعماق جامعه برسد و زمینه‌ای باشد برای تعجیل در فرج آقا و مولایمان. زیرا در روایات، زمان ظهور آنگاه تعیین شده است که فساد همه جا را بگیرد.

در صورتی که چنین برداشتی از روایات وارده، درست برخلاف وظیفه خطیر مسلمانی در قبال فرد و جامعه است. اگر چنین عقیده‌ای صحیح می بود حتماً مورد استفاده عالمان اسلامی قرار می گرفت. علاوه زمانهائی بوده است که فساد تا عمق اجتماعات تأثیر گذاشته



لکن کوچکترین اثری در فرج نداشته است.

و ما می دانیم که می باید در ایام غیبت با امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه حتمی خویش را در قبال فرد و جامعه ایفا بنمائیم و حتماً در فراهم آوردن زندگی که با معیارهای اسلامی مطابقت بنماید کوشا باشیم و حتی پس از بوجود آمدن آنچه شایستگی امام زمان را دارد خود را بیازمائیم که به راستی فرزند و خانه و همسری داریم که میزبان عزیزترین مهمانانمان باشند و آیا وسائل پذیرایی ما مورد قبول حضرتش می باشد؟ از آنچه برای خوردن و نوشیدن و خفتن تهیه کرده ایم، استفاده می نمایند؟ یا به لحاظ فساد مالی از مصرف آن خودداری می کنند؟

در این صورت وظیفه چنین نیست که در برقراری فساد به لحاظ این که زمینه ساز حضور حضرتش می باشد سهیم باشیم. علاوه در کدام متون اسلامی وارد می باشد که مسلمان معتقد و متعهد در قبال وظیفه اش نسبت به فرد و جامعه باید چنان کوتاهی کند که بی عفتی جایگزین عصمت و ناپاکی جانشین پاکی و نظیر اینها گردد؟ اگر چنین می بود حضرتش فرمانی صادر می کردند که در مقابل اشاعه فساد کوچکترین حرکتی ننموده، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنید.

## مفتاح کارهای بسته نام اوست

با کلام سید بن طاووس مطلب خود را به قید تحریر در می آوریم. به فرزندش می نویسد: «در حوادثی که بارها برای تو روی داده است به سایه حضرتش پناه برده‌ام و به دامان عنایتش دست زده‌ام و بارها آن بزرگوار را به خواب دیده‌ام، به ما انعام‌ها فرموده و نیازهای ترا برآورده است. چنان که بیان آن از قدرت من بیرون است»<sup>(۱)</sup> توسل به ذیل عنایات حضرتش را به طرق گوناگون بیان کرده‌اند. لکن بهترینش اربعین عرض ارادت و توجه به خاک پای مبارک آن نازنین‌الوجود است. زیرا مداومت به هر عبادتی یا عرض ادبی یا توسل به امامی تا چهل روز اثر خاص و فوائد ویژه‌ای دارد. به همین لحاظ ترغیب به آن در اخبار رسیده از امامان - علیهم‌السلام - بطور عموم و خصوص آمده است<sup>(۲)</sup>. مثلاً عیاشی در تفسیر خود می نویسد: وقتی اذیت و رنج بر بنی اسرائیل بطول انجامید، چهل روز به درگاه خداوند ناله و گریه کردند. خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از دست فرعون خلاص کن که صد و هفتاد سال آزار و اذیت با توسل چهل روزه از بین رفت.

۱- ترجمه کشف‌الحجّه ص ۲۳۰.

۲- جهت اطلاع وسیع یافتن به کتاب مفتدای عارفان در نگاه خاتم پیامبران چاب انتشارات سنائی رجوع نمائید

**ختم اول:**

قرآن را برای چهل روز تقسیم کنید؛ هر روز بعد از نماز صبح تلاوت نموده، هدیه به ساحت مقدس حضرت ولی عصر - روحی فدا - نمائید و یا اگر توانائی داشتید چهل روز یا چهل شب جمعه یا روز جمعه سی نفر از ارادتمندان و مؤمنین هم دل را دعوت کرده، هر جزء از قرآن را کسی عهده‌دار شود بخوانند. پس از اتمام قرآن که در یک روز یک قرآن می‌شود، هدیه به آقایمان نمایند حاجتشان روا خواهد شد.

**ختم دوم:**

این مسلم است که صلوات دارای فوائد دنیوی و اخروی می‌باشد و ما در رساله شریفه «هدیه خدا» به جزئیات آن اشاره کرده‌ایم. توسل به حضرت فریادرس ستمدیدگان و دردمندان از نوع بهترین توسلهاست.

و این به چند طریق امکان‌پذیر است، طریقه فردی روزانه تا یک اربعین - چهل روز - که به صور گوناگون عمل می‌شود و به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم.

**طریقه یکم:**

صبح‌ها و مغرب‌ها ۵۹ یا ۱۱۰ مرتبه تا چهل روز بگوید:  
 اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ وَ لِيٍّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ» در انتهای هر کدام حاجت خود

را در ذهن یادآورید.

### طریقه دوم:

پنججاه و نه هزار که مساوی با نام مبارک مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» می باشد تا چهل روز به ترتیبی که متذکر می شویم مداومت نمائید، بعد از هر نماز یومیه که در پنج نوبت خوانده می شود ۲۹۵ مرتبه صلوات بفرستید؛ هدیه به ساحت مقدسه حضرت نمائید که در چهل روز می شود پنججاه و نه هزار مرتبه.

### طریقه سوم:

بعد از هر نماز تا چهل روز ۲۸۰۰ مرتبه صلوات به ساحت اقدس مولای کریم هدیه نمائید که مجموع آن در روز می شود چهارده هزار مرتبه و در چهل روز چهار صد و شصت هزار می شود.

### طریقه چهارم:

از نیمه شب تا نیمه شب بعد روزی هزار مرتبه صلوات بعد از نماز صبح به ساحت مقدسش هدیه نماید و حاجت طلب کند که مجرب است.

### طریقه پنجم:

والده مجلله ایشان را باب توسل قرار داده، نخست یک سوره

یس تلاوت نموده، هدیه به آن حضرت کند. یا یک ختم برای حضرتش بیرون داده تا بخوانند و ۳۱۳ مرتبه صلوات نیاز حضور آن مجلله نموده، سپس ۱۱۰ مرتبه بگوئید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ» حاجت بخواهد روا شود.

### ختم سوم:

مداومت چهل روزه به دعای شریف عهد که حضرت امام صادق علیه السلام به آن توجه داده‌اند که در چنین مواقعی امام ضامن حاجت‌روائی است البته با در نظر داشتن این که خواسته آدمی برخلاف موازین شرع و عطوفت و لطف الهی نباشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ  
مَنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مَنْزِلَ الْقُرْآنِ  
الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ  
أَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَ الْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا  
حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيٌّ يَا مُجِيبَ الْمُوتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ  
وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
مَغَارِبِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِّ وَ الْوَالِدِيَّ وَ الْوَالِدِيَّ وَ

إِخْوَانِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ  
أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي  
عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهٗ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ  
وَ الْمُتَّبَلِّغِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ  
وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْتِي وَ بَيْتَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا  
فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا فَنَاقِي مُلَيِّيًا دَعْوَةَ  
الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي.

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ أَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي  
إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَ أَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ  
أَمْرَهُ وَ أَشَدِّدْ أَرْزُهُ وَ أَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ  
قَوْلِكَ الْحَقُّ: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) فَأُظْهِرِ  
اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ أَبْنِ وَ لِيكَ وَ أَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِأَسْمِ رَسُولِكَ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ وَ يُحِقِّقَ الْحَقَّ وَ  
يُحَقِّقَهُ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا  
غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ  
دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمْنٌ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ  
الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى  
دَعْوَتِهِ وَ أَرْحَمُ أَسْتَكَانَتِنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ

عَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرِيهِ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

### ختم چهارم:

وقتی دچار بلیه‌ای شدید که جز راهنمایی غیبی چاره‌ای در کار نیست، می‌باید یک اربعین با وضو رو به قبله پس از ۱۱۰ مرتبه صلوات که هدیه به حضرتش می‌نمائید هر روز به عدد «ابا صالح» که ۱۳۳ مرتبه است بگوئید «یا ضالِحُّ یا ابا ضالِحٍ اَرْشِدُونَا اِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمُكُمُ اللهُ» یعنی: «ای صالح، ای ابا صالح ما را راهنمایی کنید خداوند شما را رحمت کند».

### ختم پنجم:

برای برآمدن حاجات چهل روز دعای شریف توسل را بخوانید به نام مبارک حضرت حجة بن الحسن - روحی فداه - که رسیدید، آن فقره مقدسه را ۵۹ مرتبه تکرار کنید و در جای خودش حاجت را به زبان آورید.

### ختم ششم:

وقتی مبتلا به بلیه‌ای شدید که شما را مضطر کرد، هر روز صبح یکی از زیارت‌های وارده حضرت را انتخاب نموده بخوانید؛ بعد از آن ۵۹ مرتبه عرضه بدارید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ أُمَّرِكَ الْقَائِمِ» سپس حاجت خویش را به عرض مبارک حضرتش برسانید. چهل روز این عرض ادب را تکرار نمائید.

**ختم هفتم:**

برای رسیدن به حوائجی که شما را در تنگنا قرار داده است، چهل روز بعد از هر نماز ۵۹ مرتبه به عدد نام مهدی یا ۱۳۳ مرتبه به عدد نام اباصالح یا مجموعه آن اعداد که می شود ۱۹۲ مرتبه و این عدد بهتر است، بگوئید «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَا صَالِحِ الْمَهْدِیِّ يَا اَبَا صَالِحِ الْمَهْدِیِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اَدْرِکْنِی» حاجت خویش را از ذهن بگذرانید.

**ختم هشتم:**

سیدعلی خان شیرازی به عنوان استغاثه به امام زمان عجل الله فرجه نقل کرده است که در جائی باز زیر آسمان دو رکعت نماز به هر سوره که خواهید به جا آورید ولی بهتر است در رکعت اول بعد از حمد، سوره انا فتحنا و در رکعت دوم بعد از حمد، نصر خوانده شود بعد از اتمام نماز در حال ایستاده بخوانید.

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْغَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّاعَةُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ  
التَّامَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَليِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ خَلِيفَةَ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ  
سُلَالَةَ النُّبُوَّةِ وَ بَقِيَّةَ الْعِثْرَةِ وَ الصَّفْوَةَ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ  
أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ وَ الْحُجَّةِ  
الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الْمُرْتَضَى وَ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ  
بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهَدَاءِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ



عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ  
 الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا بِنَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْأُئِمَّةِ الْحُجَّجِ  
 الْمُعْصُومِينَ وَ الْأِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ  
 مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْمُهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا وَ أَنْتَ الَّذِي  
 تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَكَ  
 وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ  
 مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي  
 الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَّ  
 رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا حَاجَاتِ خُودِ رَاذِكِرْ كَيْدِ فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ  
 تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِيَعْلَمَ أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَ مَقَامًا  
 مَحْمُودًا فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَ ارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ  
 عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعَائِي وَ كَشْفِ  
 كُرْبَتِي وَ بَخَوَاهِ هَرَّجِهِ حَوَاهِي بَرَّأوردده می شود انشاء الله تعالی.

### ختم نهم:

مداومت به این ذکر را تا چهل روز نصب العین قرار دهید تا به  
 حوائج خود نائل آئید. مشایخ حقیر - قدس الله ارواحهم - بر این عقیده  
 بوده‌اند که این دستورالعمل از ناحیه مقدسه حضرتش جهت رفع  
 شدائد و تنگی‌ها شرف صدور یافته، بعد از نماز صبح ۷۰ مرتبه

بگوئید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ  
أَدْرِكْنِي وَلَا تُهْلِكْنِي» البته ۷۱ مرتبه هم وارد است.

### ختم دهم:

اهل دل قبل از اذان صبح برای رسیدن به قرب حضرتش، یا  
برای رهایی از فشاری که چاره آنها را سلب کرده و امیدشان را از هر  
نجات دهنده‌ای قطع نموده است، هزار یا هزار و یک یا یازده هزار  
مرتبه گفته‌اند: «الْعَوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» و این را یک اربعین  
مداومت نموده‌اند، نتیجه‌ها دیده‌اند.

### ختم یازدهم:

بعضی بر این فقره از دعائی که حضرت تعلیم فرموده‌اند، چهل  
روز مداومت نموده‌اند به نتیجه رسیده‌اند: «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ  
اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ اَنْصِرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ  
الْعَوْثُ الْعَوْثُ الْعَوْثُ اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ  
الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ»

### ختم دوازدهم:

هرگاه به کسی ستم شد، بهتر است بعد از تمام نمازها تا چهل روز  
این فقره از دعای ندبه را به عدد نام مبارک محمدمهدی که می‌شود  
۱۵۱ بگوئید: «يَا مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُدَّلُّ الْأَعْدَاءِ اَدْرِكْنِي»

**ختم سیزدهم:**

آنهایی که آرزوی اجر افضل الاعمال را که انتظار فرج است دارند و می‌خواهند اگر اراده الهی در زمان حیات آنان تعلق به ظهور نگرفت، لااقل با فیض انتظار فرج، صورت عبودیت را برخاک گذارند، بعد از نماز صبح ۱۰۰ مرتبه بگویند: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَ شِيعَتِهِ».

**ختم چهاردهم:**

چهل روز برای رسیدن به حاجت مداومت شود. دارای فیوضات خیره کننده‌ای است. «الْغَوْثُ وَالْأَمَانُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» ۵۹ مرتبه بگوئید سپس در انتها ۱۱۰۰ مرتبه یا صاحب الزمان را تکرار کنید.

**ختم پانزدهم:**

در بروز گرفتاریهای خطرناک که سلامتی و رزق و آبرو و آرامش آدمی را به خطر می‌افکند، چهل روز بعد از هر نماز ۵۹ مرتبه گفته شود: «يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ اِدْرِكْنِي سَيِّدِي اِدْرِكْنِي وَ لَا تُهْلِكْنِي».

**ختم شانزدهم:**

برای دفع شرّ اهل زمان، چهل روز بعد از هر نماز ۵۹ مرتبه متذکر باشید «الْمُسْتَعَاثُ بِكَ! يَا مُغِيثَ الْمُسْتَعَانِ الْأَمَانَ الْأَمَانُ مِنْ شَرِّ أَهْلِ الزَّمَانِ».

**ختم هفدهم:**

هرگاه در امری درمانده شوید و بیم هلاکت از هر سو نزدیک شد، یک اربعین بعد از تمامی نمازها ۵۹ مرتبه بخوانید «يَا بْنَ الزَّهْرَا وَالْمُصْطَفَىٰ أَذْرِكُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي»

**ختم هیجدهم:**

برای دستگیری حضرت در حالی که در امری درمانده شده‌اید، بعد از نماز ۵۹ مرتبه بگوئید «يَا بْنَ طَاهَا مَهْدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ أَذْرِكُنِي» تا چهل روز ادامه داده شود.

**ختم نوزدهم:**

هرگاه احساس کردید که به ناصری غیبی محتاج هستید تا شما را مدد دهد ۵۹ روز بعد از نمازهای یومیه ۵۹ مرتبه بگوئید: «السَّلَام عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الْعَصْرِ، يَا أَبَا النَّصْرِ أَذْرِكُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي».

**ختم بیستم:**

وقتی در معرکه‌ای درمانده شدید و راه چاره از هر سوی به رویتان مسدود شد ۵۹ روز بعد از نمازهای یومیه ۵۹ مرتبه بگوئید: «يَا بْنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ وَابْنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ أَذْرِكُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي».

**ختم بیست و یکم:**

آن عده از شیعیان که آرزوی درک فرج مولایمان را دارند، هر روز ۵۹ مرتبه به این ذکر مداومت داشته باشند «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» که اگر به اراده الهی ظهور کلی رخ ندهد، حتماً بدون تردید ظهور شخصی فراهم می‌آید.

**ختم بیست و دوم:**

هرگاه در امری مظلوم واقع شدید. اگر بتوانید بدون عدد، لکن بطور مداوم در روز و شب حتی اگر خواب بودید ناگهانی بیدار شدید بگوئید «يَا أَبَا النَّصْرِ إِنِّي مَظْلُومٌ فَانْتَصِرْ»

**ختم بیست و سوم:**

چون قلب حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - متوجه به حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - ست و ولی خون حضرتش می‌باشند، روزانه ۱۳۵ صلوات هدیه به فاطمه زهرا نموده، در پی آن نیز ۵۹ مرتبه بگوئید یا حجة بن الحسن بحق فاطمه ادرکنی . این را چهل روز ادامه دهید.

**ختم بیست و چهارم:**

برای توسل به مقام ولایت عظمی به عدد نام مبارک حضرتش

در پی هر نماز و در بستر قبل از خواب و در بستر به هنگام بیداری پیش از بلند شدن ۵۹ مرتبه بگوئید «یا ابا صالح المهدی ادرکنا» چهل روز ادامه دهید.

### ختم بیست و پنجم:

آنگاه که در امری مضطر شدید و راه چاره‌ای برای خلاصی نیافتید، در هر حالی بدون عدد بگوئید «یا غیاث المضطر المستکین» چهل یا پنجاه و نه روز ادامه دهید.

### ختم بیست و ششم:

برای رفع گرفتاری و مشکلاتی که شما را رنج می‌دهد، رو به قبله بعد از تمام نمازهای یومیه، سلام ثلاثه معروفه را بخوانید؛ در انتها که رو به قبله ایستاده‌اید ۵۹ مرتبه بگوئید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَّ الْحَسَنِ اَدْرِكْنِي».

### ختم بیست و هفتم:

توسل به حضرت را در نمازهای یومیه با صلوات که بعد از ذکر رکوع و سجود قبل و بعد قنوت به صورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ» یا بصورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ» و در سجده آخر هفت مرتبه «الْمُسْتَفَاتِ بِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» انجام دهند.

از عزیزانی که سعادت توسل داشته‌اند، اگر به ذکری متوسل بوده‌اند، برای این مسکین ارسال دارند که مجموعه ما بی نقص باشد.

## عریضه به حضور فریادرس

نگارش عریضه به ساحت قدس امامان علیهم السلام از جمله سنن دیرینه نزد شیعیان می‌باشد که به تأیید معصوم علیه السلام نیز رسیده است. قطب راوندی در کتاب «خرائج» از محمد بن الفرّج روایت می‌کند که می‌گوید حضرت علی بن محمد علیهما السلام به من فرمود: «اگر بخواهی پرستی کنی آن را بنویس و در ریر مصلاّی خود بگذار و ساعتی صبر کن سپس آن را بگشای و در آن بین.» او می‌گوید چنین کردم و پاسخ پرستش خود را با توقيع و امضاء حضرتش دریافت کردم<sup>(۱)</sup> مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید ابراهیم میلانی - قدس الله روحه - نیز عجیب‌تر آن را فرمودند، جناب ایشان در درس اخلاق که توأم با طرح بغرنج‌های ولایت به هنگام تهاجم مخالفین ولایت می‌بود به موضوعی اشاره نمودند که یکی از عموزادگان حضرت ایشان عریضه‌ای به مولی الموالی قطب المعصومین علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - نوشته بودند و مفتخر به جواب گردیده و به فیض مستجاب الدعوه‌ای نیز مستفیض شده بودند. مشتاقان لقاء وجه الله الاعظم که بقیه خدا روی زمین است، امثال سید امام اوحد، عالم عامل، فقیه کامل، علامه فاضل عابد عارف مجتهد محقق مخلص رضی الدین

رکن الاسلام و المسلمین افتخار آل طه، جمال العارفين افضل السادات، ذوالحسبين ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد طاووس علوی فاطمی داوودی سلیمانی و دیگرانی چون او به عریضه نویسی به حضور مولای کریم اشاره داشته اند و ما به آنچه ابوجعفر طوسی - قدس الله روحه العزیز - آورده اند اکتفا کنیم، رقعه امام زمان اینست:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ رَبِّ الْأَرْبَابِ  
وَ قَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ كَاشِفِ الضُّرِّ الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ مَا  
كَانَ وَ مَا يَكُونُ مِنْ عَبْدِهِ الذَّلِيلِ الْمِسْكِينِ الَّذِي انْقَطَعَ بِهِ الْأَسْبَابُ وَ طَالَ  
عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَ هَجَرَهُ الْأَهْلُ وَ بَايَنَهُ الصِّدِّيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهِنًا بِذَنْبِهِ قَدْ  
أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ وَ طَلَبَ النَّجَافِلِمَ يَجِدُ مَلْجَأً وَ لَا مُلْتَجَأً غَيْرَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعَقْدِ  
وَ مُؤَبَّدِ الْأَبَدِ فَفَزَعَنِي إِلَيْهِ وَ اعْتَجَدْتَنِي عَلَيْهِ وَ لَا لُجْأً وَ لَا مُلْتَجَأً إِلَّا إِلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي وَ بِنُورِكَ الْعَظِيمِ وَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِحُجَّتِكَ  
الْبَالِغَةِ إِنْ تُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ  
دَعْوَتَهُ وَ تُقِيلُ عَثْرَتَهُ وَ تَكْشِفُ كُرْبَتَهُ وَ تُزِيلُ تَرْحَتَهُ وَ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ فَرَجاً  
وَ مَخْرَجاً وَ تَرُدَّ عَنِّي بَأْسَ هَذَا الظَّالِمِ الْغَاشِمِ وَ بَأْسَ النَّاسِ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَ  
النَّاسِ حَسْبِي أَنْتَ وَ كُنْفِي مَنْ أَنْتَ حَسْبُهُ يَا كَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ فَإِنَّهُ لَا  
حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.»

و نسخه دیگر از عریضه را که محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از کتاب انیس العابدین تألیف محمد بن محمد الطیب نقل فرموده می آوریم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - سلمت الیک یا ابا القاسم محمد بن الحسن بن



علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب النبأ العظیم و الصراط المستقیم و عصمة اللاجین بامک سیده نساء العالمین و بآبائک الطاهرین و بامهاتک الطاهرات بیس و القرآن الحکیم و الجبروت العظیم و حقیقة الایمان و نور النور و کتاب مسطور ان تكون سفیری الی الله تعالی فی قضاء حاجتی.»

پس حاجت خود را بنویسد و در گل پاکی بگذارد و در آب جاری یا چاهی بیاندازد و در آن حال بگوید:

«یا سعید بن عثمان و یا عثمان بن سعید أو صلیا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله علیه.»

و نسخه دیگری که محدث خبیر، حاج شیخ عباس قمی -رحمة الله علیه - از تحفة الزائر مجلسی و مفاتیح النجاة سبزواری نقل کرده است می آوریم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثاً و شکوت ما نزل بی مستجیراً بالله عزّ وجلّ ثم بک من امرٍ قد دهنی و اشغل قلبی و اطال فکری و سلبنى بعض لبی و غیر خطیر نعمه الله عندی اسلمنی عند تخیل و روده الخلیل و تبرّء منی عند تُرائی اقباله الی الحمیم و عجزت عن دفاعه حیلتی و خانتی فی تحمّله صبری و قوّتی فلجأت فیهِ الیک و توکلت فی المسئلة لله جلّ ثنائه علیه و علیک فی دفاعه عنی علماً بمکانک من الله ربّ العالمین ولیّ التدبیر و مالک الامور و اتقأ بک فی المسارعة فی الشفاعة الیه جلّ ثنائه فی امری متیقناً لأجابته تبارک و تعالی ایّاک باعطاء سؤلی و انت یا مولای جدیرٌ بتحقیقِ ظنی و تصدیقِ أملی فیک فی امر کذا و کذا و به جای کذا و کذا حاجت خود را بنویسد و تصریح به آن کند. فیما لا طاقة لیبی بحمله

و لا صبر لی علیه و ان كنت مستحقاً له و لأضعافه بقبيح افعالی و تفریطی  
 فی الواجبات الّتی لله عزّوجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک  
 عنداللهف و قدم المسئلة لله عزّوجل فی امری قبل حلول التلف و شماتة  
 الأعداء فبک بسطت النعمة علیّ و اسئل الله جلّ جلاله لی نصراً عزیزاً و  
 فتحاً قریباً (و در نسخه ای و رزقا واسعا حلالاً طیباً).

فیه بلوغ الآمال و خیر المبادی و خواتیم الأعمال و الأمن من المخاوف  
 کلّها فی کلّ حال إنّه جلّ ثنائه لما یشاء فعّال و هوّ حسبی و نعم الوکیل فی  
 المبدء و المال.

آنگاه بر بالای نهر یا چاه یا غدیر برآید و اعتماد بر یکی از  
 وکلای حضرت نماید یا عثمان ابن سعید العمروی یا فرزند او  
 محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد سمری و یکی از  
 آنها را ندا نماید و بگوید:

«یا فلان ابن فلان مثلاً (یا حسین بن روح) سلامٌ علیک اشهدُ أنّ  
 وفاتک فی سبیلِ الله و انک حیی عند الله تعالی مرزوقٌ و قد خاطبتک فی  
 حیوتک الّتی لک عند الله عزّوجلّ و هذه رُفعتی و حاجتی الی مؤلانا  
 علیه السلام فسلمها الیه و أنت الثقة الامین.»

پس نوشته را در نهر یا چاه یا غدیر بیندازد که حاجت او برآورده

می شود.

## فیض ملاقات

بدون تردید فیض ملاقات از سال ۲۶۰ که آغاز غیبت صغری است تا عصر حاضر نصیب هزاران تن از شیفتگان صادق و منتظران عاشق و مستعدان لایق که به طریقه قرآن و عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام سلوک کرده‌اند و آنی از صراط مستقیم ولایت منحرف نشده‌اند، بل پیوسته دیده به وجه‌الله الاعظم باز نموده. «بهرسو بنگرم روی تو بینم» برای آنان تحقق یافته، گردیده است.

لکن آنچه در این رابطه سؤال انگیزی می‌کند، توقیع مبارک و شریفی است که از ناحیه مقدسه به افتخار علی بن محمد سمری، شرف صدور یافته و حضرتش مرقوم داشته‌اند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادران تو را در مصیبت تو بزرگ گرداند، به درستی که تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد، پس آماده مرگ باش و به احدی وصیت مکن که بعد از وفات تو قائم مقام تو باشد، زیرا به تحقیق غیبت تأمه واقع شد و دیگر ظهور نیست. مگر بعد از اذن خدایی که ذکر او بلند است و آن ظهور بعد از طول زمان، سخت شدن دلها و پُر شدن زمین از جور، خواهد بود و زود باشد که در میان شیعیان کسانی بیایند که ادعای

مشاهده کنند، آگاه باشید! هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، کذاب و افتراء زننده است ولا حول ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>(۱)</sup>.

بطوری که ملاحظه می‌نمائید، حضرت مدعی رؤیت را کذاب دانسته‌اند. تولید سؤال می‌نماید آیا با این جملاتی که در نامه حضرت آمده، می‌توان گفت ملاقات با حضرتش ممکن است؟!!

در جواب می‌باید توجه عزیزان را به این جلب نمود اگر جملات قبل از جمله «أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ» را که در توضیح آمده، در نظر بگیریم. جواب سؤال داده می‌شود؛ به قرینه جملات قبل، مقصود از «مشاهده» ادعای نیابت است یعنی: «هرکس ادعا کند که من نایب خاص امام زمانم و می‌توانم همچون چهار نایب خاص، حضرت را ببینم کذاب و افتراء زننده است».

موضوع قابل توجه دیگر این که مقصود از مشاهده، دیدن توأم با شناخت است. پس هر کس ادعا کند که من «حضرت را دیدم و شناختم» کذاب و مفتری است و چنانچه از حکایات و قصص افرادی که خدمت حضرت رسیده‌اند استفاده می‌شود، آنها که سعادت شرفیابی نصیبشان گردیده، حضرت را در اول ملاقات نشناخته‌اند؛ مگر آن بزرگوار خود را معرفی کرده باشد. یا با قرائن فهمیده‌اند که حضرت مولای کریمان بوده‌اند.

علاوه موضوعی را از مرحوم نادره دوران، وحید زمان، حاج شیخ محمدتقی بافقی - قدس‌اله روحه العزیز - نقل کرده‌اند که در جواب

سؤال: «آیا باب ملاقات با امام عصر علیه السلام باز است یا نه؟ فرموده‌اند: «به ادله اربعه<sup>(۱)</sup> باز است» که ما می‌توانیم در کتابهای بسیاری مانند بحارالانوار و اثبات الهداة و غیبه طوسی و تحفه قدسی ترجمه. الزام الناصب و نجم الثاقب و صدها کتاب دیگر، موارد زیادی از تشریف افرادی را که خدمت حضرت رسیده‌اند، نقل شده است و تمامی آنان از مؤمنین تمام عیار بوده‌اند، از نظر بگذرانیم و فیض‌ها ببریم و هم حسرتها بخوریم که چرا از قافله وفاداران به امانت عقب مانده‌ایم.

سحر ز هاتف غیبی به گوشم این ندا آمد  
تو گفتی کان ندا چون وحی منزل از خدا آمد  
که ای بیمار درد و غم ز جا برخیز و شادی کن  
که از دارالشفای درد تو را امشب دوا آمد

**شَرَفِ دِیدارِ**  
**حَضَرَتِ دِلدارِ**

## تفاضای فیض دیدار

سعادت دیدار حضرتش در دو صورت نصیب شیفته بی قراری که به بقیه خدا روی زمین دل داده است، می گردد: نخست این که زمان ظهور را درک کند و نائل به زیارت وجه الله الاعظم ولی الله الاکبر گردد و دیگر این که ظهور فردی صورت پذیرد. یعنی شائق دیدار که مشتاق زیارت دلدار عالمیان است، با به کارگیری دستورالعملهای سلوکی، خود را آماده توسل برای رؤیت نماید و بسیار بوده اند کسانی که به چنین شرافتی نائل آمده اند.

البته باید دانست این سعادت زمانی از در سخا درخواهد آمد که آدمی زمینه نزول اجلالش را فراهم آورد. یعنی شایستگی دیدار حضرت بقیه الله فی الارضین که ناموس الله اکبر است، کسب کرده باشد و این به دستورالعملهایی خاص بستگی دارد.

## یقین به دیدار

نخست شائق رسیدن به جنة اللقا باید به این یقین بارور باشد که راه به سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باز است. سید بن طاووس - رحمه الله علیه - به فرزندش می نویسد: «راه بسوی امام تو علیه السلام برای هرکس که خداوند عنایت و احسان نسبت به او را می خواهد

باز است»<sup>(۱)</sup> که معصوم علیه السلام به این بشارت داده‌اند. حمیدبن المثنی کوفی عربی عجلای معروف. ۲- ابوالمعز. ثقه جلیل‌القدر روایت می‌کند از حضرت امام کاظم علیه السلام شنیدم: «هرکس به سوی خداوند حاجتی دارد و می‌خواهد ما را ببیند و منزلگاه خودش را [در آخرت] بداند. پس سه شب غسل کند در حالی که بوسیله ما [به درگاه الهی] مناجات نماید که همانا ما را خواهد دید و آمرزیده خواهد شد و جایگاهش بر او پوشیده نمی‌ماند»<sup>(۲)</sup>. یا حضرت امام صادق علیه السلام هم می‌فرمایند: «هرگاه کسی از شما تمنای [دیدن] قائم علیه السلام را داشت. پس آرزویش چنین باشد که در عاقبت آن جناب را ببیند»<sup>(۳)</sup>.

در اینصورت رؤیت و تشریف از جمله یقین‌هایی است که می‌باید به آن بارور بود تا شوق دیدار بوجود آید، و الا اگر به این یقین پُر نباشیم، حتماً اشتیاق زیارت حضرتش دامن جان را نمی‌گیرد.

## راه رسیدن به امام زمان

همان گونه که رسیدن به خدا بسیار سخت و دشوار است. زیرا تعلقات نفسانی و دلبستگی‌های شیطانی موجب می‌شوند کوشش تقرب‌جویی به جایی نرسد. راه رسیدن به حضور اقدس ولی نعمت بزرگوارمان حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا لئراب مقدمه الفداء -

۱- کشف‌المعجزة: ص ۱۵۴.

۲- بحارالانوار ج ۵۳ ص ۳۲۸ جنة‌الماوی میرزا حسین نوری فائده ثانیه.

۳- روضه کافی، ج ۸ ص ۲۳۳ ح ۳۰۶.



به همین لحاظ سخت و بدون تردید نیاز به طی مراحل خواهد داشت. چنانکه عالمان پرجسته دینی اشاره دارند: «راه یافتن به خدا خیلی مشکل است و برای ما آلوده‌ها میسر نیست؛ مگر آن حضرت کاری کند. اما راه به سوی ولی عصر - ارواحنا فداه - هم خیلی دشوار است و به آن بزرگوار نیز دست رسیدن. آسان نیست»<sup>(۱)</sup> پس می‌باید با مقدماتی راه مشکل را که خود مشکل نموده‌ایم، یعنی خودمان حجاب شده‌ایم، زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند: لا حجاب بینه و بین خلقه إلا خلقه»<sup>(۲)</sup> یعنی: «هیچ حجابی بین او و مخلوقش جز خود مخلوقات در میان نیست.» که به‌راستی «تو خود حجاب خودی، از میان برخیز» سهل و آسان بنمائیم، موانع رسیدن را از میان برداریم تا نائل به فیض دیدار شویم و ما به ترتیبی که مشایخ بزرگوارمان به بعضی از خواص مورد توجه فرموده‌اند، تاسی می‌جوئیم: انشالله به حرمت محمد صلی الله علیه و آله و آل طاهرین علیهم السلام آن نازنین وجود، به‌کارگیری آن برای شما عزیزانم توأم با فیض دیدار باشد. «این دعا را از همه خلق جهان آمین باد»!

## مرحله اول:

۱ - طالب شائق دیدار، می‌باید نخست برای این مهم قصد اربعین نماید، چهل شبانه روز دستورالعملی را نصب‌العین قرار دهد. زیرا

۱- پیام امام زمان عجل الله فرجه، ص ۲۲۴.

۲- ترجمه رساله الرایة علامة طباطبائی ص ۱۲.

حضرت خواجه کائنات محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»<sup>(۱)</sup> و این چله‌داری نمی‌باید شباهتی به چله‌نشینی صوفیه داشته باشد. با غسلی که علامه سیدمهدی نجفی، مشهور به بحرالعلوم مستحب دانسته<sup>(۲)</sup> آغاز کند.

۲ - در حالیکه جسم او به امورات روزانه‌اش اشتغال دارد، باطنش را از هرگونه آمیزش بازداشته که چله‌داریش نه به رهبانیت شباهت پیدا کند و نه از فیض خلوت‌گزینی بی‌بهره باشد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «وَلَا تَكُونُوا كَرُهْبَانِيَّةِ النَّصَارَى» یعنی مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش نگیرید<sup>(۳)</sup>.

۳ - سپس مایحتاج مصرفی این اربعین‌نشینی را از مال طیب و طاهر تهیه نماید و بداند که اگر وجوه شرعی را پرداخت نمی‌کند، تصرف در مالی نموده است که به او تعلق ندارد؛ پس می‌باید بطور حتم و یقین به این مهم قبل از شروع به اربعین توجه داشته باشد تا زحمت اربعین‌داری هدر نرود و بی‌خاصیت نباشد.

۴ - سپس وقتی حتی از خوردن و نوشیدن و پوشیدن شبهه‌ناک در امان بود، می‌باید در مصرف خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها اسراف ننماید؛ زیرا حضرت علی عظیم در قرآن مجید کریم، اسراف را مورد نکوهش قرار داده‌اند و در حق اسراف‌کننده «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

۱. آشنائی با علوم اسلامی شهید مطهری ص ۱۶۸.

۲. ترجمه مکیال المکارم ج ۲ ص ۵۲۹ - ۳. نهج‌الصحاح ص ۲۲۹. ش ۱۱۴۵.

المُسْرِفِينَ»<sup>(۱)</sup> و فرموده‌اند: حتی در صرف اوقات زندگی اسراف نکند. به این معنا همانطور که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زمان را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند، تقسیم‌بندی نماید و از حقوق هیچ کس صرف دیگری نکند.

۵- مبادا از کسب و کارش که امرار معاش می‌نماید صرف‌نظر نموده، به طاعات و عبادات پردازد. حتی نباید از زمانی که می‌باید در خدمت اعضاء خانواده‌اش باشد، به لحاظ عبادات خاصه کم بگذارد. زیرا نارضایتی اشخاصی که بر انسان حقی دارند در بی تأثیری این دستورالعمل اثر مستقیم دارد.

۶- جز به ضرورت سخن نگوید. پرگوئی آدمی را به غیبت و تهمت و نظائر اینها می‌کشاند که بزرگان اهل معرفت برای خاموشی خواص زیادی نقل کرده‌اند؛ شیخ شهید ما، نجم‌الدین کبری، شرط دوم خلوت‌نشینی را خاموشی می‌داند<sup>(۲)</sup>. لقمان به فرزندش نیز می‌فرماید «لو كان الكلام من فضه كان السكوت من ذهب»<sup>(۳)</sup> یعنی: اگر گفتن از نقره بودی، خاموشی از زر است.

۷- از پرخوابی فرار کند، زیرا فرموده‌اند: «علامت روندگان، بیداری باشد هر که بختسبد به منزل نرسد»<sup>(۴)</sup>.

۸- از خطایا و معاصی که مورد لرزش قلب مطهر و منور و مقدس مولای کریم شده است، توبه نموده که توبه از معاصی، نوعی

۱- اعراف: ۳۰.

۲- دو رساله عرفانی از نجم‌الدین کبری نصیح اینجانب ص ۳۱۸.

۳- دو رساله عرفانی ... ص ۳۴۰.

۴- عین‌الحیوة ص ۱۹۸.

طهارت می باشد. زیرا نجاستی که از هر گناهی عاید باطن می شود، جز با توبه ازاله نمی گردد.

۹ - سلاح این مجاهدت با نفس را برگیرد که فرموده اند «الْوُضُو سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»<sup>(۱)</sup> و تا وضویش باطل نشده است، وضو بسازد که «الْوُضُو عَلَى الْوُضُو نُورٌ عَلَى نُورٍ»<sup>(۲)</sup> قاعده ای پسندیده است. مهمتر این که سیره مؤمنان می باشد. زیرا فرموده اند: «لَا يُحَافِظُ عَلَى الْوُضُو إِلَّا مُؤْمِنٌ»<sup>(۳)</sup> و هم به اعتبار «و اسبغ الوضوء فی السبرات»<sup>(۴)</sup> سبب رفع درجات است و این که «الْوُضُو سَطْرُ الْإِيْمَانِ»<sup>(۵)</sup> وضو نصف ایمان می باشد.

با در نظر داشتن این مقدمات توجه به دستورات ذکرى نموده، مراحل ذکر را در نظر داشته باشد که اگر به سیره مشایخ ما عمل کند. نتیجه مطلوبی عایدش خواهد شد.

♥ الف: تلفظ صورت ظاهری ذکر را به خوبی یاد داشته باشد و معنای آن را نیز بشناسد و بداند.

♥ ب: نخست زبان را به ذکر مانوس کند که این با لقلقه لسان فرق می کند.

♥ ج: معنای ذکر را که شناخته دارد و به باطن انتقال دهد مثلاً اگر «لا اله الا الله» می گوید، موقعی معنای

۱- مصباح الهدایه منفتح الکتابه ص ۲۸۹.


۲- محجذ البیضاء ج ۱ ص ۳۰۲ و من لا یحضره لافقیه ج ۱ ص ۲۶ و فتوحات مکیده ج ۵ ص ۲۱۲ و ۱۳۵.


۳- سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۴- فصل الخطاب ص ۲۰۷ و فیض القدیبر ج ۱ ص ۴۸۴.

۵- نهج الفصاحه، ص ۶۴۳ ش ۳۱۹۹ و ۱۷۸۲ ص ۳۷۹.

ذکر، انتقال یافته که بر غیر خدا خط بطلان کشیده باشد و یا اگر به استغفار متذکر است، آثار معاصی را محو شده بیند.

د:  صورت ظاهریه ذکر را چنان بر باطن مسلط کند که اگر به زبان گوید، دم و بازدم نیز همان راهمراه داشته باشد و این موقعی فهمیده می شود که دم و بازدم را مورد توجه قرار دهد.

ه:  این که اگر زبان از ذکر باز ایستد و دم و بازدم متذکر بود، سعی کند ذهن نیز به همان ذکر متذکر باشد. اینجاست که تمام وجود پُر از همان ذکر می شود و وقتی تخلیه بنمائید، یعنی ذهن را از هر گرفتاری فارغ نمائید، دقت کنید ذهن هم متذکر است و آنگاه در پی نمازهای روزانه ۷۷ مرتبه بگوئید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و همچنین بنا بر دستور قرآن در اسحار نیز به استغفار مشغول باشید. چهل روز مدت زمانی است که می باید به این وظائف طی شود.

## مرحله دوم:

با همان خصوصیت‌های اربعین اول، بعد از تمام فرایض روزانه به استغفار اشتغال داشته باشد سپس ۵۹ مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ» یعنی: «بارخدا یا آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنما»<sup>(۱)</sup> و ۵۹ مرتبه نیز بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَ لِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ» یعنی: «بارخدا یا از تو مستلت دارم که ولی امرت را به من بنمایی در حالی که فرمانش نافذ باشد»<sup>(۲)</sup>.

## مرحله سوم:

در این اربعین، تمام خصوصیت‌های قبل باید مراعات گردد. بعد از هر نمازی به دعای عهد مداومت شود. زیرا امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، امام (محمّد) بن الحسن - علیه و علی آبائه السلام - را در بیداری یا خواب خواهد دید»<sup>(۳)</sup> و در شبهای جمعه سوره مبارکه بنی اسرائیل را تلاوت نماید که حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی‌میرد تا این که قائم - علیه السلام - را

۱- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۱.

۲- از دعای عمزی.

۳- بحار الانوار ج ۸۶ ص ۶۱ باب ۳۸ ح ۶۹.

دریابد و از اصحابش خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

## مرحله چهارم:

چهل روز با همان خصوصیت‌های خاص که می‌باید در هر اربعین مراعات شود. هر روز صبح به فرموده امام صادق علیه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»<sup>(۲)</sup> را هزار مرتبه متذکر باشد؛ در پایان بگوید: اِلهی بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ اَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِیْهَا وَ بِحَقِّ بَقِیَّةِ اللَّهِ (یک نفس تکرار کند) یا الله (یک نفس بگوید) یا رباه (یک نفس بگوید) یا سَیِّدًا سَیِّس ۹۹ نام خدا را بگوید و در انتها بخواند: «أَرِنِی الطَّلَعَةَ الرَّشِیْدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِیْدَةَ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصَارِی وَ اَعْوَانِی».

و بعد از نماز صبح بر این جمله مداومت کند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَخِّرَ أَجَلِي وَ لَا تُقْبِضَ رُوحِي حَتَّى أَرَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ حَاجَّةً بِنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ».

انشاءالله با این چهار اربعین موانع رؤیت حضرت برداشته خواهد شد؛ کمال نفس فراهم آمده، طالب شائق را به آرزو می‌رساند.

«یارب دعای خسته دلان مستجاب کن»

۱- تفسیر برهان، ج ۲ ص ۳۸۹.

۲- نسبی میرد تا قائم آل محمد علیهم السلام را برک کند (بحار الانوار ج ۸۶ ص ۸۸).

## راه آسان

در کنار طریقه‌ای که به صورت چهار مرحله بیان کردیم، آیه‌الله محقق، وحید خراسانی به طریقه دیگری اشاره نموده‌اند که آن را راه آسان خوانده‌اند؛ در گفتاری فرموده‌اند: «راه به سوی ولی عصر - ارواحنا فداه - هم خیلی دشوار است و به آن بزرگوار نیز رسیدن، آسان نیست، راه آسان، امام حسین علیه السلام است. یعنی برای راه‌یابی به پیشگاه حضرت بقیة‌الله - ارواحنا فداه - باید همه روزه، بدون آنکه از امروز ترک شود، زیارت عاشورا بخوانید ... و به روح مقدس مادر امام عصر حضرت زهرا - سلام‌الله علیها - نثار کنید و به این وسیله از طریق رحمت و اسعۃ الهیه و باب نجات امت و کسی که دل امام زمان علیه السلام متوجه به او است و ولی خون او است، راهی به حضرت حجت - ارواحنا فداه - پیدا کنید»<sup>(۱)</sup>

## راهی که امام نشان داده‌اند

البته در بحث راه وصال در کلام امام، به موضوعاتی که مجموعه دستورالعملهای حضرت حجة‌بن‌الحسن العسکری - ارواحنا فداه - می‌باشد اشاره کرده‌ایم، ولی در این جایگاه نیز به آنچه حضرتش



دستور داده‌اند و مورد توجه مشتاقان تشریف نیز قرار گرفته است، حتی، آن را برای رسیدن به امام زمان - ارواحنا فداه - دستورالعمل کرده‌اند، اشاره می‌نمائیم؛ می‌نویسند: «از من پرسند چه ذکر و ورد و ختم و دعائی بخوانیم که خدمت امام زمانمان برسیم؟ دعاها را بخوانید، روی توهم نمی‌گویم، از کسی که مأموریت پیدا کرده از ساحت مبارکش به یک واسطه بخواندن این زیارت، برایتان نقل می‌کنم و توسل «سلام الله الكامل التام» را بخوانید؛ اما آن که شاهره است و صراط مستقیم قوی و روشن و نزدیک، این است که باید به او محبت پیدا کنی، باید دوستش داشته باشی»<sup>(۱)</sup>.

## تذکر شوق‌انگیز

علاوه بر آنهمه شواهدی که از تشریف افراد مختلف در آثار بزرگان شیعه به چشم می‌خورد و با نقل قضایائی به ماجرای زیارت اشاره شده است، این بی‌بضاعت آلوده به انواع معاصی، از آغاز دوران تکلیف و بلوغ، به لحاظ مجالست با شخصیت‌های بلندپایه عالمان دین ساکن تهران که به زهد و تقوا اشتهار داشتند<sup>(۲)</sup> فیض‌ها برده، به مسائل

۱- پیام امام زمان علیه السلام : ص ۲۲۴.

۲- به جاست یادی از آن ذوات مقدسه بنمایم تا شما نیز بر آنان با تلاوت حمد و سوره‌ای هر کجا هستید بادی نموده، از این توجه فیضی ببرید: اورع الفقهاء و المجتهدین آیه‌الله الکبری حاج سید احمد خوانساری، آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی فزوینی، آیه‌الله العظمی حاج سید ابراهیم میلانی و حضرات حجج اسلام و آیات کرام حاج شیخ محمدتقی آملی - حاج میرزا احمد آشتیانی - حاج میرزا باقر آشتیانی - حاج سید مهدی انگجی - حاج سید علی اصغر خولنی - حاج سید - انسی ابروانی - حاج میرزا یوسف ابروانی - حاج سید محمدعلی سیب - حاج سید مهدی دهری - حاج سید حسین درکه‌ای - حاج سید حسن

باطنی تعلق کامل پیدا کرده، به ادعیه و اذکار و اوراد نیز دلبستگی وافری داشتم، تا با توسل به امامان - علیهم السلام - به فیض توجهی سرافراز کردم. در یکی از آن توسلات، خاطره‌ای برایم رخ داد که هیچ‌گاه فراموشم نمی‌شود: چهل شب بود که به وسیله نماز حضرت صاحب‌العصر و الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - متوسل بودم. در یکی از شبهای دهه چهارم اربعین به طوری خستگی مستولی شده بود که بر اثر خستگی مفرط حال بی‌رمقی اجازه انجام ادای نماز را نمی‌داد، ناگهان بین خواب و بیداری صدائی شنیدم که می‌فرمود: بلند

---

میرزائی - حاج سید رضا مصطفوی تفرشی - حاج شیخ ابوالفضل خراسانی - حاج شیخ علاءالدین دینوری - حاج سید احمد گلپایگانی - حاج شیخ ریحان الله بختی - حاج شیخ شریف شاهرودی - حاج شیخ حسن نفسیری - حاج سید اسماعیل سجادی - حاج سید مرتضی علم - حاج سید حسن لواسانی - حاج شیخ رضا سراج - حاج شیخ محمدتقی بروجرودی - حاج سید فضل الله خوانساری - حاج سید سوره‌الدین طالقانی - حاج شیخ محمدحسین خراسانی - حاج آقا باقر طباطبائی قمی - حاج شیخ جعفر لنگرانی - حاج شیخ محمود نجفی - حاج سید علی نقی تهرانی - حاج سید علاءالدین طالقانی - حاج شیخ علام‌حسین جعفری همدانی - حاج شیخ مصطفی مسجد جامع - حاج سید موسی عازندرانی - حاج شیخ حسن سعید تهرانی - حاج سید رضا جزایری - حاج سید صادق شریعتمداری - حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی - حاج شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی - حاج سید جعفر شاهرودی - حاج شیخ ابوطالب فاضلی خونی - حاج شیخ جعفر خندق آمادی - حاج شیخ محمد رضا محقق تهرانی - حاج شیخ عبدالحسین جاویدان - حاج آقا کمال مرتضوی - حاج سید علی اکبر بزاز - حاج شیخ بهاء‌الدین صدوقی - حاج سید محمد رضا علوی تهرانی - حاج شیخ جمال‌الدین نوری - حاج میرزا کوچک نوری - حاج شیخ قوم‌الدین شریعتمداری - حاج سید احمد شهرستانی - حاج سید بیوک زنجانی - حاج شیخ یحیی طالقانی - حاج شیخ شریف گلپایگانی - حاج سید عباس طباطبائی - حاج شیخ ابوالقاسم تنکابی - حاج شیخ ابوالقاسم عثمانی - حاج شیخ مهدی حق پناه دولابی - حاج سید کاظم نبستری - حاج میرزا محمدعلی چرندابی - حاج سید محمدحسین علوی خونی - حاج شیخ علی اکبر صبوری قمی - حاج شیخ محمود انصاری رحمه الله علیهم اجمعین که خداوند فیض هم‌جواری موالیانشان را نصیب آن از خلق گسستگان بحق پیوسته بفرماید.

شو نمازت را بخوان، فوراً از جا بلند شدم و نماز را خواندم. در آخر به شمایل منحصر به فردی که از حضرت امام زمان علیه السلام دارم توجه نمودم، تا طبق عادت عرض ادبی کرده باشم. متوجه شدم عکس در قاب تکان می خورد، از آن پس آنقدر برکتهای باطنی و ظاهری و الطاف ربانی به این بی لیاقت، از سر بی علتی عنایت شد که زبان خامه از بیان آن ناتوان است. مقصود غیر ممکنست اگر دست التجاء به سوی امامان - علیهم السلام - بلند شود، توجهی ننمایند.

خاطره معجزه‌ای به یادم آمد که بازگو کردن آن دلیل ادعای ماست. چشم آقای سعید عمادی در سن دو سالگی به وسیله پیچ گوشتی پاره می شود، اطباء محترم اصفهان تصمیم می گیرند آن را از حدقه بیرون آورند، زمانی را برای تصمیم گیری، نزدیکان آقا سعید معین می کنند. برادر ایشان حاج آقا مهدی عمادی فوراً عازم جمکران می شوند و دست التجاء به سوی رحمت واسعه الهی برمی دارند. وقتی به اصفهان مراجعه می کنند، اطباء متذکر می شوند به طور معجزه آسا دفع خطر گردیده است.

شرط اول قدم آنست

که طاهر باشی

بعضاً به لحاظ تأخیر در ظهور فردی و به فیض دیدار نائل آمدن، جان طالب شائق در راه رسیدن به جمال خدا که تجلی اعظم می باشد

به لب می‌رسد، و یک دم خیال آرزوی عشاق رهايش نمی‌کند، بل هر دقیقه و لحظه در فکر اوست، دیوانه رویش شده است و پروانه کویش، طولانی شدن شب فراق، پُر از حسرت وصالش نموده، آرزو می‌کند و می‌گوید، اگر روزی رخسار دلربایش را ببینم از خاک زیر پایش سرمه‌ای فراهم آورده، توتیای چشم می‌کنم، ولی این سوز و گدازها سودی نمی‌بخشد، شرار هجر سراپایش را می‌سوزاند و می‌گوید «عمر قربان شده به پای فراق».

شائق، دیدار می‌خواهد ولی کرام او را از خوف و تشویش راحت کرده، مقیم باب حرم وصال گردد، اما این جز سوختن و ساختن نتیجه‌ای ندارد، در آسمان فراق سپیده وصال نمی‌دمد، اینجاست که تشویش می‌رود، تردید از راه می‌رسد، آدمی را فرا می‌گیرد که چرا به زیارتش نائل نیامدم؟! و اگر ...

لکن می‌باید به مهمی که زمینه‌ساز ظهور است توجه داشته و تفحص نمود، آیا مقدمات ظهور شخصی فراهم است که با هزار جلوه بیرون آید و عاشق دلباخته، حضرت عشق را با هزار دیده تماشا کند؟ اگر سعادت تشریف شخصی نصیب نگردیده، بطور حتم و یقین مقدمات ظهور شخصی فراهم نیامده است، زیرا امام صادق - سلام الله علیه - آنجا که علت فراق را شرح می‌دهند، به فرمایش علی بن ابیطالب جد بزرگوارشان استناد می‌نمایند که در منبر مسجد کوفه فرموده‌اند:

«شما آشوبهای تاریک و دوران کور و مبهمی در پیش دارید که از آن نجات پیدا نکند، مگر «نومه». حاضرین جویا می‌شوند؛ ای امیر

مؤمنان «نومه چه کسی است؟» حضرت می فرمایند: «کسی که مردم را بشناسد و مردم او را نشناسند. آگاه باشید که هرگز زمین از وجود حجت خدای عزوجل تهی نگردد، اما خداوند در اثر ظلم و ستم و گناهان مردم، آنها را از دیدار حجتش نابینا و محروم سازد»<sup>(۱)</sup>

یا در ماجرای تشریف علی بن ابراهیم مهزیار که در جستجوی حضرتش به مکه مشرف می گردد، پس از اعمال حج و عمره، شبی در مسجدالحرام مقابل درب کعبه، شخص وارسته و بلند مقامی را با چهره ای جذاب و دلنشین می بیند که از نزدیکان و یاران حضرت ولی عصر علیه السلام بود، گفتگوهائی بینشان رد و بدل می شود، آن شخص می گوید: «مَا الَّذِي تُرِيدُ يَا اَبَا الْحَسَنِ» چه می خواهی ای ابوالحسن؟ جواب می دهد: «الْاِمَامُ الْمَحْجُوبُ عَنِ الْعَالَمِ» امامی را که از جهان پوشیده و پنهان است.

او می گوید: «وَمَا هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَ لَكِنْ حَجَبُهُ سُوءِ اَعْمَالِكُمْ» امام از شما منجوب و پنهان نیست، اما بد رفتاریها و زشتکاریهاتان، او را از شما پوشانده و مخفی ساخته است.<sup>(۲)</sup>

یا حضرت شخصاً به کسی می فرمایند: «هنوز اسیر نفست می باشی»<sup>(۳)</sup> و در نامه ای که به خط مبارکشان برای شیخ مفید -رحمة الله علیه- مرقوم داشته اند، زیارت می کنیم: «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می نماید و از

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۴۱.

۲- تبصرة الولی فی من رأى القائم المهدي علیه السلام سرگذشت ۴۶.

۳- شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ص ۱۴۷.

آنچه که خوش آیند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ماست دوری  
گزیند. زیرا فرمان و امر ناگهان فرامی‌رسد، در هنگامی که توبه و  
بازگشت برای او سودی ندارد و پشیمانی او از گناه از کیفر ما نجاتش  
نمی‌بخشد.<sup>(۱)</sup> ملاحظه کنید فرموده‌اند برای ظهور و تشریف شخصی  
باید کاری کرد که به «محبت و دوستی» حضرتش نزدیک شویم.  
در جای دیگر به طالب دیدار فرموده‌اند: «عملت را عمل امام زمان قرار  
بده» عرض می‌کند: این آرزوی منست چه کنم که در این امر موفق  
باشم؟ می‌فرمایند: «الاخلاص فی العمل»<sup>(۲)</sup>.

و ما می‌دانیم فرج عمومی یا فردی به دعای امت تحقق می‌یابد.  
باید دعا کرد که سپیده یوم الظهور در غروب گاه شام فراق بدمد و اگر  
دعا به هدف اجابت نرسد، حتماً چنین امری بوقوع نمی‌پیوندد.  
نگوئیم دعا کردیم و نشد، بل بگوئیم چه کرده‌ایم که دعایمان  
مستجاب نشد. حضرت فرموده‌اند: «تو، به خاطر آن گناهی که انجام  
دادی، دعایت مستجاب نمی‌شود»<sup>(۳)</sup> پس ظهور کلی حضرت بقیه خدا  
- ارواحنا فداه - منوط به همبستگی عمومی در اطاعت از او و  
یکپارچگی دلها در وفای به عهد ولایت می‌باشد و تشریف شخصی به  
محضر آئینه تمام نمای ذات و حجت بر خلق، مشروط به تهذیب  
نفس، اجتناب از گناهان، انجام واجبات و توسل و توجه به آن زمین  
کرده به تن مطهر و فلک کرده به جان منور می‌باشد.

۱- کلمة الامام المهدي (عج) ص ۱۹۲      ۲- شيفتگان حضرت مهدي (عج) ص ۲۶۱.

۳- همان، ص ۱۲۶.

## فریادرسی که به فریاد می‌رسد

باید به این یقین بارور باشیم نازنین وجودی که در پس پردهٔ غیب بر سریر خلافت الهی بر عالم حکومت نموده و می‌نماید، مدار عصر می‌باشد. فیض او لحظه‌ای قطع نمی‌شود و اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب‌ها. به هر اسم و کلامی مورد خطاب قرار گیرد و خوانده شود، به فریاد خواهد رسید و اگر به امید دیدار چهره‌ی تابناکش در آرزوی به پایان رسیدن دوران غم‌بار فراقش بوده، لکن نتیجه‌ای ندیدیم، یعنی شرافت زیارت جمال وجه الهی نصیبمان نشد، به لحاظ فراهم نیارودن وسائل تشرف شخصی است. والا آنجائی که مقدمات تشرف شخصی مهیا بوده، ما دیده‌ایم و دیده‌اید، طالب دیدار را به جنة‌اللقاء بار داده‌اند. چنان که می‌نویسند: «در عصر آية‌الله العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته الله علیه عده محصلین حوزه به چهارصد نفر رسیده بود، در زمستانی طلاب از حاج شیخ محمدتقی بافقی رحمته الله علیه که مقسم شهریه مرحوم حاج شیخ بود، عبای زمستانی تقاضا مند شدند، ایشان از مرحوم حائری خواستند و آن مرحوم فرمودند: چهارصد عبا از کجا بیاورم؟ گفت: از حضرت صاحب‌الزمان -عجل الله فرجه - بگیرید. فرمود: من راهی ندارم. گفت: من انشاء الله می‌گیرم و شب جمعه مسجد جمکران رفته، روز جمعه به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم گفت: آقا صاحب‌الزمان علیه السلام وعده فرمودند فردا که

شنبه است چهارصد عبا را مرحمت کنند و روز شنبه به وسیله مردی تاجر عبا رسید و بین طلاب تقسیم کردند»<sup>(۱)</sup>.

## شاید که نظر افکند او را نشناسی

در مجموعه‌هائی که وقایع تشریف شخصی را نوشته‌اند، به مطالب بسیار مهم و سودبخشی برخورد می‌کنیم که نقل تمامی آنها در این فشرده امکان‌پذیر نیست و چه بسا به لحاظ صفای باطن و وفاداری در عرض محبت و تشویق مخلصانه طالب دیدار، فردی به سعادت زیارت نائل آمده، از ناحیه مقدسه پرده‌های ابهام کنار زده شده، لکن بر اثر عدم معرفت به چگونگی فیض دیدار، شخص نتوانسته درک حضور کند و بفهمد که در مقابل شاه عشق قرار گرفته است. چنان که به شخص می‌فرمایند: «این شیء است که جدم امام حسین در این بیابان آمده» در صورتی که مقابل امام زمانش قرار گرفته؛ عرض می‌کند «آیا امام زمان در این بیابان تشریف می‌آورد؟» حضرت می‌فرمایند: «امام الآن در چادر نشسته» با این که حضرت به صراحت فرموده‌اند امام، اما متوجه نمی‌شود. خلاصه حضرتش دو اسکناس صدریالی سعودی به او می‌دهد و می‌فرمایند: «این عدل عمره برای پدرم بجای بیاور. می‌گویند اسم پدر شما چیست؟» می‌فرماید: حسن. بعد عرض می‌کند اسم شما؟ فرمود: سید مهدی. می‌گوید قبول کردم. آقا بلند شد برود. او را تا دم چادر بدرقه کردم. حضرت، برای معانقه



برگشت و با هم معانقه نمودیم و خوب یاد دارم که خال طرف راست صورتش را بوسیدم. سپس مقداری پول خرد سعودی به من داد. فرمودند برگرد. تا برگشتم. دیگر او را ندیدم. این طرف و آن طرف نظر کردم کسی را نیافتم. داخل چادر شدم و مشغول فکر که این شخص کی بود. پس از مدتی فکر. با قرائن زیاد مخصوصاً این نام را برد و از نیت من خبر داد و نام پدرش و نام خودش را بیان فرمود. فهمیدم امام زمان علیه السلام بوده. شروع به گریه کردن کردم...»<sup>(۱)</sup>

ملاحظه کنید. شخص شائق دیدار چقدر مورد لطف و مرحمت قرار گرفته. لکن چون در کنار تهذیب نفس و شوق رسیدن به یار دلارام، رتبت معرفت خویش را بالا نبرده است. از فیض مهم‌تری محروم مانده. پس ضرورت دارد عزیزانم و خوانندگان عزیزتر از جانم را که شائق دیدار هستند - و در عشق‌ورزی به حضرتش. از سر پای طلب ساخته‌اند - سفارش کنم. مجموعه‌های نحوه تشریف عاشقان یوسف فاطمه - سلام‌اله علیها - را مطالعه کنند تا اگر شرافت فیض دیدار نصیبشان شد. این‌گونه محروم نشوند و حسرت نخورند آری به قول خواجه شیراز:

دیدن روی تو را دیده جان بین باید

این کجا مرتبه چشم جهان بین من است

یارب! این کعبه مقصود تماشاگاه کیست؟

که مغیلان طریقتش گل و نسرين من است

## شکوه ظهور

عاشقانه که هزار یعقوب کنعانی نتوانند قصه شوق دیدارش را شرح و تفسیری باشند. از صبح تا شب چون گدایان بر سر راه وصال نشسته. زیر لب زمزمه دارد «دوست دارم به سر کوی تو پرواز کنم» و چون طایر پرشکسته در قفس تن قرار گرفته. فریاد دارد که «تو نجاتم بده و بال و پرم اعطا کن» که مبادا حسرت دیدار تو را در گور برم. در این بی سر و سامانی که می گوید «عین سرو سامان منست» پیوسته به سجاده نیاز گفته است «من ترا می خواهم از حق حاجت دیگر ندارم» عاقبت در پی پُر شدن از این که «چه می شود ز کوچه وصال تو روزی گذر کنم؟» و اگر سعادت بخشی. روز و شبی را در خدمت تو به سر کنم. آه و هزار آه:

ز آشفته‌گی حال من آگاه کی شود؟

آن را که دل نگشت گرفتار این کمند

بازار شوق گرم شد آن شمع رخ کجاست؟

تا جان خود بر آتش رویت نسیم سپند

لکن اشتیاق حضور او را از رازی بی خبر نگاه داشته. که خلق را تاب دیدار دلدار مه لقانیست و او نیز نمی تواند در تشریف. جمال وجه الله اعظم را زیارت کند.

چنان که درباره علامه فقیه عارف واصل، مرحوم حاج شیخ

محمدتقی آملی قدس سره علامه طباطبائی رحمته الله علیه به استناد فرمایش جناب عارف کامل واصل، قاضی می فرماید: «بعضی از افراد زمان ما مسلماً محضر مبارک آن حضرت را درک کرده اند و به خدمتش شرفیاب شده اند، یکی از آنها شیخ محمدتقی آملی قدس سره بود که در مسجد سهله در مقام آن حضرت که به مقام صاحب الزمان معروف است، مشغول دعا و ذکر بود که ناگهان آن حضرت را در میانه نوری بسیار قوی می بیند که به او نزدیک می شدند و چنان ابهت و عظمت آن نور او را می گیرد که نزدیک بود قبض روح شود، نفسهای او قطع و به شمارش افتاده بود و تقریباً یکی دو نفس به آخر مانده بود که جان دهد، آن حضرت را به اسماء جلاله خدا قسم می دهد که دیگر به او نزدیک نگردند»<sup>(۱)</sup>

شکوه جلوه امام - روحی فداه - که تجلی خداست، با طالب دیدار چنان کند که جلوه نور در طور با موسای کلیم می کرد و این راز قابل گفتن است که سالک - غیر معصوم - هر چند بر اثر متابعت شرع نبوی به عبودیت کامل نائل آید، یعنی کاملاً عبد باشد، مظروفی است که گنجایش جلوه مطلق خدا - امام - را نداشته و نمی تواند به چنین مرتبت و موقعیتی دست یابد. زیرا دعای انسانی که کاملاً انسان گردیده، نمی تواند پذیرای جلوه انسان کامل - معصوم - که آئینه تمام نمای حقیقت حضرت حق است باشد و شاید یکی از جهاتی که مشرفین به حضور اقدس ذات نازنین الوجود امام زمان - روحی فداه - به شرافت دیدن جمال حقیقی حضرتش نائل نیامده اند، همین عدم

گنجایش باشد. چنان که از ماجرای فقیه عارف، آیه الله حاج شیخ محمد آملی قدس سره به این راز پی می بریم.

## نشان راه وصال در کلام امام

چون به این حقیقت که راز بزرگ تشریف است رسیدیم، دانستیم تزکیه نفس، طریق نیل به مکارم اخلاق و توفیق یافتن بر انجام واجبات توأم با ترک محرّماتست. زمینه ساز ظهور محبت و دوستی حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد که به مقتضای مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ (حب او حب خداست) در این مرحله هر چه مهر آن بزرگوار در دل انسان بیشتر شود، صفای باطن و کمال معنوی اش فزون تر می گردد و او را به مرحله عالیتری از فضیلت می رساند؛ تا جایی که محبت راستین امامان - علیهم السلام - خاصه شوق تشریف و ذوق دیدار، در قلب تابیده و مهر حقیقی حق در دل خیمه می زند.

آنان که در جنة اللقاء به رؤیت جمال وجه الله اعظم رسیده اند، با علم به این که در مقابل صاحب اختیار کائنات قرار گرفته اند، یا برعکس متوجه نشده اند به چه شرافتی نائل آمده اند و بعداً حسرت خورده اند، هر کدام راه خویش را اقرب طرق وصال می دانند. لکن بدون تردید نسخه طبیب برای مریض مشتاق سلامتی، بهتر از تجربه حبیبی است که تجویز می کند؛ زیرا طبیب به مرض و راه معالجه اشراف کامل دارد تا دوستی که از شدت علاقه برای شفای دوست نگرانست و از تجربیاتش استفاده می کند. آنهایی که به نیروی عشق و

ایمان، شوق و ذوق، دعا و توسل، پاکی و طهارت، توانسته‌اند موانع راه تشریف را از مسیر خود بردارند. به مقصد اقصی که کوی حضرت دوست است رسیده، در حجله انس به عنایت بی‌علت بر دست و پای ولی نعمت عالمیان بوسه زنند، مورد لطف و مرحمت قرار گرفته، سفارشاتى به ایشان شده است که بدون تردید اطاعت از آن دستورات و به‌کارگرفتن آنچه از دو لب مبارک حضرت تجلی اعظم، شرف صدور یافته، بهترین نسخه درد فراق آدمی است که شائق دیدار را به سلامتی وصال می‌رساند.

با توجه به آنچه از ناحیه مقدسه، شرف صدور یافته، ملهم می‌شویم که حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداء - سه مهم را مورد توجه خاص داشته، به آن عده از شیفتگان که شرافت تشریف حضوری نصیبشان گردیده، تحفه ملاقات داده‌اند.

### دستور یکم:

شیعیان خود را به آنچه مبانی اعتقادی تشیع است، یادآور شده‌اند تا تقویت شوند مرتبت امامت و منزلت ولایت را در اسلام بشناسند. بدانند راه قرب الهی فقط از مسیر ولایت و امامت است و لا غیر. چنان که امام باقر علیه السلام در قسمتی از حدیثی طولانی فرموده‌اند: «أَمَّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا ضَامَ نَهَارَهُ وَ قَامَ لَيْلَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَآيَةَ وَ لِيَّ اللهُ فَيُؤِ إِلَيْهِ وَ تَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بَدَلَاتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللهِ ثَوَابٌ وَ لَأَكَانَ مِنَ أَهْلِ الْإِيمَانِ»<sup>(۱)</sup> یعنی

«هان اگر مردی تمام عمر، روزها روزه‌دار و شبها عبادت کند و تمام مال خود را صدقه دهد و در تمام عمر حج کند، ولی ولایت ولی الله را نشناسد که دوستش بدارد و تمام کارهای خود را به دستور و دلالت او انجام دهد، در پیشگاه خدا پاداشی ندارد و از مؤمنان به شمار نخواهد رفت».

و لذا به تقی صالح که از احفاد سید حسن موسوی رشتی است، فرموده‌اند: «شما چرا جامعه [زیارت جامعه] نمی‌خوانید. جامعه! جامعه! جامعه!»<sup>(۱)</sup> و توجه به متن زیارت جامعه، ما را با رازی عظیم آشنا می‌کند و رتبت و مرتبت امامان - علیهم السلام - را در فراهم آمدن «توجه خالص» می‌نمایاند.

به همو که سعادت تشریف نصیبش گردیده، می‌فرمایند: «عقیقی که اسماء مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام بر آن نقش بسته و نوشته شده زیر زبان میت»<sup>(۲)</sup> بگذارند و این نشان دهنده همان مقام و منزلت و رفعت و رتبت امامان - علیهم السلام - است که زبان را گویا به حقایق می‌نماید و در مقابل هر هیبتی آدمی را از تزلزل باز می‌دارد.

### دستور دوم:

شناختِ انحراف از مسیر الهی که به ارادهٔ خدائی به صورتِ خط نورانی در غدیر از فرش تا عرش کشیده شد و متأسفانه بر اثر

۱- شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ص ۲۶۵.

۲- همان، ص ۱۳۷.

دنیاطلبی عده‌ای برای رسیدن به مقاصد دنیائی به صورت مخالف آن در سقیفه بنی ساعده، آن بنای بی‌بنیاد به مردمانی ناآگاه که به دنبال هر صدائی می‌دوند، ارائه داده شد و خلاصه خلق کثیری را از صراط مستقیم الهی که امر قرآن و اراده محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی و امامان علیهم السلام بود به راه اختلاف و بدبختی و دوزخ - سقیفه - خلاصه مخالفت صریح با نص آشکار قرآن و فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود کشاندند. و رهبری اسلامی را با سیاستی مزورانه به رهبری فقهی، آن هم چون خود - کارگزاران - کوچکترین آشنائی با آن رانداشتند، تقسیم نموده، آن را به علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - برگزیده خدا در غدیر خم سپردند و رهبری سیاسی که آنهم کوچکترین جنبه الهی نداشته، بلکه ترسیمی از شیطنت‌های نفس و تعلیمات ایادی نفوذی یهود را به کارگزاران سقیفه سپردند.

در حالیکه علاوه بر ادله استوار بر آیات و فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که قبل و بعد از غدیر در شأن خلافت و وصایت و امامت بلافصل خود بیان فرموده بودند و اختصاص به علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام پیدا می‌کرد، چنان که امام حسین - سلام الله علیه - می‌فرمایند: «وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَوْلَى بِوِلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ علیکم»<sup>(۱)</sup> یعنی «و ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم و به امر زمامداری و رهبری و امامت بر شما اولی و شایسته‌تر می‌باشیم» و لذا علی مرتضی امیرالمؤمنین علیه السلام در کلماتش فرموده‌اند «فَلَمَّا مَضَى

۱- ولایت فقه، ج ۱ ص ۶۵ به نقل از ارنست، منبذ ص ۲۰۸

تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي وَلَا يَخْطُرُ بِنَالِي  
 أَنَّ الْعَرَبَ تُزْعَجُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ عَنِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَا أَنَّهُمْ مُنَحَوُّهُ عَنِّي مِنْ  
 بَعْدِهِ»<sup>(۱)</sup> یعنی «هنگامی که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رحلت فرمود،  
 مسلمانان دربارهٔ خلافت پس از او به نزاع برخاستند. به خدا قسم  
 هرگز فکر نمی‌کردم و به خاطرم خطور نمی‌کرد که عرب بعد از رسول  
 خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امر امامت و رهبری را از اهل بیت او بگرداند و به جای  
 دیگر قرار دهند و باور نمی‌کردم که امر خلافت را از من دور سازند».  
 حضرت حجة بن الحسن - ارواحنا فداء - با تأکیدی که بر «حفظ  
 خطبه شقشقیه<sup>(۲)</sup> و خطبه زینب کبری<sup>(۳)</sup> که در بازار رکوفه و مجلس  
 یزید در شام فرموده‌اند، اراده داشته‌اند که شیفتگان تشرف بدانند، از  
 مسیر غیر غدیر - امامت ولایت امامان - راه رسیدن به حضرتش غیر  
 ممکنست.

چنان که علی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام صدیق اکبر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 و فاروق اعظم بین حق و باطل فرموده‌اند: «إِنظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ  
 فَالزَّمُوا سَمْتَهُمْ وَاتَّبِعُوا آثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ مَنْ يُعِدُّكُمْ فِي  
 رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَيَضَلُّوا وَلَا  
 تَتَأَخَّرُوا أَفْتَهَلِكُوا»<sup>(۴)</sup> یعنی «نظر به اهل بیت خود کنید، از سمتی که  
 آنان گام برمی‌دارند منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید و  
 آنان هرگز شما را از جادهٔ هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت

۱- نهج البلاغه فیض. ص ۱۰۴۸ و عبده ج ۲ ص ۱۲۰

۲- خطبه سوم نهج البلاغه.

۳- تبیینگان حضرت مهدی (عج) ص ۱۳۹

۴- نهج البلاغه فیض. ص ۲۸۰.



باز نمی گردانند، اگر سکوت کنند، سکوت کنید و اگر قیام کنند، قیام کنید؛ از ایشان سبقت و پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که هلاک می گردید.

### دستور سوم:

به راه‌هایی که کمال نفس را فراهم می آورد و اقرب طرق به ساحت قدس صاحب ولایت مطلقه الهیه، حضرت تجلی اعظم است اشاره نموده که در این جایگاه نیز فرمایشات دستوری حضرتش به سه قسم است و طالب دیدار دلداری، می باید به هر سه قسم آن توجه داشته و عامل به آنها باشد.

اول: آنچه که وظائف او محسوب می شود، مانند حقوقی که ارتباطات فراهم می آورند، فرموده اند: «احترام پدر و مادر زنده باشند یا مرده»<sup>(۱)</sup> و رعایت حقوق استاد و معلمین<sup>(۲)</sup> و تأکید بر زیارت بقاع مشرفه ائمه - علیهم السلام - و اولاد آنها<sup>(۳)</sup> و صالحین و علماء<sup>(۴)</sup> از دور و نزدیک.

دوم: آشنا شدن با وظائف شخصی و اجتماعی که بر مبانی احکام شرع استوار است. زیرا مطالعه «فقه و حدیث و تفسیر و حفظ نهج البلاغه و صحیفه سجادیه»<sup>(۵)</sup> تأکید نموده اند و البته دانستن هر کدام آنچه که مورد سفارش حضرتش قرار گرفته، دارای

۱- شیفتگان حضرت مهدی (عج) ص ۱۳۷.

۲- همان: ۱۴۰.

۳- همان: ۱۳۷.

۴- همان: ۱۳۸.

۵- شیفتگان حضرت مهدی (عج) ص: ۲۶۵.

آثار مادی و معنوی کثیری است.

**بسوم:** آنچه که می باید عامل آن بود و به کارگرفتن آنها آدمی را به کمال نفس می رساند و از بندگی شیطان نجات می دهد.

**الف:** حضرتش در شرفیابی سیدتقی صالح به او فرموده اند: «شما چرا نمی خوانید؟ نافله! نافله! نافله!»<sup>(۱)</sup> چنان که حضرت امام باقر - سلام الله علیه - فرموده اند: «وَ أَنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَىٰ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبُّهُ فَإِذَا أَحِبَّهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا»<sup>(۲)</sup> یعنی «بنده به وسیله نماز نافله به من [خدای تعالی] نزدیک می شود تا آنجا که دوستش می دارم و چون دوستش بدارم، چشم او می گردد که بدان ببیند و گوشش می شوم که بدان بشنود و زبانش می گردد که بدان کار انجام دهد».

**ب:** به شخصی هم: «سفارش برخواندن قرآن و نماز شب»<sup>(۳)</sup> نموده اند علاوه بر تلاوت قرآن، خواصی که از آیات و سوره ها نصیب می گردد و می تواند در کمال نفس و تقرب به خدای تعالی شدیداً مؤثر واقع شود، تلاوت کننده را از طبقه اشراف امت قرار می دهد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيْلِ»<sup>(۴)</sup>.

۱- شیفتگان حضرت مهدی (عج) ص: ۲۶۵.

۲- جهل حدیث امام قدس الله روحه العزیز، ص ۴۴۵.

۳- شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ص ۲۶۵.

۴- بحار الانوار ج ۸۴ ص ۱۳۸.

یعنی اشراف امت من حاملان قرآن و من شبزنده‌داران هستند. البته این در صورتی است که تالی قرآن به مرتبه حافظ آن برسد؛ یعنی سینه‌اش حمل‌کننده محسوب شود. حضرت در این دستور، شخص را به فضائلی بارور نموده‌اند که فهرست‌وار اشاره می‌کنیم: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «نَوِّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»<sup>(۱)</sup> خانه‌های خود را با تلاوت قرآن کریم نور و روشنی دهید و در ادامه اشاره نموده‌اند: «أَذَاكَرُ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثْرَ خَيْرِهِ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ»<sup>(۲)</sup> جای دیگر در جواب آنهایی که می‌پرسند، بهره چشم از عبادت چیست؟ می‌فرمایند: «النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ وَالتَّفَكُّرُ فِيهِ وَالأَعْتِبَارُ عِنْدَهُ عَجَائِبِهِ»<sup>(۳)</sup> نظر کردن به قرآن کریم و تفکر کردن در آن و عبرت گرفتن از عجائب آن.

حضرت علی مرتضی - سلام الله علیه - نیز می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ دُرْبَتَهُ وَالمَسْجِدُ بَيْتَهُ نَبِيَّ اللهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ»<sup>(۴)</sup> کسی که [خواندن] قرآن خوی و عادتش شده باشد و مسجدخانه‌اش باشد، خدای تعالی خانه‌ای در بهشت از برای او بنا کند و جای دیگر می‌فرماید: «وَ مَخَاجَ لِطُرُقِ الصُّلَحَا» راههای روشن برای صالحان و شایستگان قرار

۱- محجة البيضاء ج ۲ ص ۲۲۰ و سفينة البحار ج ۲ ص ۴۱۶.

۲- محجة البيضاء ج ۲ ص ۲۲۰ و سفينة البحار ج ۲ ص ۴۱۶.

۳- محجة البيضاء ج ۲ ص ۲۳۱. ۴- جامع احادیث الشیعه ج ۱۵ ص ۱۹.

داد<sup>(۱)</sup> جای دیگر، قرآن را وسیله برطرف ساختن شبهاتی می‌داند که در آدمی فراهم می‌شود: «وَ أَقْمَهَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ»<sup>(۲)</sup> رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده‌اند: «الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ بَيِّنَاتٌ مِنَ الْعَمَى وَ اسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ ...»<sup>(۳)</sup> قرآن کریم، راهنمای از گمراهی و روشنائی و بینش از کوری و وسیله بازگشت و گذشت از هر لغزشی و روشنی است. در تاریکی و پرتوی در هر پیشامد [بدعت] و موجب نگهداری از هلاکت و راه‌یابی از هر گمراهی ...» و خلاصه فرموده‌اند: «أَفْضَلُ عِبَادَةِ أُمَّتِي قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ» برترین عبادت امت من قرائت قرآن است<sup>(۴)</sup> جای دیگر فرموده‌اند: «هرکس شبی ده آیه از قرآن تلاوت کند، از غافلان نوشته نمی‌شود و هر که پنجاه آیه قرائت کند، از ذاکران نوشته می‌شود و هر که صد آیه تلاوت کند، از مطیعان به شمار آید و هر کس دویست آیه بخواند، در زمره خاشعان محسوب است»<sup>(۵)</sup>. و یا فرموده‌اند: «لَا يُعَذَّبُ اللَّهُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنَ» خدا قلبی را که ظرف حفظ قرآن باشد، عذاب نفرماید<sup>(۶)</sup> جای دیگر فرموده است: ای پسر! از قرائت قرآن کریم غفلت مکن که «فَإِنَّ الْقُرْآنَ يُحْيِي الْقَلْبَ وَ

۱- نهیج البلاغه خطبه ۱۹۸.

۲- غرر الحکم ج ۴ ص ۹۰.

۳- محجة البیضاء، ج ۲ ص ۲۱۲ و تفسیر صافی ص ۵.

۴- محجة البیضاء، ج ۲ ص ۲۱۰.

۵- تفسیر نور الثقلین، ج ۴ ص ۲۱۹.

۶- سفینه البحار ج ۳ ص ۴۱۵.

يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»<sup>(۱)</sup> قرآن دل را زنده کند و از کارهای فحشا و نادرست باز می‌دارد و خلاصه فرموده‌اند: «کسی که در درونش چیزی از قرآن نباشد، همانند خانه‌ای ویرانه است»<sup>(۲)</sup>.

در مورد نماز شب می‌بینیم که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: از جانب جبرائیل به آن سفارش شدم<sup>(۳)</sup> و آن را شرافت مؤمن دانسته.<sup>(۴)</sup> سپس می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَابُّ الصَّالِحِينَ قَتْلُكُمْ وَإِنْ قِيَامَ اللَّيْلِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ مِنْهَاذُ عَنِ الْأُتَمِّ وَ تَكْفِيرُ السَّيِّئَاتِ وَ مُطَرَدَةٌ الدَّاءِ فِي الْجَسَدِ»<sup>(۵)</sup> یعنی: «بر شما باد که در شب به نماز برخیزید، زیرا آن روش شایستگان پیش از شما بود و همانا برخاستن به نماز شب موجب نزدیکی به خدا و سبب بازداشت از گناه و پوشاندن بدیها و دور کردن بیماری و درد از تن است» ملاحظه کنید در این دو دستور حضرت تجلی اعظم امام زمان - ارواحنا فداء - چه فضائلی نصیب انسان می‌گردد!

**ج:** حضرت سفارش بر تسبیح حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها -<sup>(۶)</sup> فرموده‌اند، می‌دانیم که تسبیح صدیقه طاهره، مظلومه شهیده، فاطمه زهرا - سلام الله علیها - از جمله افضل

۳- کنز العمال ج ۲ ص ۵۵۳.

۴- همدر ج ۱۴ ص ۱۴۱.

۵- سفندگان حضرت مهدی (عج) ص ۱۳۱.

۱- کنز العمال ج ۲ ص ۲۹۱.

۳- حردالایارج ۱۴ ص ۱۳۹.

۲- همدر ج ۱۴ ص ۱۲۳.

تعقیبات است<sup>(۱)</sup> و حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ قَبْلَ أَنْ يَتْنِيَ رَجُلِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ غُفِرَ لَهُ» یعنی: «هرکس که بعد از نماز فریضه، تسبیح حضرت فاطمه زهرا - علیها السلام - را به جا آورد، قبل از آن که پای راست را از بالای پای چپ بردارد.<sup>(۲)</sup> هر آینه جمیع گناهان او آمرزیده شود»<sup>(۳)</sup> در جای دیگر از کلام «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ...»<sup>(۴)</sup> ملهم می‌شویم، فیض بخشی تسبیح صدیقه طاهره، هم سنگ فیض رسانی نماز است.

د: تأکید بر تلاوت سوره یس بعد از نماز صبح، سوره عم بعد از نماز ظهر، سوره نوح بعد از نماز عصر، سوره واقعه بعد از نماز مغرب، سوره ملک بعد از نماز عشاء<sup>(۵)</sup> داشته‌اند و این که بدانیم سوره‌های دستور داده شده، دارای چه تأثیراتی می‌باشند، به کلام معصوم علیه السلام استناد می‌نمائیم.

در مورد تلاوت سوره «یس» که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند، نام رسول خداست و معنی شنونده وحی می‌باشد<sup>(۶)</sup>. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «هر چیز را قلبی است و قلب قرآن سوره یس است. هر کس سوره یس را

۱- جنان که امام باقر علیه السلام به این موضوع اشاره دارند (مفتاح الفلاح، ص ۱۰۷).

۲- شاید مراد آنست قبل از آن که در جهت قسمه مسح شود.

۳- نهذیب الاحکام شرح ۴- مفتاح الفلاح ص ۱۰۷

۵- سبندگان حضرت مهدی (عج) ص ۱۳۳.

۶- تفسیر صافی جاب قدیم ص ۲۱۰.

بخواند و در خواندن آن رضای خدا را منظور کند. خدای تعالی او را می‌آمزد و آنقدر به وی پاداش می‌دهد مثل این که بیست و دو مرتبه تمام قرآن را قرائت کرده باشد و هر مسلمانی که به حالت مرگ باشد و فرشته مرگ به بالین وی آمده باشد و در نزد او سوره مبارکه یس قرائت شود. به شماره هر حرف آن سوره مبارکه. ده فرشته نازل شود و مقابلش به صف ایستند و بر او صلوات فرستند و برای ...»<sup>(۱)</sup> و هم فرموده‌اند: «إِنَّ فِي الْقُرْآنِ سُورَةً يَشْفَعُ قَارِئُهَا وَ هِيَ سُورَةُ يَسٍ»<sup>(۲)</sup> یعنی: «همانا در قرآن سوره‌ای است که از خواننده خود شفاعت خواهد کرد و آن سوره یس می‌باشد» و این که امام باقر علیه السلام فرمایند: «هر کس در عمر خود یک بار سوره یس را بخواند. خداوند به شماره تمام آفریدگان در دنیا و آخرت و آنچه در آسمان قرار دارند. به عدد هر یک. دو هزار حسنه و ثواب در نامه اعمالش ثبت فرماید و به همین مقدار از گناهانش را محو سازد و دچار تنگدستی و زیان و بدهکاری و خانه خرابی نشود و دیوانگی و بدبختی نبیند و مبتلا به جذام و وسواس و دودلی و بیماریهای زیان‌آور نگردد و خداوند. سختی و دشواری مرگ را بر وی آسان کند و خود متصدی و مباشر قبض روح او باشد و از جمله کسانی خواهد بود که خداوند.

فراخی زندگی او را متعهد شده است و نیز ضامن خوشحالی او به هنگام مرگ گردیده است...»<sup>(۱)</sup>

در خواص سوره «عم» که فرموده‌اند بعد از نماز ظهر خوانده شود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: هر که بعد از نماز بخواند، خدای تعالی او را در قیامت نوشیدنی خنک دهد و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند روشنائی چشم او زیاد گردد<sup>(۲)</sup> چون اطلاق نباء عظیم بر علی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و تلاوت این سوره هم قرب به ولایت می‌آورد و هم معرفت در خواص سوره نوح بعد از نماز عصر، بنا بر فرموده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر کس بخواند از جمله مؤمنان باشد که دعای در حق ایشان مستجاب شده است.<sup>(۳)</sup> و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: هر کس سوره نوح را بخواند، داخل در دعای نوح عَلَيْهِ السَّلَام باشد. آنجا که می‌فرماید: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

در خواص سوره واقعه بعد از نماز مغرب، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «هر کس مشتاق به سوی بهشت و وصف آن است. پس باید سوره واقعه را بخواند»<sup>(۴)</sup> جای دیگر فرموده‌اند: «هر کس در هر شب جمعه قرائت کند، خدایش دوست دارد و او را محبوب مردم گرداند و هرگز در دنیا

۱- ثواب الاعمال ص ۲۵۰. تفسیر صافی چاپ قدیم، ص ۴۲۵.

۲- خواص آیات آقا نجفی ص ۱۴۶. ۳- همان: ۱۴۱.

۴- تفسیر صافی چاپ قدیم، ص ۳۸۸.



سختی و تنگدستی و آفتی نبیند و از رفیقان امیرالمؤمنین علیه السلام باشد»<sup>(۱)</sup>.

در خواص سوره ملک که فرموده‌اند بعد از نماز عشاء خوانده شود، ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که در قلب هر مؤمنی جای کند.<sup>(۲)</sup> جای دیگر فرموده‌اند: «هر که بخواند، چنان باشد که شب قدر را احیا گرفته است» و هم ماثور است که گوئی همه کتب آسمانی را خوانده است.<sup>(۳)</sup>

#### دستور چهارم:

تأکید فرموده‌اند در رکوع بعد از ذکر آن بخوانید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَي عَجِزْنَا وَ آغِثْنَا بِحَقِّهِمْ»<sup>(۴)</sup>.

#### دستور پنجم:

تأکید فرموده‌اند بعد از نمازهای پنجگانه این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَ الْغُمُومِ وَ وَخْشَةَ الصَّدْرِ وَ وَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>(۵)</sup>.

۱- تفسیر مجمع‌البیان ج ۹ ص ۲۱۲.

۲- همان: ج ۱۰ ص ۳۲۰.

۳- خواص آیات آفی نجفی ۱۳۷ - ۱۳۸.

۴- شیفتنگار حضرت مهدی (عج)، ص ۱۳۴.

۵- همان: ص ۱۳۳.

**دستور هشتم:**

تأکید بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن. برای شیعیانی که وارثی ندارند یا دارند ولیکن یادی از آنها نمی‌کنند<sup>(۱)</sup>.

**دستور هفتم:**

برای زیارت مشاهد مشرفه امامان، زیارت «امین‌الله» را افضل دانسته‌اند<sup>(۲)</sup>. عمل به آنچه که دستور داده‌اند، بدون تردید نزدیک‌ترین راه به حریم آن نازنین وجود می‌باشد.

**محبت****راز بزرگ تشرفات**

ایمان مایه حرکت به سوی عبودیت بر پایه و اساس دوستی و دشمنی استوار است و امام باقر - سلام الله علیه - می‌فرمایند: «الْإِيمَانُ حُبٌّ وَ بُغْضٌ»<sup>(۳)</sup> در حقیقت ملهم می‌شویم رسیدن به قرب الهی و ولایت خدا که عیناً ولایت امام عليه السلام است، قوی شدن جز از مسیر دوستی و دشمنی در راه خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام عليه السلام نیست؛ زیرا خواجه کائنات محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحِبَّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغِضْ فِي اللَّهِ وَ وَالِّ فِي اللَّهِ وَ عَادِ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تُنَالُ وَلَا يَهُدَى اللَّهُ إِلَّا بِذَلِكَ

۱- همان: ۱۳۴.

۲- همان: ص ۱۹۶.

۳- بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۱۷۵.

وَلَا يَجِدُ رَجُلًا طَعَمَ الْإِيمَانَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَوَاتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ»  
یعنی: «ای بنده خدا، در راه خدا دوست بدار و برای خدا دشمن دار، در راه به جنگ و آشتی کن، زیرا کسی به ولایت خدا نرسد، مگر از این رهگذر و هیچ مردی طعم ایمان نچشد، مگر بدین کار؛ اگر چه نماز و روزه اش بسیار باشد»<sup>(۱)</sup>.

در این صورت راهی جز محبت ورزیدن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام نیست. حضرت صادق علیه السلام هم می فرمایند: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» آیا دین غیر از محبت است؟<sup>(۲)</sup> این محبت مقدمه تبعیت و اطاعت می شود. حضرت علی عظیم در قرآن مجید کریم می فرماید: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»<sup>(۳)</sup> اگر خدای را دوست دارید مرا [محمد صلی الله علیه و آله و سلم] پیروی کنید که خدایتان دوست دارد. در حقیقت می توان به استناد کلام مبارک «الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ»<sup>(۴)</sup> که امام باقر علیه السلام فرموده اند، گفت هر کس به این حب مزین نباشد از او انتظار دینداری نباید داشت. مهمتر این که چنین محبتی خالص کننده ایمان از هر غل و غشی است. زیرا امام صادق - سلام الله علیه - فرموده اند: «لَا تُحْضِرُ رَجُلًا الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ مِنْ النَّاسِ كُلِّهِمْ»<sup>(۵)</sup> یعنی: «ایمان مرد، پاک و خالص نشود تا این که خداوند به نزد او از وجود وی، پدر و

۱- مجموعه درام ص ۳۱۲.

۲- روضة الراعظین ص ۴۸۳.

۳- آل عمران: ۳۱.

۴- دین همان دوستی و دوستی خود دین است (محاسن برقی ص ۲۶۳).

۵- سفینه البحار ماده حب.

مادر، فرزندان، خانواده، مال و دارائی او، و همه مردم محبوب تر باشد» و نباید پنداشت محمد و آل طاهرینش - صلوات الله علیهم اجمعین - از چنین موقعیتی مشتتنی هستند که جلوه احدی، حضرت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنَنَّ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَبَوِيهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ»<sup>(۱)</sup>. یعنی: «قسم به آن که جانم به دست اوست، هیچ بنده ای به حقیقت ایمان نرسد، مگر آن که من به نزد وی از خود او، پدر و مادر و کسان و فرزندان او و همه مردم محبوب تر باشم». با تطبیق این کلام نبوی و صادقی - سلام الله علیهما - ملهم می شویم، ایمان در صورتی خالص می شود که خدا و رسولش را بر همه مقدم بداریم و به استناد روایات بی شمار که در متون روایی اسلامی موجود است و همانطور که دوست داشتن محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوست داشتن خدای تعالی محسوب می شود، دوست داشتن آل الرسول عَلَيْهِمُ السَّلَام دوست داشتن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حقیقت دوست داشتن حق است، چنان که در جاهای مختلف به تعبیر گوناگون مظهر صمدی، جلوه احدی، حضرت احمدی فرموده اند: هر کس علی و فاطمه - سلام الله علیهما - را دوست بدارد، من را دوست داشته است و هر کس من را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است<sup>(۲)</sup> و در مورد دوستی سایر ائمه طاهرین که عیناً دوستی خداست، به کلام مبارک حضرت صادق - علیه السلام - استناد می کنیم

۱- سنن البیہقی، ج ۱ ص ۱۹۹.

۲- جهت اطلاع به کتب فضائل الخمسه رجوع کند.

که فرموده اند: «وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مِنْ أَحَبِّ الدُّنْيَا وَوَالِي غَيْرِنَا»<sup>(۱)</sup> «به خدا قسم هر که دنیا را دوست دارد و اطاعت غیر ما کند، خدای را دوست نمی دارد.» تا جائی که امام باقر - سلام الله علیه - می فرمایند: «حُبُّنَا إِيمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ»<sup>(۲)</sup> یعنی: «دوستی ما خاندان نبوت ایمان و دشمنی ما کفر است.» پس محبت که عین دین است، بهترین راه رسیدن به محبوب می باشد و علاوه بر آنچه به قید تحریر درآمد، کلام حضرت لَوْلَا كُنْ لِمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ که می فرمایند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»<sup>(۳)</sup> یعنی: «مرد است و محبوبش»، بهترین دلیل بر ادعای ماست و بدون تردید آدمی با او که دوستش می دارد محشور خواهد شد. «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ» تو با کسی که دوستش می داری خواهی بود<sup>(۴)</sup>. اگر وسائل با محبوب بودن در دنیا فراهم آید، تشرف به حضور حضرت ماه تابان، تجلی اعظم، نصیب می شود و توفیق رفیق می گردد تا سعادت دیدن جمال دلارام وجه الله اعظم را داشته باشیم. خداوند این سعادت را به عنایت بی علت، نصیب ما بفرماید «یارب دعای خسته دلان مستجاب کن».

## نشانه های مُحب بودن

آنجا که بدون دلیل می خواهند محب را شناسائی کنند و محکی بر عیار محبت نمی زنند، همه و همه خویش را محب می شناسند و اگر کوچکترین بی اعتباری بر محبتشان نسبت داده شود، چنان جوش و

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۳۵۵.

۴- همان مدرک.

۱- بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۲۶.

۳- کنز العمال ج ۹ ص ۱۱.

خروشی نشان می‌دهند که آدمی در تشخیص خود به شک و تردید می‌افتد. به همین لحاظ ضروری است که نشانه‌های محب بودن را به صورت فهرست‌وار بدانیم و بشناسیم.

بدون تردید می‌توان به استناد آیات و روایات، کتابی از نشانه‌ها و خواص محبت را دارا بودن و محبت ورزیدن فراهم آورد که در این فشرده، وسائل چنین سعادت‌ی فراهم نیست؛ لکن به صورت اشاره به آنچه در ذهن به ظهور نشسته، شاید ما و شما را به سرمنزل مقصود راهنمایی کند.

## محب

### ناشر محبت است

محب، پیوسته دوست دارد ناشر محبت باشد و وقتی محبوب، او را به چنین سرمایه‌ای دید، می‌خواهد محبتش را در خود حبس ننموده بلکه نشر داده، جمعی کثیر را به زنجیر محبت او اسیر نماید. چنان که حق تعالی به داود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «ای داود! مرا دوست دار، و هر کس مرا دوست دارد به دوستی انتخاب کن و مرا محبوب خلق من بساز»<sup>(۱)</sup>

و همچنین به موسی - علی نبینا - و عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: حَبِّبِي إِلَى خَلْقِي وَ حَبِيبُ خَلْقِي إِلَيَّ<sup>(۲)</sup> یا موسی مرا دوست خلق من و خلقم را دوست من گردان.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آنجا که می‌خواهند مرتبت و منزلت طایفه ناشران محبت خدا و خود و آل طاهرین را بیان کنند، می‌فرمایند: «به شما خبر بدهم از گروه‌هایی که نه از خیل انبیائند، نه از زمره شهداء، ولی در روز قیامت پیامبران و شهیدان صلی الله علیه و آله به منزلت و مقام آنان رشک می‌برند که از جانب خدا بر منبرهای نورانی جای دارند؟» عرضه داشتند: یا رسول‌الله! آنها کیستند؟ حضرتش فرمودند: «هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ» یعنی: «آنها کسانی هستند که بندگان خدا را دوست خدا و دوست من می‌کنند...»<sup>(۱)</sup>

معلوم می‌شود آنان که بدون رسول خدا صلی الله علیه و آله در حقیقت بدون علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام که نفس<sup>(۲)</sup> و نظیر و عین پیامبر صلی الله علیه و آله است،<sup>(۳)</sup> خلق را به خدا می‌خوانند و می‌خواهند محبت خدا را در جانها جاری سازند به خطا رفته‌اند. در حقیقت اگر کسی حقیقتاً خدا را دوست داشته باشد، بدون تردید ختمی مرتب را دوست خواهد داشت و هر شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشد، حتماً محب آل الرسول علیهم السلام خواهد بود.

۱. بحار الانوار ج ۲ ص ۲۶.

۲. در جرای تاریخی می‌بهند، عسی نشیءه و آل، نص قرآن، نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شناسند.

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «علی نظیر من است» (ریاض النضره ج ۳ ص ۱۵۳).

## دوستی دنیا:

دلدادگی به دنیا، آنطور که آدمی را بنده خود کند، هیچگاه دامن جان دوستدار خدا و محمد و آل طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - را نمی‌گیرد. زیرا امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - می‌فرمایند: «كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ مَكَّنَ قَلْبَهُ حُبَّ الدُّنْيَا»<sup>(۱)</sup> یعنی: «آن کس که محبت و دوستی دنیا را در دلش جای داده است، چگونه ادعای محبت و دوستی خدا می‌کند»

## محبت غیر:

باید متوجه شد آیا محبت غیر را تحت الشعاع محبت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام قرار داده است، یعنی یقین کند که خود و نزدیکانش را بر محبت آن ذوات مقدسه ترجیح نمی‌دهد؛ آنگاه مزه ایمان را چشیده، زیرا حضرت نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - فرموده‌اند: «سه چیز اگر در کسی باشد، طعم و مزه ایمان را دریابد: کسی که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم به نزد او دوست داشتنی‌تر، از غیر آنها باشند. کسی که مردی را دوست دارد و آن مرد جز خداوند کسی را دوست نمی‌دارد و کسی که اگر در آتش اوفتد، برایش محبوب‌تر باشد تا به کفر برگردد، بعد از آن که خدا وی را از کفر نجات بخشیده



است.»

## شب زنده داری:

از جمله نشانه‌های محبت است. زیرا عاشق دل‌باخته که به نار عشق سوخته، دیده‌اش به خواب نمی‌رود و اگر پلک بر هم نهد، می‌خوابد تا شاید محبوب را در خواب ببیند و از احادیث قدسی که خدا به موسی بن عمران فرموده «يَا بْنَ عِمْرَانَ كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي الْيَسَّ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «ای پسر عمران! آن که گمان دارد دوستدار من است و همه شب به خواب رود، دروغ می‌گوید. آیا هر دوستداری خلوت با محبوب خود را دوست ندارد؟»

## محب با محبوب مخاصمه نمی‌کند:

او که از محبت محبوبی پُر شده است، هیچ گاه با گفتار و کردار و رفتار خویش، با دلربای دلارام خود به مخاصمه - دشمنی - قیام نمی‌کند. که این نوعی به بازی گرفتن محبت است. چنان که وقتی «حارث اعور» به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض می‌کند: «به خدا قسم من ترا دوست می‌دارم» امام می‌فرماید: «يَا حَارِثُ أَمَا إِذَا أَحْبَبْتَنِي فَلَا تُخَاصِمْنِي وَلَا تُلَاعِبْنِي وَلَا تُجَارِينِي...»<sup>(۲)</sup> یعنی: «حارث بهوش باش! چون مرا دوست داشتی، با من مخاصمه نکن، مرا بیازی مگیر، با من ستیزه مکن

۱- سفینه البحار ماده حب.

۲- خصال باب ستة ص ۱۵۸.

در دوستی من شوخی منماید. مقام مرا پست مکن و با من همسری آغاز نکن.»

## محب با دشمن محبوب سازگاری ندارد:

او که به محبوبی دل سپرده است، با دشمنان محبوب خویش مراوده نداشته، با او دوستی نمی‌کند. زیرا دشمن محبوب، بدون تردید با او در ستیز است و نمی‌باید با او که علیه محبوب به دشمنی عمل می‌کند معاشرت نموده، بل دلباخته حضرت دوست، دوست محبوب را دوست می‌دارد و از دشمن دوست فرار می‌کند. امام صادق - سلام الله علیه - می‌فرمایند: «وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَالْإِلَى غَيْرِنَا...»<sup>(۱)</sup> یعنی: «به خدا سوگند کسی که دوستدار دنیا باشد و دشمنان ما را دوست بدارد، دوستدار خدای نباشد». دقت کنید دشمن محبوب از جمله فتنه‌هایی است که دوستداری دنیا به ارمغان می‌آورد. یعنی فقط به لحاظ دنیاطلبی می‌باشد که محب محبوب، دشمن محبوبش را به دوستی می‌گیرد و با او بر سر دنیای دون سازش برقرار می‌سازد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «رَأْسُ الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ»<sup>(۲)</sup> یعنی: «سرآغاز ایمان دوستی برای خدا و دشمنی بخاطر خداوند است»، امام صادق - سلام الله علیه - دوست دشمن خدا را دشمن خدا می‌داند «مَنْ أَحَبَّ كَافِرًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَ كَافِرًا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ» یعنی: «هرکس کافری را دوست دارد، محققاً خدای را دشمن داشته و هر

که با کافری دشمنی کند. به یقین با خدا دوستی کرده است.»

### فناى خواسته محب در اراده محبوب:

می باید محب. آنچه را که محبوبش می طلبد فراهم آورد و به آنچه او می پسندد سرگرم باشد؛ در غیر این صورت وسیله تشریف را از بین برده، راه رسیدن به امام خویش را که قرب الله است، به روی خود مسدود کرده است. چنان که عبدالله بن مسعود گوید: «در بعضی از سفرها با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم که ناگاه یک نفر اعرابی با صدای بلند ما را ندا کرده، گفت: «ای محمد!» رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چه می خواهی؟ گفت: مردی کسان و خویشان خود را دوست دارد، ولی کارهای آنان را به کار نمی بندد؟ پیغمبر فرمود: «الْمَرْءُ مَعَ مَا أَحَبَّ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «مرد با هر آنچه دوست دارد محشور می شود» یعنی کسی که اراده اش در خواسته محبوبش حل نشد، با همان محشور می شود که اراده اش فراهم آورده است.

### نشانه دوستداری:

دوست داشتن و عشق ورزیدن حضرت دوست، دارای آثار جانبی بیرونی نیز هست. به این معنا آنگاه که برایمان یقین شد در دل طالب دنیای مذموم، به جای دلدادگی به رزق و برق مجازی، محبت

خدا و رسولش و امامان عليهم السلام قرار گرفته است، بدون تردید فشار و تنگدستی از راه خواهند رسید، زیرا مُحب محمد و آل طاهرین آن نازنین کبریا، حضرت مصطفی صلى الله عليه وآله وسلم با آنچه از حرص و آز و حرام فراهم می‌آید، جمع نمی‌شود. چنان که حضرت خواجه کائنات صلى الله عليه وآله می‌فرمایند:

مَا مِنْ عَبْدٍ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِلَّا الْفَقْرُ أَسْرَعُ إِلَيْهِ مِنْ جَرِيَةِ السَّيْلِ عَلَى وَجْهِهِ وَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَلْيَعِدِّ لِلْبَلَاءِ تَجْفَافاً<sup>(۱)</sup> یعنی:

«هر بنده‌ای که خدا و رسولش را دوست دارد، فقر و تهیدستی به سوی او سریع‌تر از سیل به رویش شتاب می‌نماید و هر کس خدا و رسولش را دوست دارد، باید - آستین همت بالا زده - مهیای بلا و گرفتاری باشد»

و چنین به لحاظی خواهد شد که باب حرام به روی دوستدار مسدود می‌گردد و دوست به آزمایش گذاشته می‌شود تا خود او عیار محبتش را بشناسد و اگر با کوتاهی از ناحیه حضرت دوست مواجه گردید، از بی‌مهری دوست نداند. «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتِلَاهُ فَإِذَا أَحَبَّهُ حُبُّ الْبَالِغِ إِفْتِنَاهُ» یعنی: «چون خدا بنده‌ای را دوست بدارد، او را گرفتار و مبتلا می‌سازد و هنگامی که بنده‌ای را بسیار دوست دارد، او را می‌آزماید» عرض کردند: آزمایش چیست؟ فرمود: «لَا يَتْرُكُ لَهُ مَالًا وَ وُلْدًا» مال و فرزند برایش باقی نمی‌گذارد<sup>(۲)</sup> وقتی این شأن به ظهور

نشست، مؤمن عاشق خدا و رسول و امامان علیهم السلام نتیجه دوستی زندگیش را با مشقات توأم کرد، حضرت حق در رابطه مؤمن با مؤمن محبوبترین را می شناساند که حضرت جعفرین علیه السلام می فرمایند: «الْأ! وَ إِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ مَنْ أَعَانَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ مِنَ الْفَقْرِ فِي دُنْيَاهُ وَ مَعَاشِرِهِ وَ مَنْ أَعَانَ وَ نَفَعَ وَ دَفَعَ الْمَكْرُوهَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۱)</sup> یعنی: «آگاه باشید! محبوبترین مؤمن در پیشگاه خداوند کسی است که: به فقر و تهیدستی و معاش دنیوی، برادر مؤمن خود را کمک کند و کسی که به مؤمنین کمک و سود رساند و گرفتاری آنان را برطرف سازد».

چون در جمع مؤمنان، مؤمنی محبوبترین گردید، جارچی الهی مردم را به دوستی او فرا می خواند. زیرا اول مخلوقات، سرور کائنات، محمدبن عبدالله - صلوات الله علیهما - فرموده اند: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدًا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَلَا! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَحَبَّ اللَّهُ فَلَانَا فَأَحْبُوهُ فَتَعِيَهُ الْقُلُوبُ وَلَا يُلْقَى إِلَّا حَبِيبًا مُحِبًّا مَذَاقًا عِنْدَ النَّاسِ»<sup>(۲)</sup> چون خدای بزرگ بندهای را دوست بدارد، از آسمان یک جارچی جار زند، آگاه باشید! خدای بزرگ فلانی را دوست می دارد؛ شما نیز او را دوست بدارید که دلها او را در میان خود جای می دهند که جز دوست و دوستدار و مردم پسند ملاقات نمی شود».

پس دوستدار محبوب، می باید خود را برای از دست دادن آنهمه آسایش و آرامش دنیائی که از مسیر غیر مشروع فراهم می آید مهیا

۱- بحارالانوار ج ۷۵ ص ۲۶۰.

۲- همان ج ۶۸ ص ۳۷۲.

سازد و به از دست دادن آن دلشاد باشد. زیرا آنچه بر شیر محب فراهم است، برای دوستدار محبوب عالمیان فراهم نیست. مردی بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد شد و گفت: یا رسول الله! راستی من شما را دوست می‌دارم. حضرت عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ او فرمودند: «إِسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ» برای فقر آماده شو. عرض کرد، خدای را دوست می‌دارم. فرمود: «إِسْتَعِدَّ لِلْبَلَاءِ» مہیای پذیرش بلا و آزمون باش <sup>(۱)</sup>.

حدیثی که علامه طباطبائی رَحِمَهُ اللهُ به آن اشاره داشته‌اند، خاطر م را به سوی خود کشید. جناب ایشان می‌نویسند: «زندانبان به یوسف عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد: «من شما را دوست دارم» فرمود: «دوستم مدار، که عمه‌ام مرا دوست داشت به دزدی متهم شدم. پدرم مرا دوست داشت، برادرانم به من حسادت کردند و مرا در میان چاه انداختند و محبوب زن عزیز شدم، به زندانم افکندند» <sup>(۲)</sup>.

## صدقہ محب:

محب، چون از محبت محبوبش پُر شد، دائماً نگران او بوده، سلامتی او را چون سایه دنبال می‌کند و هرگاه دست دعا بر می‌دارد، مقدم بر هر خواهش‌های سلامت او را آرزو می‌نماید. پس از جمله آداب و سنن در راه رسیدن به لقاء جمال جمیل حضرت وجه‌الله الاعظم ارواحنا فدا - دعا بر وجود نازنین حضرتش می‌باشد و می‌باید با

۱- محجة البیضاء ج ۸ ص ۵.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۱ ص ۲۶۴.

پرداخت صدقه، چنین عرض ادبی را نشان دهد. چنان که سید بن طاووس به فرزندش سفارش می‌کند: «پیش از آن که برای خود و عزیزانت صدقه دهی، برای حضرت او صدقه ده و دعا به آن وجود مقدس را بر دعای به خود [و کسان خود] مقدم دار»<sup>(۱)</sup>

این مسکین بیچاره دل پاره، حسین بن حسن بن هادی بن مهدی بن پیر حیدر سمنانی، خوشحالم که یارانِ طریقِ محبوب را به این سنتِ فیض آثار و برکت آفرین و نعمت‌خیز، قبل از زیارتِ سفارشِ محدثی عارف، عارفی فقیه سید بن طاووس علیه السلام به آن توجه داده، خوشبختانه به این عرض ادب، موفق و مؤید هستند و امیدم اینست عزیزانم، نور چشمانم<sup>(۲)</sup> که نخستین اذان و اقامه را از این کلب

۱- ترجمه کشف‌المحجبه ص ۲۳۰.

۲- سامان بن محمد رضا حیدرخانی متولد ۱۲ فروردین ۱۳۶۱ کمیل عارف حکیمی متولد ۴ شهریور ۱۳۶۴ خواهرزاده‌ام نیکان مسگرها متولد ۱۰ خرداد ۱۳۶۸ فرید بن فرهاد بن علی اصغر بن محمد حسین بن محمد سلسبیلی متولد ۲۶ اسفند ۱۳۷۳ سارا سلسبیلی متولد ۱۴ شهریور ۱۳۷۸ غلامرضا بن محمد رضا بن غلامرضا روستا متولد ۲۸ مهر ۱۳۷۷ کمیل پرنیزکار متولد ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۹ مهدیه حکیمی متولد ۲۲ آبان ۱۳۶۷ کمیل انجمن آراء متولد ۲۶ فروردین ۱۳۷۱ نوریه بیده متولد ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳ کمیل گودرزی متولد ۱۹ دی ۱۳۷۱ رابعه بکدار متولد ۱۹ آذر ۱۳۶۴ کمیل قدیمی متولد ۲۱ مرداد ۱۳۷۱ مهدیه غفارپور متولد ۲۹ آبان ۱۳۷۴ و امیرسپهر افشین متولد ۲۵ فروردین ۱۳۷۵ کوثرالسادات سنت حمیدرضا بن سید محمد بن عارف واصل سید محمد صادق علوی طباطبائی بروجردی متولد ظهر ۳۰ آذر ۱۳۷۵ پوریا گشتاسبی متولد ۱۲ بهمن ۱۳۷۶ ختن فشندی و کوثر رئیسی دهکردی متولد ۷ اردیبهشت ۱۳۷۵ سید محمد حسین بن علی بن سید تقی و عینی واحدی متولد ۱۱ بهمن ۱۳۷۷ شهرزاد حسینی رباط متولد ۱۸ خرداد ۱۳۶۶ رضا قاضی زاهدی متولد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۷ کیارش کاشفی متولد ۵ / اسفند ۱۳۷۶ محمد علی بن مهدی زندی متولد ۲۶ آبان ۱۳۷۷ عبدالعلی بن پیمان مینائی متولد ۲۹ مهر ۱۳۷۷ محمد ملکیان متولد ۲ دی ۱۳۷۷ نرمة بنت آرش قنبری متولد ۱۷ دی ۱۳۷۷. فاطمه حسین پور متولد ۲۴ بهمن ۱۳۷۷ مرضیه بنت عبدالرضا بن علی بن تقی بارفروش متولد ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ سینا بن سعید بن

آستان شاه ولایت شنیده‌اند و امروز در دورهٔ مجد و عظمت اسلام که زعامت و رهبری جوامع اسلامی با ولی فقیه است، آنان دوران نوبه‌الی را سیری می‌کنند، سفارش می‌کنم از ایام شباب، خود را به چنین سعادت‌تی شرافت بخشند و لحظه‌ای از عرض ادب به ساحت ملائک پاسبان، قطب زمان، هادی دوران، روح قرآن، رکن ایمان، امام زمان خلیفة‌الرحمان - ارواحنا فداه - غافل نشوند و انشاءالله در پناه برکات و فیوضات التجاء به ساحت قدس صاحب‌الامر و العصر، عمری به بلندای آفتاب داشته باشند و فرزندان خویش را به این

محمدحسین بن ابراهیم بن استاد فرج قلی بیگی سمنانی و محمدرضا بن سعد بن ابراهیم هیکل متولد ۱۰ فروردین ۱۳۶۸ بهمن ناصرینخت و امیرعلی بن فرهاد بشاش متولد ۶ آذر ۱۳۶۸ و امیر علی مجلسی متولد ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۲ کسرا تجریشی متولد ۸ دی ۱۳۷۲ کوشا تجریشی متولد ۹ فروردین ۱۳۷۴ کبریا گودرزی متولد ۲۷ مرداد ۱۳۷۴ سید یونس حسینی متولد ۱۶ آذر ۱۳۱۶ سید علی بن سید بهمان بن سید جلال مدنی متولد ۲۲ آذر ۱۳۶۷ کوشا گلشنیان متولد ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ عارفه احمدنژاد و سارال متولد ۸ دی ۱۳۷۱ و سانا متولد ۳۱ خرداد ۱۳۱۵ و امین عباسی لیک، ۱۴ اسفند ۱۳۱۶ و عطایا حمیدین محمد حسین سلسبیلی متولد ۲ بهمن ۱۳۶۵ سالومه خطائی متولد ۳ مرداد ۱۳۶۸ کمیل متولد ۱۲ مرداد ۱۳۷۲ و اویس متولد ۱۴ آذر ۱۳۷۴ قربانی و امیرعلی (آریاوش) ملایری متولد ۲۴ فروردین ۱۳۷۶ نگین و نگار دوقلو متولد ۲۱ دی ۱۳۷۳ پرندوش مهدی پورنرمانی متولد ۳۰ شهریور ۱۳۷۶ شهاب حسینی رباط متولد ۲۵ تیر ۱۳۷۷ قدیسه بنت خداداد رحمانی متولد ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۸ آیدین علی محمدیان متولد ۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ محمد حسن مظهری متولد ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۸ محمد مهدی بیده متولد ۹ اسفند ۱۳۶۳ محمدرضا بیده متولد ۴ مرداد ۱۳۶۵ محمد حسن بیده متولد ۲۴ بهمن ۱۳۱۹ سعید کامرانی متولد ۲۲ مهر ۱۳۶۹ محمدحسین زینعلی متولد ۲۳ شهریور ۱۳۷۷ محمد صادق پیشوا متولد ۱۱ خرداد ۱۳۷۹، لایلا عسی محمد متولد ۲۹ دی ۱۳۱۹ رشیکا محمودی متولد ۱۸ بهمن ۱۳۷۹ پری دخت بنت منصور بن حسن بن هادی بن مهدی بن پیرحیدر سمنانی حیدرعلی متولد ۲۴ بهمن ۱۳۱۹ محمدصادق بن عباس بن محمد جواد شیخ گودرزی متولد ۳۰ بهمن ۱۳۷۹ سید محمد هادی بن سید عباس بن سید تقی بن سید عباس سید آقاجان و عیدی واحدی ۴ تیر ماه ۱۳۸۰ مطهره محمودی متولد ۱۸ تیر ۱۳۸۰



«صلوات اله علیهم اجمعین - نسل آنان تا زمان ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ادامه یافته، به عصر زعامت و امامت آسمانی آن زمین کرده به تن مطهر و فلک کرده به جان منور برای رفع هرگونه ایذاء و اذیتی از وجود نازنینش صدقه دهند و بر جان نثاری از دیگران پیشی گیرند. «این دعا را از همه خلق جهان آمین باد».

و این نه چیزی است که ارادتمندان حضرتش بدون استناد انجام داده‌اند و می‌دهند. بل حضرت ختمی مرتبت - صلوات الله علیه و آله - فرموده‌اند: «هیچ بنده‌ای ایمان نیاورد تا این که من نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و خاندانم از خاندان خودش نزد او محبوب‌تر باشند و عترت من نزد او از عترت خودش محبوب‌تر باشند و ذات من از ذات خودش نزد او محبوب‌تر باشد»<sup>(۱)</sup> و صدقه دادن از برای حضرت، عمل کردن به این سفارش است.

## عصاره همه کلمات

اگر این علائم را در محبت نسبت به ولی نعمت عزیزالوجودمان حضرت صاحب العصر و الامر و الزمان یافتیم، باید یقین حاصل کنیم چون شوق شدید و دوستی حقیقی فراهم آمده است، پس قرب روحی به ساحت اقدس نازنین کبریا نصیب گردیده و این نزدیک شدن روحی، موجب دیدار محبوب می‌گردد. چنان که فرموده‌اند: «اگر دوستی پیدا شد، شما را می‌رساند. اگر علاقه پیدا شد، پشت کوه قاف هم که باشد شما را می‌کشاند و بالاخره به محبوب می‌رساند. حالا چطور برساند؟ قانون کلی که تحت ضابطه بیاید ندارد. می‌رسی. یا در خواب، یا در بیداری، یا به خودش، یا به خواصش. بالاخره نشانه این که رفته‌ای در باغ به دستت می‌دهند، ولو یک برگ سبز باشد، ولو یک شاخه گل باشد، ولو یک میوه باشد. باید به امام زمانتان محبت پیدا کنید. اگر دوستی داشتی، صفحه وجودت عوض می‌شود...»

پس «باید محبت به امام زمان پیدا کنید، هیچ گچی، هیچ راهی، هیچ ذکر و وردی، هیچ طلسم و اسمی بالاتر از این نیست اقرب الطرق برای رسیدن به درگاه و پیشگاه شاه عالم امکان. محبت به آن بزرگوار است...»

در اینصورت «باید محبت مستقر شود، باید به پایه‌ای برسد که در فراق او بسوزی، بنالی، اشک بریزی، در طلب حقیقی اش برآئی.

خسته و مانده نشوی ...» و نتیجه می‌گیرد «اصل الاصول، جوهر الجواهر، عصاره همه کلمات، یک کلمه است: باید به امام زمان محبت پیدا کنی. باید محبت هم شدید شود. خود محبت، راهها را باز می‌کند و تو را به او نزدیک می‌کند. محبت او را می‌کشاند ...»<sup>(۱)</sup>

## چه روزها به شب آورد جان منتظرم به بوی آن که شبی با تو روز گردانم

آرزویی که از عنفوان جوانی و ریعان شباب و کامرانی، بدان مقصود و معانی دل بسته داشتم و مدتها بر شکاف دریچه غیب و منظر عالم لاریب، نشسته در پس زانوی فکر، منتظر سعادت بوسیدن بساط نشاط قدس و نوشیدن شراب انس بودم و هرگز مرغ نیازی در تعقیب هیچ نمازی پرواز نکرده، مگر طومار رازی از این آرزو در منقار داشت، تا شاید به عنایت بی علت که نافه‌های تو برتوی آن، بوی نالایق نوازی می‌دهد، مخابر خوش خبر باشد. شکوفه گلستان جمال که آب زندگانی، رشحه‌ای از سرچشمه عنایت اوست، حضرت شاه سریر ولایت که عزیز مصر افضال است و ماه کنعانی خوشه چین خرمین آفتاب شمائل اوست، مقتضی گشت خود را بر حواشی خاطر فیاض فیض بخش همدمان نسیم وصالش و محرمان حریم جمالش به نوعی عبور داده، جام باده مقصود سرکشم.

بلبلی را نکبتهی از گلستان آورده‌اند

یا تن فرسوده را پیغام جان آورده‌اند

یا که خضر تشنه لب را در بیابان طلب

از زلال چشمه دانش نشان آورده‌اند

یا که بیماران دردِ عشق را بهر شفا  
 نفحهٔ انفاس عیسای زمان آورده‌اند  
 یا که از مصرِ حقیقت جانبِ یعقوب دل  
 بوی پیراهانِ یوسف ناگهان آورده‌اند  
 هرچند زمانی که آفتاب جوانی به حدِ زوال در آمده و شاهباز  
 میانسالی برآشیانهٔ خانهٔ غراب نشسته، براین مشتاقِ دیدار حضرت  
 دوست، با دل حزین خود در شبی که پهنای آن پنجاه و یک سال  
 تواند بود<sup>(۱)</sup>، رازی گفت و نیازی نمود و استدعائی به آستان حضرت  
 خسرو عهد و زمان که نشانهٔ آیت «بقیة الله خیراً لکم» است عرضه  
 داشت، دوره‌ای بود که سفینهٔ جان به غرقاب مهالک جسمانی نرسیده،  
 ولی امروز که حضرتِ واهب الرحمه، این بندهٔ غلامان خسرو جان را  
 به چنین سعادتِ توفیق بخشیده.

در اندیشه بیستم قلم فکر شکستم

که تو بالاتر از آنی که کنم وصف کمالت

اما بیش از این نیست که بنده، شرف خود در عزتِ انتهای آن  
 حضرت می‌بیند و عزت خود، شرفِ انتساب به اصحاب درگاهِ شاه  
 ولایت می‌داند. به هر زمان که عنایتی از راهِ بی‌علتی در رسید، طوق  
 افتخار نموده، در گردن جان انداخته، رسالهٔ شریفه حاضر که ثمره  
 نعمتِ توجهِ ایزدی است، ادای شکر آن عنایتِ سرمدی گردید و شاید  
 توشه راه رسیدن به درگاهِ بارگاه فیض مطلق و نور مجسم شود و

۱- ساعت ۳¼ بعد از نیمه شب پنجشنبه ۱۶ / اردیبهشت / ۱۳۷۸ سالروزِی که ۵۱ سال قبل  
 دیده به این دنیا گشودم.

عاشقانِ قدوةٔ جهان، قطب دوران، هادی زمان که دستی ز هجرانِ  
 حضرتش بر سردارند، بتوانند دست دیگر در دامنِ وصالش زنند.  
 هر چند باریافتگان که صورت بر آستان ملائک پاسبان حضرت  
 شاه عشق گذاشته‌اند، اوقات و ساعات به نشر محبتِ بقیهٔ خدا، همت  
 نموده‌اند و حلِ مشکلاتِ و کشف معضلاتِ رسیدن به درگاه  
 صاحب‌الامر و العصر و الزمان که «در بقاء وجودش هزار مصلحت  
 است» نموده‌اند، معتقدند:

ز سعی من چه گشاید؟ تو بار به خویشتم ده

که چشم سعی ضعیف است بی چراغ هدایت

ولی انشاءالله این رساله از مکن غیب سببی باشد که متضمن  
 دولت و وصولِ ملاقات و سعادتِ حصولِ مرادات برپایه دیدار به ظهور  
 آید «یا رب به اجابتش قرین دار».

خاک پای شیعیان  
 حسین عبدالمهدی

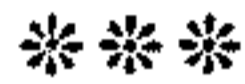
## فهرست آیات

١٢٨	انه لا يحب المسرفين
٣٦	انى ظلمت نفسى
١٢	اولئك الذين يدعون
٤٩	بقية الله خير لكم
٢٤	فلما تجلى ربه للجبل جعله
٣١	قل لا اسئلكم عليه اجراً الا
٤٠	لا يشفعون الا لمن ارتضى
١١	و اسبع عليكم نعمة ظاهرة
٩	و لا تحملنا ما لا طاقة لنا
٩٦	ولله الاسماء الحسنى
١٢	يا ابا نا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا
١٢	يا ايها الذين امنوا اتقوا الله
٣٧	يحى الارض بعد موتها



## فهرست احادیث قدسی

- ای بندگان من آیا چنین نیست که ..... ۹۵
- ای داود مرا دوست دار و هرکس ..... ۱۶۴
- جنی الی خلق و حبیب خلق ..... ۱۶۴
- مرا در میان آفریدگانم محبوب ساز ..... ۳۵
- هرگاه بدانم اشتغال به من بر بنده‌ام ..... ۳۸
- یابن عمران کذب من زعم انه ..... ۱۶۷
- یا حارث ما اذا احببنی فلا ..... ۱۶۷





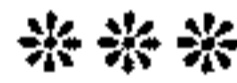
## فهرست احاديث عربى

- اذا احب الله تعالى عبداً ..... ١٧٠ - ١٧١
- اذا كثّر فيه تلاوة القرآن ..... ١٥٣
- اشراف امتى حملة القرآن ..... ١٥٢
- افضل اعمال شيعتنا ..... ٢٨
- افضل عبادة امتى ..... ١٥٤
- الاخلاص فى العمل ..... ١٤٠
- الا و ان احب المؤمنين ..... ١٧١
- الايمان حب و بغض ..... ١٦٠
- الدين هو الحب ..... ١٦١
- القران هدى من الضلال ..... ١٥٤
- الوضو سلاح المؤمن ..... ١٣٠
- الوضو شرط الايمان ..... ١٣٠
- الوضو على الوضو ..... ١٣٠
- النظر فى المصحف و التفكير ..... ١٥٣
- اما لوان رجلاً ..... ١٤٧
- ان فى القرآن سورة ..... ١٥٧

- ٦٧ ..... ان الله ينزع الخوف
- ٢٧ ..... ان لصاحب هذا الامر
- ..... انا احب الله
- ٦٧ ..... انا خاتم الاوصياء و
- ١٥٦ ..... انا نامر صبياننا بتسبيح فاطمه
- ١٦٣ ..... انت مع من احببت
- ٢٧ ..... انتظار الفرج عبادة
- ٢٧ ..... انتظار الفرج من اعظم العمل
- ١٩ ..... انهم على طريقي بل هم اضل
- ٢٨ ..... اوليس تعلم ان انتظار
- ٦٧ ..... تنعم امتي في زمن المهدي
- ١٦٣ ..... حبنا ايمان و بغضنا كفر
- ١٦٨ ..... راس الايمان الحب في الله
- ٣٩ ..... طلب المعارف من غير طريقتنا
- ٢٩ ..... طوبى للثابتين على امرنا
- ٦٧ ..... طوبى لمن تمسك بامرنا
- ٧٦ ..... طوبى لشيعتنا المتمسكين بحبنا
- ١٥٥ ..... عليكم بقيام الليل فانه داب
- ٢٩ ..... فالله فالله في اديانكم
- ١٥٤ ..... فان القرآن يحيي القلب عن
- ١٤٩ ..... فلما مضى تنازع

- ١٦٦ ..... كيف يدعى حب الله من
- ١٢٧ ..... لا حجاب بينه و بين خلقه.....
- ١٣٠ ..... لا يحافظ على الوضوء الا مؤمن
- ١٦١ ..... لا لمحض رجل الايمان
- ١٥٤ ..... لا يعذب الله قلباً.....
- ٤١ ..... ليكونن من بعدى اثني عشر امير
- ١٦٨ ..... من احب كافراً فقد ابغض الله
- ٣٥ ..... من احبكم فقد احب الله.....
- ١٢٨ ..... من اخلص لله اربعين صباحاً.....
- ٢٦ ..... من انكر القائم من
- ٢٧ ..... من انكر القائم من ولدى
- ١٥٦ ..... من سبح تسبيح فاطمة الزهراء قبل
- ٢١ ..... من شيعتي من يدعى المشاهده
- ١٥٣ ..... من كان القرآن در بته و المسجد
- ١٧٠ ..... ما من عبد يحب الله و رسوله
- ٤٨ ..... مثل اهل بيتي
- ١٥٣ ..... مخاج لطرق الصلحا
- ١٥٣ ..... نوروا بيوتكم بتلاوة القرآن.....
- ١٣٠ ..... و اسباغ الوضوء في السبرات
- ١٥٤ ..... و اقمها على كتاب الله عند الشبهات
- ١٦٢ ..... و الذي نفسى بيده لا يؤمن

- والله ما احب الله من احب..... ١٦٨ ، ١٦٣
- و اما الحوادث الواقعة ..... ١٨
- و اما الائمة عليهم السلام فانهم ..... ٦٨
- و اما وجه الانتفاع في غيبتى ..... ٦٩
- و انه ليتقرب الى بالنافلة ..... ١٥٢
- و لا تكونوا كرهبانية النصارى ..... ١٢٨
- و نحن اهلبيت محمد و اولى بولاية ..... ١٤٩
- هل الدين الا الحب ..... ١٦١
- هم الذين يحبون عبادالله ..... ١٦٥
- هيات هيات لا يكون فرجنا ..... ٢٩
- يا عبدالله احب في الله ..... ١٦٠
- يكن هذه الامة اثنا عشر ..... ٤١



## فهرست احادیث فارسی

۹۷	اگر نیازی داری لب‌های خود را
۳۴	ای محمد! به تحقیق علی و فاطمه و حسن و حسین
۲۶	برخی گویند مرده است
۳۷	به وسیله باران احیا نمی‌کند
۱۴۰	تو به خاطر آن گناهی که
۳۲	چه بسیار زنان جگر سوخته
۳۵	خداوند رحمت کند بنده‌ای که
۴۲	خداوند رحمت کند بنده‌ای را
۳۷	خداوند عز و جل به وسیله
۴۲	خوشا به حال کسی که
۴۲	دوست دارند، آنها
۱۵۸	روشناتی چشم او زیاد گردد
۳۶	زمین را لبریز از قسط و عدل
۱۶۶	سه چیز اگر در کسی باشد طعم
۱۳۸	شما آشوبهای تاریک و
۴۰	شیعیان ما گوسفندان برای
۱۶۵	علی نظیر من است
۱۵۵	کسی که در درونش چیزی
۴۱	من برای چهار گروه

- من برای مؤمنی که ..... ۶۶
- هر چیز را قلبی است ..... ۱۵۶
- هر کس از جماعت مسلمانان ..... ۸۲
- هر کس بخواند از جمله مؤمنان ..... ۱۵۸
- هر کس بعد از نماز ..... ۱۵۸
- هر کس به سوی خداوند ..... ۱۲۶
- هر کس بمیرد در حالیکه ..... ۸۱
- هر کس ثواب نماز خود ..... ۹۳
- هر کس در عمر خود یک بار ..... ۱۵۷
- هر کس در هر شب جمعه ..... ۱۵۸
- هر کس سوره نوح را بخواند ..... ۱۵۸
- هر کس شبی ده آیه ..... ۱۵۴
- هر کس مشتاق به سوی ..... ۱۵۸
- هر گاه حضرت قائم آل رسول ..... ۳۸
- هر گاه سختی و گرفتاری ..... ۹۶
- هر گاه کسی از شما تمنای ..... ۱۲۶
- هر یک از شما باید ..... ۱۳۹
- همانطوری که به آفتاب ..... ۳۹
- هنگام مرگش دیدار ..... ۳۲
- هنوز اسیر نفست می باشی ..... ۱۳۹
- هیچ بنده ای ایمان ..... ۱۷۵



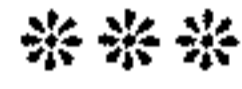
## ادعيه، اذكار، زيارات

- السلام عليك يا صاحب العصر يا اباالنصر ..... ١١٣
- السلام عليك يا صاحب الزمان ..... ١١٠
- اشهدان بولايتك تقبل الاعمال ..... ٣٤
- الغوث و الامان ..... ١١٢
- الغوث يا صاحب الزمان ..... ١١١
- الاوصيا المرضين الهادي ..... ٧٠
- اللهم اليك توجهت و بك اعتصمت ..... ٥٤
- اللهم اليك شخصت الابصار ..... ٥٢
- اللهم انت السلام و منك السلام ..... ٩٤
- اللهم انت عرفتني نفسك و عرفتني ..... ٧٨
- اللهم اني اسالك بحق وليك ..... ٩٧
- اللهم سرحني عن الهموم و الغموم ..... ١٥١
- اللهم صل على محمد و آل محمد و ترحم ..... ١٥٩
- اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم ..... ٥٠
- اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل ..... ٥١
- اللهم صل على ولي امرك القائم ..... ٥٠
- اللهم صل على وليك وبن اوليانك ..... ٥٠
- اللهم صل على مولانا و سيدنا ..... ٥٠
- اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان ..... ١١٤, ٥١

- اللهم عجل فرج و سهل ..... ١١٢
- اللهم عرفنى نفسك ..... ٥٦
- الهي عظم البلاء ..... ٧٩
- اللهم من تها في هذا اليوم ..... ٦٢
- المستغاث بك يا صاحب الزمان ..... ١٦
- المستغاث بك يا مغيث ..... ١١٣
- الهي بحق فاطمه و ايها ..... ١٣٣
- الهي بحق من ناجاك ..... ٧١
- انى اسئلك ان توخر ..... ١٣٣
- اى سامع كل صوت اى جامع ..... ٥٨
- بسم الله الرحمن الرحيم يا محمد يا على ..... ١١١
- ثم الحجة الخلف القائم المنتظر ..... ٢٥
- رضيت بالله رباً و بالاسلام ..... ٥٧
- سلام الله الكامل التام ..... ١٠٩
- عجل الله تعالى فرجه و ظهوره ..... ٥٢
- يا ابا صالح المهدي ادركنى سيد ..... ١١٢
- يا ابا صالح المهدي ادركنى ..... ١١٥
- يا ابا النصر انى مظلوم فانتصر ..... ١١٤
- يا بن الانوار الزاهره ..... ١١٤
- يا بن الزهرا و المصطفى ادركنى ..... ١١٣
- يا بن طه يا مهدي ..... ١١٣
- يارب محمد عجل فرج آل محمد ..... ٥٢
- يا حجة بن الحسن بحق فاطمه ادركنى ..... ١١٤
- يا صاحب القدر و الاقدار ..... ٧٨



- ١١٥ ..... يا غياث المضطر المستكين
- ١١١ ..... يا محمد يا علي يا علي يا محمد
- ١١٢ ..... يا معزالاولياء و مُذل الاعداء
- ٦٠ ..... يا من توحد بنفسه عن خلقه يا من
- ٧٧ ..... يا من فضل ابراهيم وآل اسرائيل

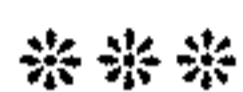


## فهرست مصادر و مأخذ

- ١ - قرآن
- ٢ - نهج البلاغه
- ٣ - صحيفة سجديه
- ٤ - آشناني با علوم اسلامي
- ٥ - اثبات الهداه
- ٦ - ارشاد مفيد
- ٧ - از كوي صوفيان تا حضور عارفان
- ٨ - اصول كافي
- ٩ - اعيان الشيعه
- ١٠ - اقبال الاعمال
- ١١ - البيان في اخبار صاحب الزمان
- ١٢ - الكنى و الاسماء
- ١٣ - المرجعية الدينية و مراجع الامامية
- ١٤ - المنتهى
- ١٥ - المواهب اللدنيه
- ١٦ - الوفا باحوال المصطفى
- ١٧ - امالى شيخ صدوق
- ١٨ - امالى شيخ مفيد
- ١٩ - انيس العارفين
- ٢٠ - بحار الانوار
- ٢١ - پيام امام زمان
- ٢٢ - ثواب الاعمال
- ٢٣ - تاريخ بغداد
- ٢٤ - تبصرة الولي في من رأى
- ٢٥ - القائم المهدي
- ٢٦ - تذكرة الاولياء
- ٢٧ - تصوف در ميان شيعيان
- ٢٨ - تفسير برهان
- ٢٩ - تفسير جواهر
- ٣٠ - تفسير روح المعاني
- ٣١ - تفسير صافي
- ٣٢ - تفسير قمي
- ٣٣ - تفسير كشاف
- ٣٤ - تفسير الميزان
- ٣٥ - تفسير مجمع البيان
- ٣٦ - تفسير نورالثقلين
- ٣٧ - تهذيب الاحكام
- ٣٨ - جامع احاديث الشيعه

- ۳۹ - جمال الصالحين  
 ۴۰ - جمال الاسبوع  
 ۴۱ - جنة الماوى  
 ۴۲ - چهل حديث آية الله العظمى امام خمينى  
 ۴۳ - حلية الاولياء  
 ۴۴ - خصال صدوق  
 ۴۵ - خواص الآيات  
 ۴۶ - دلانل النبوه  
 ۴۷ - دو رساله عرفانى از نجم الدين كبرى  
 ۴۸ - رساله الولايه علامه طباطبائى  
 ۴۹ - روزگار رهائى  
 ۵۰ - روضه كافى  
 ۵۱ - روضة الواعظين  
 ۵۲ - رياض النضره  
 ۵۳ - زاد المعاد مجلسى  
 ۵۴ - سفينة البحار  
 ۵۵ - شيفتگان حضرت مهدي (عج)  
 ۵۶ - سنن ابن ماجه  
 ۵۷ - صواعق المحرقة  
 ۵۸ - صحيح بخارى  
 ۵۹ - طبقات الصوفيه  
 ۶۰ - عقد الدرر  
 ۶۱ - عين الحيوه  
 ۶۲ - غرر الحكم  
 ۶۳ - غيبت طوسى  
 ۶۴ - غيبت نعمانى  
 ۶۵ - فتوحات مكيه  
 ۶۶ - فراهيى از تجليات امام عصر (عج)  
 ۶۷ - فصل الخطاب  
 ۶۸ - فيض القدير  
 ۶۹ - كشف الغمه  
 ۷۰ - كشف المحجبه  
 ۷۱ - كفاية الاثمه  
 ۷۲ - كلمه الامام المهدي (عج)  
 ۷۳ - كمال الدين  
 ۷۴ - كنز العمال  
 ۷۵ - گنجينه دانشمندان  
 ۷۶ - مجموعه ورام  
 ۷۷ - محاسن برقى  
 ۷۸ - محجة البيضا  
 ۷۹ - مجمع زوائد  
 ۸۰ - مرآت الانوار  
 ۸۱ - مستدرک حاكم  
 ۸۲ - مستدرک محدث نورى  
 ۸۳ - مسند احمد حنبل  
 ۸۴ - مصباح طوسى  
 ۸۵ - مصباح الهداية مفتاح الكفايه  
 ۸۶ - معجم الكبير طبرانى

- ۸۷ - مفتاح الفلاح  
 ۸۸ - مقتدای عارفان در نگاه خاتم پیامبران  
 ۸۹ - مکیال المکارم  
 ۹۰ - منتخب الاثر  
 ۹۱ - من لایحضره الفقیه  
 ۹۲ - مهر تابان  
 ۹۳ - نجم الثاقب  
 ۹۴ - نفحات الانس  
 ۹۵ - نهج الفصاحه  
 ۹۶ - نوای فراق  
 ۹۷ - وسائل الشیعه  
 ۹۸ - وفا الوفا  
 ۹۹ - ولایت فقیه  
 ۱۰۰ - یوم الخلاص



## خاندان عصمت و طهارت

حضرت رسول خدا (ص): ۱۳، ۱۵، ۱۸	۶۳، ۸۵، ۱۱۸، ۶۵، ۸۵، ۱۱۸، ۱۴۲
۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸	۱۴۹
۴۱، ۴۲، ۴۸، ۵۰، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۰، ۸۵	حضرت امام سجاد (ع): ۱۳، ۲۵، ۵۷
۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸	۱۱۸، ۶۳
۱۲۹، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸	حضرت امام باقر (ع): ۱۴، ۲۵، ۲۹
۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۰	۳۷، ۶۳، ۸۵، ۱۱۸، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۶۰
حضرت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین	حضرت امام صادق (ع): ۱۱، ۱۴، ۲۳
(ع): ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۲۱، ۳۳، ۵۰، ۵۷	۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۷، ۵۸
۶۳، ۸۵، ۷۰، ۸۵، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۱۱۶	۶۳، ۶۷، ۷۵، ۸۵، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۲۶
۱۱۸، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۸، ۱۶۵	۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۷۱
۱۶۷	حضرت امام کاظم (ع): ۱۱، ۱۴، ۱۶
حضرت فاطمه زهرا (س): ۹، ۳۳، ۴۸	۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۷، ۴۰، ۴۷، ۵۷، ۶۳، ۷۶، ۸۵
۵۷، ۶۳، ۷۲، ۷۸، ۹۲، ۹۸، ۱۱۴، ۱۳۴	۹۲، ۹۳، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۷
۱۴۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۲	حضرت امام رضا (ع): ۲۳، ۲۵، ۲۸
حضرت خدیجه (س): ۹، ۷۵	۳۰، ۳۲، ۴۰، ۵۷، ۶۳، ۸۵
حضرت امام حسن مجتبی (ع): ۳۳، ۵۷	حضرت امام جواد (ع): ۱۴، ۲۸، ۵۷
۶۳، ۸۵	۸۵، ۵۷، ۶۳
حضرت امام حسین سیدالشهداء	حضرت امام هادی (ع): ۱۴، ۵۷، ۶۳
علیه السلام: ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۳۳، ۵۷، ۶۴	۸۷

۱۱۸، ۱۱۴، ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۵، ۹۳، ۸۵	حضرت امام حسن عسکری (ع) : ۲۹
۱۵۰، ۱۴۷، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۲۶، ۱۲۵	۱۴۲، ۸۵، ۷۵، ۱۱۸، ۶۳، ۵۷
۱۵۵	حضرت امام زمان (= صاحب زمان،
حضرت معصومہ (س) : ۱۰	بقیۃ اللہ، تجلی اعظم، یوسف فاطمہ) : ۱۰
حضرت قاسم بن الحسن (ع) : ۱۷	۲۹، ۲۷، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۲
حضرت ابوالفضل العباس (ع) : ۱۷	۶۰، ۵۸، ۵۷، ۵۰، ۴۸، ۴۲، ۳۹، ۳۸، ۳۳
	۸۳، ۸۲، ۸۰، ۷۷، ۷۴، ۷۳، ۶۶، ۶۴، ۶۳



## فهرست اعلام

۶۵	حاج آقا سبحانی:	۷۷	ابراهیم (ع):
۶۵	حاج آقا محمودی:	۹۷.۱۳	ابن الباس:
۶۵	حاج آقا نور:	۱۵۹	ابن عباس:
۶۵	حاج مرشد اسماعیل:	۶۲	ابو حمزه ثمالی (ع):
۶۷	حاج مرشد اصغر فلاحتیان:	۷۹	ابوالحسن محمد بن احمد:
۶۵	حاج مرشد فیرنی:	۲۰	ابوالقاسم گرگانی:
۶۷	حاج ناظم قنات آبادی:	۹۷.۹۶.۱۳	ابوالوفا شیرازی:
۱۶۷	حارث اعور:	۱۹	ابودر غفاری (ع):
۲۰	حسن بصری:	۷۲	ابی سعید غانه هندی:
۱۶	حسن بن ابراهیم:	۶۵	احمد شمشیری:
۱۷	حسن حیدرخانی:	۲۰	احمد غزالی:
۱۱۹	حسین بن روح:	۹۷.۶۸.۱۸	اسحاق بن یعقوب کلینی:
۷۴	حسین بن وجنا:	۶۶	اسرافیل (ع):
۲۱	داود الهامی:	۲۹	جابر بن جعفری:
۲۰	داود طائی:	۱۵۵.۶۶	جبریل (ع):
۱۱۸	سعید بن عثمان:	۱۳۵	جلال الدین محمد مولوی:
۱۳۷	سعید عمادی:	۲۰	جنید بغدادی:
۲	سفیان ثوری:	۱۳۶	حاج آقا باقر طباطبائی قمی:

سید علی قاضی طباطبائی: ۱۴۵	سید علی قاضی طباطبائی: ۹۵
سید علی نقی تهرانی: ۱۳۶	سید علی نقی تهرانی: ۳۹
سید علاءالدین طالقانی: ۱۳۶	سید ابراهیم: ۱۳۵، ۱۱۶، ۵۶
سید غلامحسین شیرازی: ۶۵	سید ابوالحسن رفیعی قزوینی: ۱۳۵
سید فضل اله خوانساری: ۱۳۶	سید احمد خوانساری: ۱۳۵
سید کاظم شبستری: ۱۳۶	سید احمد شهرستانی: ۱۳۶
سید کمال مرتضوی: ۱۳۶	سید احمد گلپایانی: ۱۳۶
سید محمد رضا غلوی تهرانی: ۱۳۶	سید اسماعیل سجادی: ۱۳۶
سید محمد حسین غلوی خونی: ۱۳۶	سید بیوک زنجانی: ۱۳۶
سید محمد علی سبط: ۱۳۶	سید تقی صالح: ۱۵۲، ۱۴۸
سید محمود شیرازی: ۶۵	سید تقی واحدی: ۲۱
سید مرتضی ایروانی: ۱۳۵	سید جعفر شاهرودی: ۱۳۶
سید مرتضی علم: ۱۳۶	سید جعفر شیرازی: ۶۵
سید موسی مازندرانی: ۱۳۶	سید حامد طباطبائی: ۶۵
سید مهدی انگبجی: ۱۳۵	سید حسن لوانسانی: ۱۳۶
سید مهدی بحر العلوم: ۱۲۸	سید حسن میرزانی: ۱۳۶
سید مهدی کماری: ۱۳۶	سید حسین درکه‌ای: ۱۳۶
سید نورالدین طالقانی: ۱۳۶	سید حسین کاشانی: ۶۵
شاه نعمت‌اله ولی: ۲۰	سید رضا جزایری: ۱۳۶
شیخ ابوالفضل خراسانی: ۱۳۶	سید رضا مصطفوی نقرشی: ۱۳۶
شیخ ابوالقاسم علمانی: ۱۳۶	سید صادق شریعتمداری: ۱۳۶
شیخ ابوالقاسم تنکابنی: ۱۳۶	سید علی اصغر خونی: ۱۳۶
شیخ ابوطالب فاضلی خونی: ۱۳۶	سید علی اکبر بزازی: ۱۳۶
شیخ بهاءالدین صدوقی: ۱۳۶	سید علی خان شیرازی: ۱۰۹



شیخ جعفر خندق آبادی: ۱۳۶	شیخ مفید: ۵۴
شیخ جعفر لنگرانی: ۱۳۶	شیخ مهدی حق پناذ: ۱۳۶
شیخ جمال‌الدین نوری: ۱۳۶	عایشه: ۱۵
شیخ حسن تفسیری: ۱۳۶	عباس بن عبدالمطلب: ۱۵
شیخ حسن سعید تهرانی: ۱۳۶	عباس غفاری: ۱۶
شیخ حسن فرید گلپایگانی: ۱۳۶	عبدالله بن مسعود: ۱۶۹
شیخ رضا سراج: ۱۳۶	عبداله یافعی: ۲۰
شیخ ریحان‌الله نخعی: ۱۳۶	عثمان بن سعید: ۱۱۸
شیخ شریف شاهرودی: ۱۳۶	عزرائیل (ع): ۶۶
شیخ شریف گلپایگانی: ۱۳۶	علامه طباطبائی: ۱۷۲، ۱۴۵
شیخ صدوق: ۷۴، ۵۷	علامه مجلسی: ۱۳
شیخ طوسی: ۳۳	علی بن المغیره: ۹۲
شیخ عبدالله مهدوی شاهرودی: ۱۳۶	علی بن سنان موصلی: ۷۵
شیخ عبدالحسین جاویدان: ۱۳۶	علی بن طاوس: ۵۸، ۸۱، ۹۳، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳
شیخ علاء‌الدین دینوری: ۱۳۶	۱۱۷، ۱۲۵، ۱۷۲، ۱۷۳
شیخ غلامحسین جعفری همدانی: ۱۳۶	علی بن محمد سمری: ۱۱۹، ۱۲۰
شیخ فوام‌الدین شریعتمداری: ۱۳۶	علی بن مهزیار: ۱۳۹
شیخ طوسی: ۳۳	علی ناظم‌زاده: ۵۶
حاج شیخ محمدتقی بروجرودی: ۱۳۶	عمر بن خطاب: ۱۵
حاج شیخ شیخ محمدحسین خراسانی: ۱۳۶	فرید سلسبیلی: ۱۷
حاج شیخ محمدرضا محقق تهرانی: ۱۳۶	فرعون: ۱۰۳
شیخ محمود انصاری: ۱۳۶	قطب راوندی: ۱۱۶
شیخ محمود نجفی: ۱۳۶	کمیل بن زیاد (ع): ۳۶
شیخ مصطفی مسجد جامع: ۱۳۶	لقمان: ۱۲۹

۴۹.....	میرزا علی اکبر نهاوندی:	۱۵.....	مالک بن انس:
۱۳۶.....	میرزا کوچک نوری:	۱۱۷.....	محدث نوری:
۱۳۶.....	میرزا محمدعلی چرندابی:	۱۱۶.....	محمد بن الفرغ:
۶۶.....	میکائیل (ع):	۶۸.....	محمد بن عثمان عمری:
۶۵.....	تاجیان تبریزی:	۱۱۷.....	محمد بن محمد طیب:
۱۲۹.....	نجم‌الدین کبری:	۲۰.....	معروف کرخی:
۱۳۴.....	وحید خراسانی:	۱۵.....	منصور سیاسی:
۱۰۳.....	هارون:	۱۶۷، ۱۶۴، ۱۰۳، ۲۴، ۳۵ - ۳۰.....	موسی (ع):
۵۷، ۱۲.....	یعقوب (ع):	۱۳۷.....	مهدی شمادی:
۱۷۲، ۱۲.....	یوسف (ع):	۱۳۵.....	میرزا احمد آشتیانی:
		۱۳۵.....	میرزا یاقر آشتیانی:

